
رهبر قرآنی
Qur'anic Leader
القائد القرآني



رهبر قرآنی

نویسنده:

معاونت فرهنگی واجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه

ناشر چاپی:

اسوه - سازمان اوقاف و امور خیریه جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

رهبر قرآنی

مشخصات کتاب

ناشر، تهیه و تنظیم: مجتمع فرهنگی آموزشی معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه لیتوگرافی،چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات اوقاف

نوبت چاپ: اول/ بهار ۱۳۹۷

شمارگان: ۵۰۰۰۰ نسخه

قیمت: ۵۰۰۰ تومان غیرقابل فروش/اهدایی

آدرس مجتمع: قم ، بلوار ۱۵ خرداد، جنب امامزاده شاه سیدعلی

مجتمع فرهنگی آموزشی معاونت فرهنگی اجتماعی سازمان اوقاف و امورخیریه

امورخیریه، معاونت فرهنگی و اجتماعی لوشاتو، سازمان اوقاف و آدرس: تهران، خیابان نوفل

۰۲۵-۳۸۱۸۷۱۵۶ : تلفن

سایت سازمان : www.oghaf.ir

سایت معاونت : www.mfso.ir

سایت مجتمع : www.mfpo.ir

ص: ۱

اشاره

فارسی

ص: ۴

العربيه

ص: ۵

فارسی

اشاره

ص: ۶

مقدمه

با دقّت در زنـدگی مقام معظم رهبری مـدّظله، بهره منـدی ایشان از قرآن درتمام مراحل زنـدگی شان به روشـنی قابل مشاهده است؛ به طوری که می توان

محوری ترین بعد از ابعاد شخصیتی معظّم را «بعد قرآنی» دانست.

بر این اسـاس سازمـان اوقـاف و امورخیریه در آسـتانه برگزاری سـی وپنجمین دوره مسابقات بین المللی قرآن کریم، به منظور آشنایی بیش تر با ابعاد

شخصـیت قرآنی معظّم له، در نوشـتار حاضر با عنوان رهبر قرآنی به ارائه ی اطلاعاتی پرداخته است که با مطالعه آن، نه تنها از حـدود هفت دهه فعالیت قرآنی ایشان اطلاع می یابیم، بلکه منطبق بودن منظومه ی فکری ایشان با قرآن و مبانی اسـلامی نیز بر ما روشن می گردد.

به امید آنکه مورداستفاده همگان قرار گیرد.

سازمان اوقاف و امورخیریه

انس خانوادگی با قرآن

ا گر بخواهیم چگونگی آشنایی و ارتباط مقام معظّم رهبری مدّ ظله با قرآن را بررسی و به جایگاه قرآن

در اندیشه و منظومه ی فکری ایشان دست پیدا کنیم، لازم است ابتدا با خانواده ی ایشان آشنا شویم؛

چرا که نهاد خانواده، اساسی ترین بستر تربیت آدمی است و در شکل گیری و تکوین شخصیت افراد،

نقش بسزایی دارد.

سیدعلی حسینی خامنه ای، در فروردین ماه سال ۱۳۱۸ شمسی برابر با ۱۳۵۸ قمری در مشهد

مقدس چشم به جهان گشود. پدرش، سیّد جواد خامنه ای (۱۶ آذر ۱۲۷۴-۱۴ تیر ۱۳۶۵)، از علما و

مجتهدین عصر خود بود که پس از گذراندن دروس سطح در تبریز و مهاجرت به مشهد و بهره مندی

از محضر اساتید بزرگ آن دیار، در ۱۳۴۵ق به نجف رفت و در زمینه ی فقه و اصول فعالیّت داشت؛

در ادامه نیز از حوزه ی درس میرزا محمدحسـین نائینی، سـیّد ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی کسب فیض کرد و از سه نفر مذکور اجازه ی اجتهاد گرفت.

مادرش، بانو خدیجه میردامادی (۱۲۹۳ش -۱۳۶۸ش)، فرزند آیت الله سیّد هاشم نجف آبادی بود.

سیّد هاشم نجف آبادی پس از ازدواج با بی بی سکینه به مشهد رفت و در این شهر به ارشاد مردم، تفسیر

قرآن کریم و تـألیف کتاب روی آورد. او در یکی از شبسـتان های مسـجد گوهرشاد، آیه های قرآن را با مبنا قرار دادن تفسـیر مجمع البیان، تفسیر می کرد که با استقبال گروهی از طلاب، فضلا و علاقه مندان روبه رو شد.

خدیجه میردامادی (مادر آیت الله خامنه ای)، بانویی زاهد، متشرّع، آشـنا با آیات قرآن، احادیث، تاریخ و ادبیات بود. اندوخته ی علمی ایشان با مطالعه در تفاسـیر قرآن و کتب تاریخی چون روضهالصّـفا، به جایی رسـید که زنـدگی انبیا، امامان معصوم و شخصیت های قرآنی را در قالب داستان ها و روایت های

شنیـدنی برای فرزنـدانش بـازمی گفت؛ قرآن را بـا صـدایی خوش تلاوت می کرد. رهبر معظم انقـالب مـدّظله دراین باره می فرمایند:

«مـن اولین نغمه هـای خـوش قرآن را از حنجره ی مـادرم شـنیدم. ...دور او جمع می شـدیم و می نشـستیم و ایشـان قرآن را با صوتی خیلی شیرین و دل پذیر برای ما می خواند و آیاتی از آن را ترجمه می کرد.»

«من خودم اولین بـار، زنـدگی حضـرت موسی، زنـدگی حضـرت ابراهیم و بعضـی پیـامبران دیگر را از مـادرم به این مناسـبت شنیدم. قرآن که می خواند، به آیاتی که نام پیامبران در آن است می رسید، بنا می کرد به شرح دادن.»

سیّدعلی خامنه ای باوجود چنین پدر و مادری، از همان کودکی با قرآن آشنا شده و تحت تربیت

قرآنی رشد یافته است که همین امر، سبب انس و ارتباط قوی ایشان با کلام وحی است.

تحصیلات (قرآنی)

ایشان در چهارسالگی تحصیل را از مکتب خانه شروع کرد و در پنج سالگی وارد دبستان شد. او

صدای خوبی داشت و قاری مدرسه شده بود و قرائت او، آوازه ای هرچند محدود پیدا کرده بود.

پدرش برای آشنایی بیش تر پسرانش با قرآن و یادگیری تجوید، از حاج رمضان بنکدار خواست

آنان را آموزش دهد و بعد از او نیز، ملّاعباس، که بزرگ ترین استاد قرائت قرآن مشهد بود، آموزش را برای

آن ها ادامه داد و سیّد علی تمام قواعد تجوید را از او فرا گرفت.

سیّدعلی حسینی خامنه ای از دوازده سالگی،

کلاس درس قرائت قرآن داشتند و از این دوران سیر

ّفعالیّت های قرآنی خود را آغاز کرده است.(۱)

ایشان بعدها، از این که در کودکی و نوجوانی به حفظ قرآن نپرداخته ابراز تأسف کرد؛ هرچند در سنین بالا، بخش هایی از این کتاب جاوید را حفظ کرد، همچنان، این که خودش را حافظ قرآن

۱- عکسی موجود است که معظّم له پشت آن نوشته اند: « ۱۲ سالگی ، کلاس ششم... روزجمعه پس از پایان جلسه ی قرائت قرآن که استاد آن من بودم و قرّاء آن ، شاگرد مدرسه ای که من دانش آموزان آن بودم .من وچند نفر کلاس ششم آن مدرسه بودیم (ابتدایی) و دیگران ازکلاس های پایین تر بودند»

نمی داند، جزو تأسف های بزرگ اوست.

سیّدعلی خامنه ای، درس های طلبگی را از کلاس پنجم دبستان شروع کرد. پس از اتمام دوره ی

دبستان، وارد دنیای طلبگی شد و در سال۱۳۳۴ش، در درس خارج فقه آیت الله سیّد محمدهادی میلانی حاضر شد.

پس ازآن، مدّتی در نجف و مدّتی در حوزه ی علمیّه قم از محضر اساتید استفاده کرد و در مدّت اقامت در قم ا کثر وقت خود را به تحقیق، مطالعه و تدریس می گذراند. در ۱۳۴۳ ش به دلیل عارضه ی بینایی پدر و کمک به وی به ضرورت از قم به مشهد بازگشت و بار دیگر در جلسات درس آیت الله میلانی حضور یافت که تا سال ۱۳۴۹ش ادامه داشت.

آیت الله خامنه مدّظله معتقد بودند جلسه قرائت قرآن به تنهایی کافی نیست؛ بلکه باید مقدّمه ای

باشد تا مردم با مفاهیم قرآن آشنا شوند.(۱)

ایشان همواره در طول فعالیّت های خود به مقدّم بودن آشنایی

ص: ۱۱

۱- بیانات در دیدار کارگزاران و مسئولان نظام و مهمانان کنفرانس وحدت اسلامی به تاریخ ۱۳۷۳.۰۶.۰۴ . رهبر انقلاب می فرمایند: ا گر حکومتی براساس اسلام بود، به این معناست که اسلام مورد عمل قرار گرفته است. اما ا گر اسلام به معنای اعتقاد و عمل افراد در جامعه وجود داشته باشد و حا کمیت دین برقرار نباشد، در چنین جامعه ای قرآن و اسلام مهجور است. مصداق آن در قرآن کریم و در سوره ی فرقان چنین آمده است: و قال است:«وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا » پیغمبر اکرم نزد پروردگار عالم عرض می کند:«يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا »هجر قرآن به چه معناست؟بی شک به این معنا نیست که قرآن و اسم قرآن و اسم مسلمانی را به طورکلی از خود دفع کردند. این اتخاذ نیست. «اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا » ؛ یعنی قرآن رادارند اما همراه باهجر. قرآن هست؛ امّا مهجور است. به این معنا که قرآن در یک جامعه تلاوت شده و احترام اما همراه ظاهری می شود ؛ اما به احکام آن عمل نمی کنند به بهانه ی جدایی دین از سیاست، حکومت را از قرآن سلب می نمایند. اگ قرار بود که اسلام و قرآن حکومت نکنند، پس مبارزات پیغمبر برای چه بود؟ از نگاه ایشان، ایجاد یک نظام مبتنی بر دین، یعنی همان کاری که پیغمبر اکرم(صلّی الله علیه و آله وسلّم) در آمدن به مدینه و هجرت به مدینه انجام دادند. تا وقتی جامعه ای نباشد، نظامی نباشد، تمرکز اقتداری نباشد که بتواند بر روی همه فعالیت های اجتماعی سایه بیفکند، کارها ضمانتی ندارد. قبل از انقلاب، خیرخواهان و ناصحان معدودی بودنددلشان می سوخت و مردم را نصیحت می کردند؛ موعظه هم بی تأثیر نیست، در ؛ دل اثر می کند؛ اما قابل تحقق عملی نیست؛ چرا؟ چون نظام، نظام غلطی است؛ چون جهت گیری جامعه، جهت گیری ضد عدالت،ضد انصاف، ضد مروت، ضد اخلاق است. جهت گیری مهم است. اصل جهت جهت با تشکیل یک نظام است.

بر انس با قرآن، لزوم تدبر در قرآن و تلاش برای عملیاتی کردن آموزه های قرآن در جامعه تأ کید داشته اند.

ایشان، یعنی «مبارزه» برای تحقّق حکومت قرآنی شکل گرفت.

در ادامه، مروری بر سابقه ی تفسیری و پژوهشی ایشان خواهیم داشت.

ص: ۱۲

سابقه ی مبارزاتی– تفسیری

شروع مبارزات و انتخاب جلسات تفسیر به عنوان یکی از خطوط مبارزه

حضرت آیت الله خامنه ای مدّ ظله از نخستین کسانی بود که با شروع مبارزات در سال ۱۳۴۱ ، به ۱۳

خمینی رحمه الله علیه پیوست و اولین فعالیّت های شان همان تکثیر و پخش اعلامیه های امام بود. در این زمان ها، ابعاد سیاسی امام برای ایشان یکی پس از دیگری رو می شد.

این که بینش سیاسی امام خمینی رحمه الله علیه چگونه ساخته و پرداخته شد؟ چه کسانی بر او تأثیر سیاسی گذاشتند؟ و... سؤالاتی بود که سیّد علی خامنه ای به آن ها می اندیشید.

او به این نتیجه رسید که غیر از تأثیر بسزایی که آیت الله سید حسن مدرس و آیت الله میرزامحمدعلی

شاه آبادی در اندیشه ی آیت الله خمینی گذاشتند، استعداد، هوشمندی و تیزبینی امام در باب مسائل

اجتماعی و فهم عمیق از مسائل اسلامی، او را در جایگاه یک انقلابی بزرگ و دگرگون کننده ای بی بدیل

قرار داده است و البتّه شجاعت امام، که میراثی خانوادگی بود نیز، در این خیزش بسیار مؤثر بوده است.

پس مجموعه ای از دین داری، شجاعت، درک سیاسی و الهام گیری از مرام سیاسی آقایان مدرس

و

شـاه آبادی در قیام امام خمینی رحمه الله علیه به چشم می خورد و آیت الله خامنه ای می دیـد که همه ی این عوامل زیر چتری به نام «انگیزه ی دینی» جمع است.

از سال۱۳۴۲ که مبارزات ملّت ایران به رهبری امام خمینی(رحمه الله علیه) وارد مرحله ی جدیـدی شـد و پس از سـرکوبی این نهضت توسط رژیم طاغوت، جریان های مختلف سیاسـی-اجتماعی خط مشی های مختلفی را در پیش گرفتند. آیت الله خامنه ای نیز میان مبارزان بوده و علاوه بر همراهی با دیگر مبارزان، زمینه سازی فکری و اندیشه ای جامعه را نیز منظور نظر قرار داد؛ در این حوزه، یکی از موثّرترین

فعالیّت های شان، برگزاری جلسات تفسیر بود.

آیت الله خامنه ای تلاش کردند تا طرحی برای زیست مؤمنانه در جهان جدید ارائه دهند که تسلیم

تحولات زمانه نیست و راهکارهایی برای مدیریت تحول ارائه می کند. این رویکرد بر پایه ی بازگشت به

قرآن استوار شده و به دنبال «دین داری حدا کثری» است.

شرایط آن زمان، سبب شده بود تمام فعّالیّت های آیت الله خامنه ای و سایر فعّالین ، توسط نیروهای

ساواک تحت نظر باشـد؛ به طوری که در تمام سـخنرانی های ایشان نیروهای ساوا ک حضور داشـتند تا حرف ها را بشـنوند و مهم ترین بخش هایش را یادداشت و منعکس کننـد؛ به همین دلیل، آیت الله خامنه ای به محـدودیت هایی که در ارائه مطالب به مخاطب داشتند، اشاره کرده، فرمودند:

«مطالبی را که فکر می کردم دانستن آن برای نظام و رژیم به شدت مضر است، بدون این که اندک

اشاره ای به دستگاه بکنم، مطرح می کردم. هیچ گوشه و کنایه ای هم مطلقاً به دستگاه نمی زدم.»

بااین حال، گزارش ها و خبرچینی هایی بود که به دستگیری های متعدد آیت الله خامنه ای منجر

می شد؛ ایشان قبل از انقلاب، شش مرتبه توسّط ساواک بازداشت شده، به زندان رفتند و بعدازآن نیز، تبعید شدند.

جلسات تفسیر قبل از پیروزی انقالب اسالمی

اشاره

آیت الله خامنه ای قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، مجموعاً نُه سری جلسات تفسیری برگزار کردند

که در ادامه به ترتیب زمانی، به شرح این ها می پردازیم:

جلسات پایین خیابان؛ اولین سری تفسیر

شروع جلسات تفسیر آیت الله خامنه ای، از سال۱۳۴۳ بود که جمعی از اهالی «پایین خیابان» از او خواستند تفسیر بگوید و او با شرایطی پذیرفت؛ بنابراین، بعد از آزادی از دومین زندان، به مدّت یک ماه

رمضان در جمعی از کسبه، تاجران مشهد و اندک روحانیون فعال که به امور سیاسی علاقه مند بودند،

تفسیر سوره ی «مائده» گفت که این جلسات به «جلسه ی پایین خیابان» شهرت یافته بود.

جلسات تفسیر در عین تعقیب و گریزها

دغدغه ی نشر و ترویج قرآن موجب شد حتّی در شرایط سخت مبارزات و تعقیب وگریز نیز فرصت های کوتاه پیش آمده را در تفسیر آیات نورانی قرآن صرف کنند؛ در سال ۱۳۴۵ که از مشهد فرار کردند و در تهران به طور ناشناس زندگی می کردند، جمعی از آشنایان، جلسه ای گذاشتند که ایشان، شب های ماه رمضان برای آنان تفسیر می گفتند. آیت الله خامنه ای در وصف این جلسات گفته اند:

«جلسات پرشور و خوبی بود و من سوره ی کهف را برایشان تفسیر کردم.»

تفسیر در مسجد صدیقی ها و مدرسه میرزاجعفر

سومین مرتبه ی دستگیری ایشان در فروردین سال ۴۶ بود که آیت الله خامنه ای، پس از آزادی، در

تهران به ملاقات زندانیان سیاسی رفت. آیت الله خامنه ای از طریق ارتباط با مبارزان در نقاط مختلف،

سعی در تشکّل بخشیدن به مبارزان و مبارزه، تربیت نسل های جدید مبارزان و انقلابیون بر اساس

اندیشه ی اسلامی خصوصاً بین طلاب علوم دینی و دانشجویان، سعی در اخذ مبانی مبارزه از قرآن

و حدیث، مقابله با اندیشه های مادی گرایانه مارکسیستی و لیبرالیستی و امثال آن، به تعمیق اندیشه ی اسلامی و مبارزه در چهارچوب نهضت امام خمینی(رحمه الله علیه) پرداخت و علی رغم مقابله ی رژیم پهلوی به موفّقیّت های زیادی دست یافت.(۱)

ایشان بعد از آزادی از سومین زندان، دومین جلسات تفسیر در سال ۱۳۴۷ به درخواست دو یار او

که هردو اهل گناباد، هم محله، هم مدرسه، هم سفره، همراه و هم مباحثه بودند، برگزار شد:

سیدرضا کامیاب و محمدباقر فرزانه، در سفری که همراه آقای خامنه ای بودند، هرچند محدود، با

ابعاد علمی، اجتماعی و سیاسی آیت الله خامنه ای آشنا شده و او را شایسته ی استادی یافته بودند. آن ها هر دو باهم نزد سیّدعلی خامنه ای آمدند و اصرار کردند غیر از درس های معمولی، درس عمومی دیگری شروع کند؛ تفسیر، عقاید، اخلاق.

۱- سایت Khamenei.ir . زندگی نامه.

آقای خامنه ای به تفسیر قرآن اعتقاد ویژه ای داشت؛ ازاین رو پس از بازگشت به مشهد، سوره ی مائده،

همچون سال ۱۳۴۳ بستر تفسیر قرآن شد. پنج شنبه ها و جمعه ها حلقه های این درس شکل می گرفت و این جلسات رفته خواهان پیدا کرد و طلبه های زیادی مشتری او شدند و حتّی پس از مدّتی، جوانان دانش آموز، دانشجو و تعدادی از بازاریان نیز از شرکت کنندگان در این جلسات بودند. مکان آن ابتدا در مسجد صدیقی ها در بازار سرشور بود که با فزونی شا گردان، به کتابخانه ی مدرسه ی میرزاجعفر منتقل شد.

این حلقه ی علمی، کوتاهی بار اوّل نبود و سالیانی به درازا کشید؛ امّا درنهایت به دست مأموران امنیتی شکست. متأسفانه نوار آن جلسات از دست رفته و اطلاعی از جزئیات محتوایی آن در اختیار نیست.

ادامه تفسیر مدرسه میرزاجعفر

این زندان های پیاپی، رشته ی زندگی، فعّالیّت آموزشی و برنامه های ریزودرشت معظم له را مدام

پاره می کرد. بعد از پنجمین زندان، می دانست که از هم مسلکانش گرفته تا مأموران خبرچین افتخاری،

اخبار ایشان را به ساواک منتقل می کنند و به نظر می رسید بندهای اختناق بیش ازپیش تنگ تر شده

بود، پس مواظب رفتار و گفتارش بود.

آیت الله خامنه ای، بی درنگ بعد از آزادی از پنجمین زندان نیز، در پاییز سال ۱۳۵۰ کلاس های تفسیر خود را در مدرسه ی «میرزاجعفر» مشهد، (دانشگاه رضوی فعلی) شروع کرد و فروردین ۱۳۵۱ بود

که پس از رسیدن خبر تشکیل کلاس های تفسیر ایشان به ساواک، خشم مقامات امنیتی برانگیخته شد و ساواک دستور داد یکی دو خبرچین دائم در اطراف وی باشند و گفتار و کردارش را گزارش کنند.

در این جلسات سوره های مبارکه مائده، انفال، برائت و آیاتی از سوره مبارکه یونس مورد تفسیر و تبیین قرار گرفت.

شروع جلسات تفسیر مسجد امام حسن(علیه السّلام) مشهد

در پاییز ۱۳۵۱ و ماه رمضان، شمع تفسیر قرآن در مسجد امام حسن(علیه السّلام) روشن شد:

آیت الله خامنه ای با اصرارهای فراوان، پیشنهاد امامت مسجد امام حسن(علیه السّلام) را پذیرفت. رفته رفته سخنرانی های کوتاه او که ایستاده ایراد می شد، مورد استقبال قرار گرفت. تخته سیاهی به مسجد آورد و شروع به ترجمه و شرح معارف دین کرد. دوستداران جلسات تفسیر از همه ی طبقات و اقشار بودند. اینک، شب ها بیرون مسجد پر می شد از دوچرخه ها و موتورسیکلت هایی که صاحبان جوانشان داخل صحن بودند و تعداد جوانان بر موسفیدهای مسجد می چربید. اینان، نشسته و سر بر روی کاغذ، سخنان آیت الله خامنه ای را از ترجمه و شرح قرآن یادداشت می کردند. جلسات تفسیر قرآن در مسجد امام حسن(علیه السّلام) با نظم هفتگی (صبح روزهای جمعه) برگزار می شد و در سال ۱۳۵۲ نیز ادامه داده شد. شروع تفسیر، با ویژگی های قوم یهود بود و مثلاً ۱۸ اسفند ۱۳۵۱، آیه ی ۶۲ سوره ی بقره ترجمه و تفسیر شد. روش آیت الله خامنه ای، بدین صورت بود که با یاد کردن از نمونه هایی از زمان حال، به تفسیر آیات می پرداخت.

در این میان، ساواک به دنبال به دست آوردن مدرک برای دستگیری و پیگرد شدید او بود؛

ازاین رو درس تفسیر او را به شدت پیگیری می کرد و نکاتی را که حکایتگر دیدگاه های سیاسی آقای

خامنه ای بود، ثبت و ضبط می نمود.

ص: ۱۸

از طرفی آقای خامنه ای با هر آنچه موجب تعطیلی بی جهت جلسه های تفسیرش می شد، مخالف

بود؛ حتّی ا گر این عامل، صلوات برای مرادش، امام خمینی(رحمه الله علیه) باشد و در یکی از جلسات گفتند:

«از آقایان می خواهم که بگذارند ما کارمان را بکنیم و کار ما را متوقف نکنید. من امروز بیش از هر چیز شناخت قرآن را لازم می دانم و لذا این ضرورت را احساس کرده ام و در حوزه ی علمیّه قم و مشهد گفتم که بیایید دروس فعلی را به مدّت بیست سال متوقف کنیم و به یک باره بپردازیم به قرآن و خودم مدّت شش سال درس تفسیر می گویم و بدین وسیله حوزه تا حدّی به عقیده ی من متقاعد شده. لذا من از آقایان می خواهم که شعار ندهند؛ چون شعار امروزه نه حرف [مفید] است، نه عمل.»

جلسات ادامه داشت و هر جلسه، ادامه ی آیات جلسه قبل از سوره ی بقره ترجمه و تفسیر می شد.

روز بیست وهشتم اردیبهشت ۱۳۵۲، به آیه های ۹۶ تا ۹۸ اختصاص یافته و جلسه ی بعد نیز، به آیات

۹۹ تا ۱۰۲ سوره ی بقره پرداخته شد. هم زمان، گزارش جلسات توسّط بازیگر مذهبی ساوا ک، تهیّه

می شد. پس از رسیدن این گزارش به سازمان اطلاعات و امنیت مشهد، یکی از مقامات آن سازمان

ادامه ی تشکیل جلسات تفسیر را به مصلحت ندانست و گفت: این جلسات باید تعطیل شود.

جلسات تفسیر تا آیه ی ۱۰۹ سوره ی بقره ادامه یافت و سپس به سیّدعلی خامنه ای ابلاغ شد که

خود را به ساوا ک معرفی کند. ...اواخر تیرماه بود که ایشان به ساوا ک رفت و پذیرفت که محفل تفسیر خود را در مسجد امام حسن(علیه السّلام)،تعطیل

کند و فقط در آنجا نماز بخواند و بعد از نماز، چند حدیث بیان کند و درس پانزده نفر طلبه را که جنبه تعلیم دارد ادامه دهد.

ص: ۱۹

در آخرین جلسه خطاب به حاضران در مسجد گفت:

«در این هفته، بحث ما در اینجا خاتمه می پذیرد؛ ولی شما از اطراف قرآن پرا کنده نشوید. ...تمام

بدبختی های امروز ما در اثر نداشتن علم قرآن است. قرآن مرهم تمام زخم ها و جراحت ها است...

قرآن را فرابگیرید و بشکافید که قرآن هدفش چیست و منظور نهایی آن چه می باشد.»

جلسات تفسیر مسجد امام حسن(علیه السّلام) تعطیل شد؛ امّا تعطیلی آن ها، مانع از کوشش های تحقیقی او درباره ی قرآن نشده بود و در نخستین ماه های سال ۱۳۵۲ بود که تصمیم خود را برای تألیف دو پژوهش قرآنی(۱) به کار بست.

حلقه های تفسیر در مسجد قبله

آیت الله خامنه ای هرگز از پای نمی نشست و هر جلسه را که تعطیل می کردند، جلسه ی دیگری

تشکیل می داد (چرا که او نظام حا کم را از بیخ و بن مردود می دانست و آنچه در اندیشه اش جای

داشت، برپایی نظام اسلامی بود)؛ مثلاً بعد از تعطیلی جلسات تفسیر مسجد امام حسن(علیه السّلام)، او روزهای پنج شنبه و جمعه در مسجد قبله، تفسیر [اصول عقاید] می گفت و حدود یک صد و پنجاه طلبه ی علوم دینی به پای حرف های او می نشستند؛ اما نهایتاً این حلقه های تفسیر نیز در تیرماه ۱۳۵۲ با تهدید ساوا ک تعطیل شد.

۱- درقسمت سابقه پژوهشی ، توضیح داده می شود.

برگزاری مجدد تفسیر در مسجد امام حسن(علیه السّلام)

ماه رمضان ۱۳۵۲ش، آیت الله خامنه ای برای این که حساسیت ساوا ک را برنینگیزد، با مشورت

به این نتیجه رسید که پس از نماز ظهر و عصر مسجد امام حسن(علیه السّلام)، آیاتی از قرآن را خوانده و ترجمه کند؛ اگر شد خودش ترجمه نماید و اگر نشد، آیه ها را تعیین کند و جوان های علاقه مند حاضر، ترجمه ی فارسی آن را بخوانند.

آیت الله خامنه ای روزهایی از رمضان را بعد از نماز ظهر و عصر، به ترجمه و شرح آیاتی از سوره ی

آل عمران گذراند؛ در روز دهم رمضان، آیات ۱۳۰ تا ۱۳۵ سوره ی اعراف را شرح کرد. او با این توضیح که

هدف من تفسیر نیست، بلکه ترجمه ی آیات است به بازگویی مفهوم حقّ و باطل پرداخت و درباره ی

«سنّت پیشروی حق» و «رکود و جمود باطل» سخن گفت و اشاره می کرد:

«حکومت الهی بالاخره در جریان تاریخ غلبه پیدا خواهد کرد و بر حکومت باطل پیروز خواهد شد.»

او در پایان سخن هایش که شباهتی به ترجمه نداشت و بیش تر شرح و تفسیر آیات شده بود، دو حدیث خواند و حکمی کلی از آن ها به دست آورد که: « مؤمن باید در برابر تندباد حوادث همچون گیاهی سبز، ناشکننده باشد. » روز یازدهم رمضان (هفدهم مهر)، آیات ۲۰ تا ۲۷ سوره ی انفال را ترجمه و تفسیر کرد و در روز سیزدهم رمضان نیز آیاتی از سوره ی صف ترجمه و شرح داده شده بود.

این گفته ها، سبب شد به ساوا ک ابلاغیه ای مبنی بر گردآوری مدارک علیه او به منظور اعمال شدّت عمل بیش تر، اقدام شود. فلذا آخرین سخنان او در مسجد امام حسن(علیه السّلام) در ۲۰ آبان بود که به شرح سوره ی عصر اختصاص یافت.

ص: ۲۱

تفسیر در مسجد کرامت

کمتر از دو ماه، آقای خامنه ای مرکز فعّالیّت های خود را از مسجد امام حسن(علیه السّلام) به مسجد کرامت منتقل کرد. شب جمعه پس از تلاوت قرآن، به ترجمه و تفسیر آن می پرداخت و طبق مشی فکری او، تفاسیر، آمیخته به نکات و موضوعات اجتماعی بود.

اما سخنان او از قرآن، نماز و روایات حتماً به جای باریک رسیده بود که ساوا ک تصمیم گرفت

از ادامه ی مجالس او در مسجد کرامت جلوگیری کند و درنتیجه، آخرین سخنرانی آقای خامنه ای در

مسجد کرامت، هفتم اسفند ۱۳۵۲ بود.

دستاورد آقای خامنه ای از تفسیرها و سخنرانی ها در مسجد کرامت، کتاب «گفتاری در باب صبر»

بود که یک سال و نیم پس از آخرین حضور او در مسجد، از خلاصه و پیراسته ی سخنان او در موضوع

«صبر»، منتشر شد.

مشهورترین و مهم ترین جلسات تفسیر

در رمضان ۱۳۵۳ش، آقای خامنه ای ظهرها در مسجد امام حسن(علیه السّلام)، با تفسیر آیاتی از قرآن، مفاهیم حرکت آفرینی از اسلام را برای حاضران بازگو می کرد و از ناراستی های موجود در جامعه پرده برمی داشت. تقابل حکّام و پیامبران، تقابل اسلام با ظلم و بیداد، برابری انسان ها و نبود فاصله ی ارزشی میان غنی و فقیر، مانع تراشی ثروتمندان، اشراف، رهبانان و حاکمان در برابر پیامبران، مبارزه با جهل و بی سوادی ازجمله موضوعاتی بود که با استفاده از آیه های قرآن، ترجمه و تفسیر می شد.

تلقی گزارشگر ساواک از این سخنرانی ها، این بود که «آیت الله خامنه ای، به تشریح اصول انقلابی

قرآن و به طور کنایه در لفّافه به تشویق و تحریک مردم و به پایداری [در برابر] اختلافات طبقاتی و

استثمار و خفقان می پردازد.»

در روزهای ۲۶ و ۲۷ رمضان، درباره ی «ولایت مطلقه ی امام» سخنرانی و ولی خدا را معرفی کرد و شروط او را گفت و نهایتاً از مردم خواست تا فکر کنند، قالب گیری و اندازه گیری و جانشین امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف) را انتخاب کنند. این بار سخنان به قدری آشکار بود که گزارشگر ساواک در پایان

گزارش خود می نویسد: «منظور از جانشین امام در این شرایط، خمینی است.»

آیت الله خامنه ای عمیقاً اعتقاد داشت که قرآن، منبعی سرشار، اصیل و سند قاطع و تردیدناپذیر

اسلام، راهگشای مبارزه با بیداد و مبیّن زندگی اجتماعی انسان هاست. بر همین اساس، در سخنرانی ماه مبارک رمضان به طرح اصولی چون ایمان، توحید، نبوت و والیت پرداخت و هریک را در چند جلسه شرح داد.

آیت الله خامنه ای پیش از شروع جلسات، هر بار چکیده ای از مطالب آن جلسه را تکثیر و میان

حاضران توزیع می کرد. اوایل آبان ماه ۱۳۵۳ این چکیده ها را کنار هم قرار داده، ویرایش کرده، با اضافه

کردن مقدمه ای بر آن، کتابی با عنوان «طرح کلی اندیشه ی اسلامی در قرآن» به چاپ رسانید.

جلسات تفسیر تا سال ۱۳۵۶ و قبل از دستگیری و تبعید به ایرانشهر ادامه داشت.

پیروزی انقلاب اسلامی، ایران را به پایگاه مستحکمی برای اندیشه ی حا کمیت دین تبدیل کرد و این پیروزی، اولین و مهم ترین مرحله ی بازسازی امّت قرآن و تمدّن نوین اسلامی است. تحقّق کامل

این تمدّن نوین نیز ممکن نیست مگر آن که «قرآنی شدن» اندیشه و زندگی مسلمانان، به طور نظام مند ازادّعا به عمل برسد.

درواقع آیت الله خامنه ای در تداوم خط فکری امام خمینی(رحمه الله علیه) و دیگر احیا گران فکر اسلامی در دوران معاصر، بر این باور هستند که «اقامه ی دین بتمامه»، یعنی تحقّق همه ی ارکان و اجزای دین، جز از راه حا کمیت ارزش های دینی بر شئون مختلف جامعه ممکن نخواهد شد؛ بنابراین ناگزیر باید دین اقتدار بیابد، فرایند حکمرانی بر پایه و در چارچوب ضوابط دینی باشد و حرکت جامعه، صورت و سیرت دینی پیدا کند که البتّه فارغ از خواست مردم، نه ممکن است و نه مطلوب.

تاریخ اندیشه و جنبش اسلامی در دوره ی معاصر نشان می دهد که به منظور حا کم شدن دین و

قرآنی شدن نظام جامعه، احیای برخی مفاهیم بدفهم شده یا به حاشیه رفته ضرورت داشته است.

جلسات تفسیر بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

دوران ریاست جمهوری معظم له

پس از انقلاب نیز در دوره ی ریاست جمهوری ایشان، اردیبهشت ماه ۱۳۶۱ که هنوز کمتر از یک سال از تصدّی ریاست جمهوری توسط آیت الله سیّد علی خامنه ای نگذشته بود، همچون سال های

پیش از انقلاب، درس تفسیر خود را شروع کردند. این بار مخاطبان جلسات، پاسداران نهاد ریاست

جمهوری بوده و جلسه، هفته ای یک بار در نهاد ریاست جمهوری برگزار می شد.

«درس تفسیر از جزء بیست وهفتم آغاز شد. سال های ابتدایی تشکیل حکومت اسلامی در کشور

بود و تبیین مباحث حکومتی اسلام در جامعه، نیاز ضروری داشت. آیت الله خامنه ای، هدف و انگیزه ی خود را از برگزاری این جلسات چنین بیان می کند:

مسئله ی عدالت اجتماعی، مسئله ی حکومت، مسئله ی جهاد در جبهه های جنگ و از این قبیل

مسائل، ده ها مسئله از این قبیل مسائل عمده ی بعد از تشکیل حکومت است. این مسائلی است که در آیات مدنی بیش تر به آن ها پرداخته شده. آیات این جزء به بعد تا جزء سی ام، بیش تر مدنی است که جزء سی ام بیش تر مکّی است و ما دیدیم که اینجاها را هم کمتر تفسیر کردند.(۱)

آیت الله خامنه ای که تا پیش از انقلاب یکسر در اندیشه ی برپایی حکومت قرآنی بوده و جزء تا

جزء آن را از آیات قرآن برای شا گردان خویش در مشهد تفسیر کرده است، ا کنون با همان شور انقلابی و مطابق با نیاز زمان، مسائل جامعه اسلامی را پس از برپایی حکومت، تفسیر می کند. ویژگی مهم این درس، تطبیق آن با جریانات و مسائل روز است. از جریانات تاریخی صدر اسلام گرفته تا فتنه لیبرال ها و منافقین و مستکبران جهانی، همه و همه از آیات قرآن استنباط و تفسیر می گردد؛ همچنین مفاهیم استکبار، استضعاف، فتنه، نفاق و نفوذ در آن، سهمی قابل توجّه دارد.

می توان گفت این جلسات، بخش مهم دیگری از مبانی نظری رهبر انقلاب مدّ ظله در موضوعات

مختلف، جهت راهبردی نظام اسلامی در سال های تصدّی ولایت فقیه و رهبری نظام است.»(۲)

۱- بیانات مقام معظّم رهبری، به تاریخ ۱۷/ ۱۲ / ۱۳۶۱ در درس تفسیر سوره ی مجادله .

۲- پایاننامه ی« بررسی روش تفسیری آیت الله العظمی سیدعلی خامنه ای » ؛ خواجه، زهرا؛ دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی قم؛ شهریور ۱۳۹۴

دوران رهبری معظم له

بعـد از شـروع رهـبری آیت الله خـامنه ای مـدّ ظله نیز، جلسـات تفسـیری در حسـینیه امـام خمینی(رحمه الله علیه) و بیت رهبری برگزار شـد که در آنجا تفسـیر سوره ی بقره گفته شـده است. جزئیات زیادی از این جلسات در دسترس نیست و تنها می توان از محتـوای بعضـی از جلسـات که در سـایت Khamenei.ir منتشـر شـده است، اسـتفاده کرد.متن بیانـات مقام معظم رهبری مدّظله در ۱۲ جلسه از دوره، منتشر شـده است. از آن هـا دریـافت می شود که هشـتمین جلسه ی این دوره، در ۲۴ مهر ۱۳۷۰ برگزار شده و بیست و هشتمین جلسه ی آن نیز، آخرین جلسه ی منتشر شده است که در تاریخ ۱۳۷۱/۳/۶ برگزار شده بود.

ص: ۲۶

روش و گرایش تفسیری

«هر یک از مفسران بنا بر سلیقه ی خود، از جنبه ای به تفسیر قرآن مشغول شده اند. روش تفسیری

آیت الله خامنه ای، روش «اجتهادی» یا «جامع» است. روش تفسیری اجتهادی یعنی استنباط و فهم

معارف و احکام قرآن با استفاده از منابع با داشتن صلاحیت مفسّر برای تفسیر؛ پس مفسّری که این

روش را برای تفسیر قرآن برمی گزینند، قاعدتاً باید از همه ی روش های دیگر نیز برای رسیدن به مقصود

خود استفاده کند. علاوه بر روش، انواع گرایش های تفسیری نیز وجود دارد که گرایش تفسیری آیت الله

خامنه ای، گرایش «سیاسی اجتماعی» است. تفسیر قرآن با گرایش اجتماعی به اندیشه های اجتماعی قرآن عنایت خاصی دارد و از منظر اجتماعی به مسائل انسان، هدایت و ارائه پیام قرآنی می پردازد و سعادت فرد را از سعادت جامعه جدا نمی بیند. از طرفی مفسران این گرایش معتقدند که در سایه ی تحولات جدید و به وجود آمدن مشکلات اجتماعی، بهترین راه حل مراجعه به تفسیر قرآن است.»(۱)

«امروزه نگاه فراتری در گرایش تفسیری موردتوجه پژوهشگران قرآن قرار گرفته است که از آن به

۱- مقاله ی « بررسی روش و گرایش تفسیری مقام معظّم رهبری » ؛ علوم مهر، مروجی طبسی؛ پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، زمستان ۱۳۸۹- ش ۹، ص ۴۵- ۹۲.

گرایش تفسیری تمـدّنی یـاد می شود. در این گرایش تفسیری، مفسری که به عرصه تمـدّن سـازی توجّه دارد به دنبال یافتن مبانی و آموزه های تمـدّن ساز در قرآن کریم و ارائه الگوی تمـدّنی آن و پیونـد آن با عرصه ی عمل در ساختن تمـدّن قرآنی است. مطـالعه ی آرا و دیـدگاه های تفسیر رهبر انقلاب نشان می دهـد تفسیر ایشان نمونه ی کاملی از این گرایش در تفسیر است. این نگرش تفسیری به دنبـال ارائه ی طرح منـاسبی درزمینه ی مهندسی فرهنگی برای ایجـاد پیشـرفت بـوده و به تفسیر تاریخی از قرآن کریم نگاه ویژه ای دارد. مفهوم نظام سازی که در اندیشه و تفسیر ایشان تبلور یافته و نیز توجّه ایشان به مقوله ی تمدّن نوین اسلامی و «سبک زندگی» به عنوان روح تمدّن اسلامی و خصیصه ی ممتاز آن از تمدّن های بشری تمدّن امروز دنیای غرب، خود شاهدی بر این مدعا است .»(۱)

۱- مقـاله ی « نظـام سـازی در نگـاه تفسیری آیت الله خامنه ای مـد ظله » ؛ عینی زاده، مؤدب؛ دوفصـلنامه ی علمی . پژوهشـی «مطالعات قرآن و حدیث»، سال یازدهم، شماره ی اول، پاییز و زمستان ۱۳۹۶ ، پیاپی ۲۱ ، ص ۱۵۳- ۱۵۷.

سابقه ی پژوهشی- تألیفی

اشاره

پس از مراسم تحلیف (مهر ۱۳۶۰)، مصاحبه ای با آیت الله خامنه ای توسط صداوسیما انجام شد که از آن می توان دریافت:آشنایی با تفکرات ارزشمندی چون « لزوم تجلّی هویت مسلمانی در ابعاد اجتماعی-سیاسی زندگی»، «اندیشه ی حاکمیت اسلام بر جامعه ی مسلمین »و «عدم تمکین در برابر حکومت های غیردینی» که آرام آرام در گوشه

کنار مجامع روشن بینانه ی دینی و طلبگی مطرح می شد، هرچند در اقلیت بود، از آن چنان قدرتی

برخوردار بود که طلبه ی دغدغه مند و آزاداندیشی چون سیّدعلی را مجذوب خویش سازد.

این تفکر آن چنان سراسر وجود ایشان را فرا گرفته بود که «دفاع از هویت قرآنی اسلام »، به منشأ و

جهت بخش همه ی فعّالیّت های تطبیقی، تألیفی و ترویجی ایشان تبدیل می شود.

علاوه برجلسات تفسیر، یک از فعّالیّت های ایشان در حوزه ی قرآن و تفسیر، تألیف و ترجمه ی

کتب بود که به کتاب های «دو پژوهش قرآنی»، «گفتاری در باب صبر» و «طرح کلی اندیشه ی اسلامی در قرآن» اشاره داشتیم. یکی دیگر از این تلاش ها، «ترجمه کتاب تفسیر فی ضلال؛ نوشته ی سیّدقطب»

ص: ۲۹

می باشد. اخیراً نیز سه کتاب «مروری بر مبانی، روش و قواعد تفسیری»، «تفسیر سوره ی مجادله» و «تفسیر سوره ی برائت» از صوت جلسات گذشته ی آیت الله خامنه ای تهیه شده و توسّط انتشارات

انقلاب اسلامی به چاپ رسیده است. در ادامه به شرح این ها می پردازیم:

تألیف «دو پژوهش قرآنی»

جلسات تفسیر مسجد امام حسن(علیه السّلام) تعطیل شد؛ امّا تعطیلی آن ها، مانع از کوشش های تحقیقی او درباره ی قرآن نشده بود و در نخستین ماه های سال ۱۳۵۲ بود که تصمیم خود را برای تألیف دو پژوهش قرآنی به کار بست. یک پژوهش او، تدوین لغت نامه قرآنی بود و دیگری تهیّه کشف الآیات

فارسی که فارسی زبانان بتوانند به آسانی آیات قرآن را بیابند و ناچار از دانستن ریشه های لغات عربی

نباشند. تدوین کشف الآیات به صورت گروهی انجام می شد و کار ادامه داشت تا مهر ۱۳۵۳ که به شکل

اتفاقی متوجّه شدند دکتر محمود رامیار نیز، در حال اجرای هر دو طرح هستند و حتّی کشف الآیات را به

چاپ رسانده اند؛ فلذا اینجا بود که کار متوقف شد.

کتاب «گفتاری در باب صبر»

در سال ۱۳۵۲، دستاورد آیت الله خامنه ای از تفسیرها و سخنرانی ها در مسجد کرامت، کتاب

«گفتاری در باب صبر» بود که یک سال و نیم پس از آخرین حضور او در مسجد، از خالصه و پیراسته ی

سخنان او در موضوع «صبر»، منتشر شد.

کتاب «طر ح کلی اندیشه ی اسالمی در قرآن»

آیت الله خامنه ای پیش از شروع جلسات مسجد امام حسن(علیه السّلام)، هر بار چکیده ای از مطالب آن جلسه را تکثیر و میان حاضران توزیع می کرد. اوایل آبان ماه ۱۳۵۳ این چکیده ها را کنار هم قرار داده، ویرایش کرد و با اضافه کردن مقدّمه ای بر آن، کتابی با عنوان «طرح کلی اندیشه ی اسلامی در قرآن» به چاپ رسانید. در مقدمه ی کتاب به سه خصوصیت مهم در مباحث اسلامی اشاره داشتند که می تواند نشان دهنده خط فکری ایشان باشد:

۱. معارف و دستگاه فکری اسلامی از تجرد و ذهنیت محض، خارج گشته و همچون همه ی مکاتب اجتماعی، ناظر به تکالیف عملی و به ویژه زندگی اجتماعی باشد و هر یک از مباحث نظری، از این دیدگاه که چه طرحی برای زندگی انسان و چه هدفی برای بودن او و چه راهی برای رسیدن به این هدف، ارائه می دهد موردبررسی و تأمل و تحقیق قرار گیرد.

۲. مسائل فکری اسلام، به صورت پیوسته و به عنوان اجزای یک واحد موردمطالعه قرار گیرد و هر یک به لحاظ آن که جزئی از مجموعه دین و عنصری از این مرکب و استوانه ای در این بنای استوار است و با دیگر اجزا و عناصر، هماهنگ و مرتبط است و نه جدا و بی ارتباط با دیگر اجزا، بررسی شود تا مجموعاً از شناخت این اصول، طرح کلی و همه جانبه ای از دین به صورت یک ایدئولوژی کامل و بی ابهام و دارای ابعادی متناسب با زندگی چندبُعدی انسان، استنتاج شود.

۳. در استنباط و فهم اصول اسلامی، مدارک و متون اساسی دین، اصل و منبع باشد، نه سلیقه ها و

نظرهای شخصی یا اندوخته های ذهن و فکر این وآن... تا حاصل کاوش و تحقیق، به درستی

«اسلامی» باشد و نه هرچه جز آن. برای برآمدن این منظور، قرآن، کامل ترین و موثق ترین سندی

است که می توان به آن متّکی شد که: «باطل را از هیچ سوی بدان راه نیست« (فصلت/۴۲) و« در آن، مایه ی روشنگری هر چیز هست.» (نحل/۸۹

) و البتّه در پرتو تدبری ژرف پیما که خود، ما را به آن فرمان داده است.

به علّت وجود چنین دیدگاهی نسبت به معارف اسلامی بود که آیت الله خامنه ای، در جلسات

تفسیر خود، مهم ترین پایه های فکری برای ایجاد یک نظام اسلامی ارائه کرد؛ اسلام و اندیشه ی اسلامی را از خلال آیات قرآن استخراج و بیان می نمود و به تعمیق بنیان های اندیشه ی مبارزه و براندازی حکومت طاغوت می پرداخت به صورتی که شرکت کننده در درس تفسیر او به این نتیجه ضروری و طبیعی می رسید که حکومتی بر پایه ی اسلام و معارف دین باید در کشور تحقّق یابد. یکی از اهداف

اصلی او از تفسیر، انتقال مبانی انقلاب اسلامی به جامعه بود.

کتاب طرح کلی اندیشه ی اسلامی در قرآن، با موضوع ایمان در قرآن، آغاز می شود؛ چرا که قرآن

وعده ی دل نشین خلافت الهی و سیطره ی سیاسی بر جهان و تشکیل جامعه ایده آل اسلامی را به مؤمنانی که عمل شایسته و متناسب را با ایمان قرین سازند، می دهد.

تمرکز محتوا بر «توحید» است؛ چرا که این بینش، زیربنا و قاعده ی اساسی تمام طرح ها و برنامه ها و

افکار عملی و زندگی ساز (ایدئولوژی) در اسلام است.

در انتها، مسئله ی امامت و ولایت در پیوند با توحید قرار می گیرد. مفهوم ولایت را ناظر به «پیوند های

امّت اسلامی با یک کانون» می داند؛ چرا که بینش نوین آورده شده با رسالت پیامبر، تنها وقتی می تواند

زندگی بر اساس آموزه های دین را برای جامعه رقم بزند که نخست در فکر و روان و عمل یک جمع متشکّل، تحقق و عینیت یابد.

از طرفی اهتمام رهبر انقلاب مـد ظله به تربیت نیروهای خالص انقلابی را می توان هدف فرعی برگزاری سلسـله جلسات درس تفسیر دانست.

ترجمه کتاب «تفسیر فی ضلال»

در کتاب «تفسیر فی ضلال» روش اصلی مؤلف، تقسیم موضوعی آیه هاست تا بدین ترتیب هر

یک از مجموعه ها وحدت موضوعی و هدف معین داشته باشند، سپس مفسّر می کوشد تا آیه ها را با ذوق خاص ادبی، تفسیر و فلسفه ی کلی آیه ها را بدون پرداختن به جزئیات بیان می کند.

آیت الله خامنه ای دو جلد اوّل این مجموعه ی هشت جلدی تفسیر فی ضلال را ترجمه کرده است

(تا آیه ی ۱۸۲ سوره ی بقره). این ترجمه که در سـال های قبل از انقلاب نگاشـته شـده است (۱)، قرار بـود در مجموعه ای از ترجمه ی دیگر مجلدات این تفسیر که توسط آقایان دکتر محمد مفتح و حجتی کرمانی به انجام می رسید به چاپ برسد که به دلایلی این کار میسّر نشـد. همین حـد از ترجمه نیز، بعـد از سال ۱۳۶۲ تجدیـد چاپ نشـد. از ویژگی های این اثر، آمیختگی مباحث اعتقادی به مباحث اجتماعی و سیاسی است.

آیت الله خامنه ای در ترجمه ی این اثر، هرجا که لازم دیده است، تعریض ها و نقدهایی به مؤلف

۱- احتمالاً ترجمه این کتاب ، در سال ۱۳۵۴ بوده است.

وارد ساخته و اشتباهات و عدم تخصیص وی در حوزه هایی را مشخص کرده و ضمن اشاره به تفاوت

موضع گیری کلامی و فقهی مذهب اهل بیت با مذهب مختار نگارنده، در مواضع کلی اعتقادی و فقهی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی با وی هم صدا شده است.

کتبی که تا اینجا معرفی شد، ازجمله مواردی بودند که آیت الله خامنه ای در همان دوران، به چاپ

رسانیده بودند.

در ادامه، کتبی را معرفی می کنیم که توسّط مجموعه های مسئول، در سال های پس از رهبری

آیت الله خامنه ای مدظله، با توجه به نوارهای موجود از جلسات تفسیر ایشان، تهیّه شده و به چاپ رسیده اند.

ویرایش جدید کتاب «طر ح کلی اندیشه ی اسلامی در قرآن»

کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن که اولین بار در سال **۱۳۹۲** توسط انتشارات صهبا به چاپ رسید، پیاده شده ی نوارهای ضبط شده ی آن زمان است که پس از کمی بازنگری، یکسان سازی و ویرایش در دسترس عموم قرار گرفت. (تغییرات، بسیار جزئی بوده و محتوا دقیقاً همان محتواست.)

لازم به ذکر است، این کتاب، نسبت به کتابچه ای که قبل از انقلاب به چاپ رسیده بود، بسیار کامل تر

بوده و حجمی چندین برابر دارد. این کتاب، تا کنون چندین مرتبه تجدید چاپ شده و بااینکه بیش از

۴۰ سال از زمان ایراد مطالب آن می گذرد، اما همچنان مورد استقبال مخاطبین قرار دارد.

کتاب «مروری بر مبانی، روش و قواعد تفسیری» در تفسیر سوره ی توبه

در طول دوران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، سوره های مبارک مائده، انفال، توبه و بخشی از سوره ی مبارک یونس موردبحث و تفسیر معظّم له قرار گرفت که از این میان، ا کنون متن درس تفسیر سوره ی مبارک توبه منتشر شده است.

این متن توسط گروه پژوهش موردمطالعه قرار گرفت و روش و قواعد تفسیری مورداستفاده ی معظّم له

در آن استخراج شد که ویراست اول آن در ۱۲۰ صفحه منتشر گردید.

کتاب «تفسیر سوره ی مجادله»

این کتاب متن ویراسته ی جلسات تفسیر سوره ی مجادله است. این جلسات در دوران مسئولیت

ریاست جمهوری معظّم له در جمع پاسداران و اعضای دفتر ریاست جمهوری در هفت نوبت از هفدهم اردیبهشت تا یازدهم تیرماه ۱۳۶۱ برگزار شده و تمام ۲۲ آیه ی این سوره موردبحث قرار گرفته است. ایشان درباره ی علّت انتخاب این سوره و سوره های بعد که متن آن به زودی منتشر می شود می فرمایند: «علّت این که اینجا را انتخاب کردیم این است که سوره های جزء بیست وهفتم و بیست وهشتم و این حدود، غالباً سوره های مدنی است و از سوره هایی است که در مدینه ی طیبه بر پیغمبر اکرم(صلّی الله علیه و آله وسلّم) نازل شده و مربوط

است به بعد از تشکیل حکومت اسلامی ؛ یعنی مثل وضع کنونی ما. نوع مطالب و مسائلی که بعد از تشکیل حکومت برای یک جامعه لازم است با نوع مطالب و مسائلی که [مربوط به] حین مبارزه ی مردم برای تشکیل حکومت اسلامی است فرق می کند؛ کمااین که شما در جامعه ی خودمان هم این را مشاهده می کنید.

امروز شما یک مسائلی دارید که این مسائل قبل از بهمن ۵۷ برای شما وجود نداشت، مطرح نبود؛

آن روز مسائلی داشتید که امروز برای شما مطرح نیست؛ مثلاً مسئله ی منافقین و مسئله ی نفاق، مسئله ی عدالت اجتماعی، مسئله ی حکومت، مسئله ی جهاد در جبهه های جنگ و ده ها مسئله از این قبیل، مسائل عمده ی بعد از تشکیل حکومت است و این مسائل همان مسائلی است که در آیات مدنی بیشتر به آن ها پرداخته شده.»

کتاب «تفسیر سوره ی برائت»

«ا کنون اگر بخواهیم جامعه ای که طبق اصول انقلابی به وجود آمده است و قوانین انقلابی بر آن

حا کم شده، باقی باشد و تا قیامت بماند، باید عامل امربه معروف و نهی ازمنکر را در آن زنده کنیم؛ یعنی

همه ی مردم را مسئول نگهداری روح انقلابی جامعه بنماییم و بگوییم: ای مسلمانان و ای مؤمنان!

شمایید که باید تعالیم زنده و کلی و جزئی اسلام را زنده نگه دارید و همه ی شما مسئولید.»

این کتاب که جدید ترین اثر انتشارات انقلاب اسلامی است، از تفاسیری که معظّم له در سال ۱۳۵۱ (از اوایل سال تا بهمن ماه) برای طلاب بیان داشته اند، تهیه شده و فروردین ماه ۱۳۹۷ منتشر شد.

ص: ۳۶

سابقه ی اجرایی در حوزه ی قرآن کریم

اشاره

از مهم ترین و مؤثرترین فعّالیّت های قبل از انقلاب آیت الله خامنه ای، همان برگزاری جلسات تفسیر

بود که جزئیات آن شرح داده شد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز، آیت الله خامنه ای مد ظله دغدغه ی قبل را داشته و علاوه بر این که جلسات تفسیر را ادامه دادنـد، فعّـالیّت هـایی چـون تأسـیس رادیو قرآن، تأسـیس شورای عـالی قرآن، ایجـاد مرکز طبع و نشـر قرآن کریم، ارتباطـات مردمی، اهدای قرآن به خانواده های شـهدا و دیدار مسـتمر و مؤثر با جامعه قرآنی را داشتند که در ادامه به شرح جزئیات بیش تر می پردازیم:

تأسیس رادیو قرآن

روزنامه ی جمهوری اسلامی در تاریخ ۱۳۶۲/۱۱/۲۴ ، با درج مطلبی، خبر تأسیس رادیو قرآن را داد.

عنوان خبر، جمله ای از ریاست جمهوری اسلامی ایران، آیت الله خامنه ای است که فرمودند:

«یکی از برکات دهه ی فجر امسال، شروع به کار فرستنده ی رادیویی صدای قرآن است.»

این روزنامه در ادامه با ذکر قسمتی از مصاحبه ی مدیر رادیو قرآن، درباره ی تأسیس آن، چنین

آورده است:

«ایده تأسیس چنین رادیویی، از سوی حجت الاسلام خامنه ای به ما پیشنهاد شد.»

فلذا در سال ۱۳۶۲ ، شبکه ی رادیویی قرآن، با پیشنهاد و حمایت حضرت آیت الله خامنه ای به

شبکه های صدای جمهوری اسلامی اضافه شد؛ شبکه ای که هم زمان با ایام دهه ی فجر و با تلاوت

ترتیل سوره ی مبارک حمد و آیات ۱ تا ۲۱ سوره مبارک بقره توسّط حضرت آیت الله خامنه ای، آغاز به

کار کرد. این دقّت نظر معظّم له نشان از دید باز و نگاه راهبردی ایشان در توسعه ی زیرساخت های قرآنیِ جامعه ی اسلامی است. ایشان که در ایام مبارزه، قرآن را محور مبارزه ی خود علیه طاغوت قرار داده

بودند، پس از پیروزی انقلاب هم مسیر پیشرفت و اعتلای کشور را در هرچه بیش تر قرآنی شدن آحاد

جامعه می دیدند. بالتّبع تأسیس یک شبکه ی قرآنی که عموم مردم در سراسر کشور امکان بهره گیری از

آن را دارند، گامی مهم در ترویج فرهنگ قرآنی در جامعه بود.

معظّم له در دیدار با مدیر و کارکنان رادیو قرآن، اهتمام ویژه ای برای پرداختن به قرآن لازم دانسته، می فرمایند:

«...رادیو قرآن یک برنامه ی قرآن نیست این را شما بدانید، رادیو قرآن است. فرق است بین برنامه ای در رادیو و بین رادیویی برای قرآن. این دوتا را باید از همدیگر تفاوت قائل شد و اشتباه نباید بشود این دوتا با همدیگر والّا خُب اگر قرار بود که برنامه ی قرآن باشد، خُب انسان صبح یک

ده دقیقه، یک ربعی توی رادیو قرآن هست... لکن این موردنظر نیست.

ما برای پرداختن به قرآن یک اهتمام ویژه لازم داریم در همه ی قسمت ها و من مدّت ها قبل این صحبت را با بعضی از دوستان کردیم که اصلاً یک موسسه ی قرآنی به وجود بیاید. یک کمیته ای، یک سازمانی برای پرداختن به امور قرآن در کشور باید به وجود بیاید که حالا ان شاءالله همت کنند برادرها، بتوانند این کار را راه بیندازند. ما احتیاج به این داریم. شاید ده ها کار در رابطه ی با قرآن لازم است که انجام بگیرد. بعضی از این ها را دولت باید انجام بدهد، بعضی از این ها را علما باید انجام بدهند، بعضی از این ها را آحاد ملّت باید انجام بدهند، بعضی از این ها را قراء، اساتید، مثل شماها باید انجام بدهید و سرجمع کردن این ها، برنامه ریزی کردن این ها، مانع شدن از فراموشی یکی از این ها، این کار یک دستگاه متمرکزی است، که البّته رادیو قرآن به نظر من یکی از اهم این کارهایی است که باید انجام بگیرد.»(۱)

تأسیس شورای عالی قرآن

انتخاب تلاوت های اذان گاهی، اذان و نغمات دینی برای پخش در شبکه های صداوسیما تا سال

۱۳۷۰ زیر نظر خود سازمان و کارشناسان آن بود. این موضوع و عدم ورود کارشناسان این فن، موجب

پخش تلاوت های ضعیف و دور از شأن نظام اسلامی بود. معظّم له طی دریافت گزارشی از وضعیت

نابسامان موجود، طی حکمی در تاریخ ۱۳۷۰/۷/۱۳ دستور به تشکیل شورایی برای نظارت بر تلاوت ها

۱- دیدار با مدیر و کارکنان رادیو قرآن ، به تاریخ ۱۱/ ۱۱/ ۱۳۶۳.

و نغمات دینی دادند که شورای عالی قرآن نام گرفت. بخشی از منویات معظّم له در حکم تأسیس بدین

شرح است:

«...با توجّه به اهمیت قرآن مجید و نقش حیات بخش کلام الهی در جامعه اسلامی و نظر به لزوم پخش قرائت صحیح و دل نشین قرآن و سایر نغمات الهی از صداوسیمای جمهوری اسلامی و به منظور سیاست گذاری، نظارت، هدایت و ارتقای برنامه های مربوط به قرائت قرآن، اذان، مناجات، ادعیه و تواشیح، هیئتی تشکیل شده و وظایف مربوط را به عهده بگیرند.»

ایجاد مرکز طبع و نشر قرآن کریم جمهوری اسلامی ایران

یکی از نیازهای ایران اسلامی بعد از انقلاب، برای توسعه ی فرهنگ قرآنی، راه اندازی سازوکار

انتشار قرآنی با نگارش و علامت گذاری صحیح بود. اولین اقدام در ترویج فرهنگ قرآن، در سطح جامعه،

نشر و در دسترس بودن آن بود. در دوره ی طاغوت در مکتب خانه ی شهری مانند مشهد، به دلیل اطمینان از صحت کتابت، قرآن های چاپ بمبئی مورداستفاده بود. معظم له در کتاب شریف «شرح اسم»، ناظر به آن دوران می گویند: «شاید بتوان گفت قرآن های هندی جزو صحیح ترین قرآن ها هستند. قرآن های مصری و هندی هر دو صحیح هستند. برخلاف قرآن های ایرانی که غلط زیادی داشتند.»

در سال ۱۳۷۰ ، معظّم له در دیدار با اعضای سازمان دارالقرآن کریم به اهمیت موضوع نگارش درست لغات رسم(المُصحف) اشاره کردند؛ لکن این موضوع مسکوت ماند تا این که در سال ۱۳۷۳ به

دستور معظم له هیئت امنای طرح «تهی قرآن جمهوری اسلامی ایران» با اهداف زیر تشکیل شد:

۱. چاپ و نشر قرآنی مختص نظام جمهوری اسلامی که ضمن صحت کامل، دارای مختصات و ویژگی های ممتاز باشد.

۲. تدوین مبانی رسم صحیح و تدوین قرآن امام.

۳. ارائه ی الگوی تهیه شده برای نگارش یا چاپ قرآن های آتی و جلوگیری از اغلاط رایج در قرآن های موجود.

۴. تداوم مطالعات و تحقیقات درزمینه ی خط، رسم الخط و علوم قرائت و کتابت قرآن.

۵. طبع و نشر قرآن به طور مستقیم و غیرمستقیم.

۶. نظارت کامل بر کار چاپ قرآن.

از سال ۱۳۷۶ تا سال ۱۳۹۴ این مرکز با همکاری ۷۱ ناشر، بیش از ۲۵ میلیون جلد قرآن به طبع رسانده است. در کنار طبع قرآن، این مرکز به چاپ نهج البالغه، صحیفه ی سجادیه و مفاتیح الجنان

هم اقدام کرده است.

ارتباطات مردمی

مکاتبات مردمی یکی از مواردی است که دغدغه ی آیت الله خامنه ای نسبت به قرآن را نشان می دهد. ایشان صبورانه پاسخ گوی نامه ها بوده و در جواب بسیاری از نامه ها، شاهد توصیه هایی به شرح

زیر هستیم:

«خود را با عبادات و قرآن مأنوس کنید.»

«از مژده ی حفظ قرآن در دل و ذهن شما دانشجوی عزیز خرسند شدم.»

«قدر حفظ قرآن را بدانید.»

«به حفظ قرآن همت بگمارید.»

«با قرآن انس بگیرید و در آن تأمل و تدبر کنید.»

«انس با قرآن را نعمتی بزرگ شمارید.»

اهدای قرآن به خانواده ی شهدا

اهدای قرآن به خانواده های شهدا ازجمله فعّالیّت های معظّم له در زمان ریاست جمهوری بوده

که بعد از رهبری نیز ادامه داده شده است. در انتهای قرآن های اهدایی، دست نوشته ی معظّم له دیده می شود و ایشان می فرمایند:

«بنده شاید حدود ۱۷سال است که این گونه قرآن ها را می نویسم و به منازل شهدا می برم. اسم خودم

را به امیدی کنار اسم شهید می نویسم و به خدای متعال عرض می کنم: المُجالسه مؤثّره.»(۱)

عموماً دست نوشته ها با دعا یا توصیه هایی همراه است که ازجمله آن می توان به موارد زیر اشاره کرد:

«خدا توفیق انس با قرآن را به شما مرحمت فرماید ان شاءالله!»

۱- بیانات به تاریخ ۲۷/ ۲/ ۱۳۷۸

«با قرآن عزیز انس بیابید و در آن تدبر کنید.»(۱)

«امید است در پرتو قرآن، خوش بخت و در راه آرمان های قرآنی ثابت قدم باشد ان شاءالله!»(۲)

دیدار با جامعه قرآنی

اشاره

در طول سال های پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، شاهد جلوه هایی دیگری از توجه

معظم له به قرآن هستیم که در ادامه به مواردی اشاره خواهیم داشت:

مسابقات بین المللی قرآن کریم

یکی از باارزش ترین فعالیت های قرآنی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، برگزاری مسابقات

بین المللی قرآن کریم در کشور جمهوری اسلامی ایران است. این مسابقات با تدبیر و حمایت مقام

معظم رهبری از سال ۱۳۶۰(۱۴۰۲ هجری قمری) تا کنون توسط سازمان اوقاف و امورخیریه با شرکت ده ها قاری و حافظ از سراسر جهان اسلام در تهران برگزار می شود.

حضور بی نظیر و همیشگی حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مد ظله و بیانات ایشان از اولین دوره

مسابقات تا کنون چه در سمت ریاست جمهوری و چه در دوران زعامت و رهبری معظم له، از بهترین

دستاوردهای این رویداد بزرگ بوده است که به لحاظ توجه دادن جامعه به اهمیت انس با قرآن،

۱- دست نوشته ی قرآن اهدایی به فرزند شهید صیاد شیرازی.

۲- دست نوشته های قرآنی اهدایی به مناسبت جشن تکلیف آرمیتا رضایی نژاد.

تبیین رابطه انقلاب ایران و قرآن، روشنگری در زمینه دوری جهان اسلام از قرآن و لزوم بازگشت دولت ها

و ملت های مسلمان به معارف حیات بخش آن و بیان توصیه ها به جامعه قرآنی، از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

مهم تر آن که این رهنمودها، در حال و آینده می تواند برای گسترش و تعمیم فرهنگ غنی قرآن بسیار راهگشا باشد.

محافل انس با قرآن

دومین جلسه ی دیدار آیت الله خامنه ای با جامعه قرآنی، همان محفل انس با قرآن است که همواره

اولین دیدار آیت الله خامنه ای در ماه مبارک رمضان را به خود اختصاص می دهد. ایشان در ابتدای یکی

از محافل، به این نکته اشاره کرده و فرمودند:

«خداوند متعال را شکرگزاریم که عمر داد و توفیق داد تا بتوانیم امسال هم ماه مبارک رمضان را با

این محفل نورانی آغاز کنیم.»(۱)

آیت الله خامنه ای با حضور چندساعتی خود، استماع تلاوت ها و نهایتاً ایراد بیاناتی در حوزه قرآن

کریم، این جلسات را موردتوجه خود قرار می دهند.

۱- بیانات در محفل انس با قرآن به تاریخ ۸/ ۴/ ۱۳۹۳

جایگاه قرآن کریم در اندیشه ی آیت الله العظمی خامنه ای

آیت الله خامنه ای مد ظله به دنبال برپایی حکومتی شایسته در جوامع اسلامی بودند که در تمام

مؤلفه های آن از قرآن کریم استخراج، استنباط و تفسیر گردد.

«حفظ قرآن قدم اوّل است. اولاً حفظ را باید نگه داشت؛ بنابراین حافظ قرآن باید تلاوت کننده ی

مستمر قرآن باشد؛ یعنی مرتباً بایستی قرآن را تلاوت کند؛ والّا حفظ از دست خواهد رفت. بعد بایستی این حفظ کمک کند به تدبر که این جور هم هست، حفظ حقیقتاً کمک می کند به تدبر. آنجایی که شما قرآن را تکرار می کنید، حافظید و می خوانید، فرصت تدبر و تعمّق در آیات قرآن برای شما پیدا می شود.

البته انس با تفاسیری که مراد از آیه را تبیین می کنند، خیلی لازم است. وقتی حفظ باشد و این

انس با تفسیر هم باشد و تدبر باشد، همان چیزی که انتظارش در جامعه ی ما هست، پیش می آید:

شکوفایی قرآنی. شما تصور کنید در کشور ما ۱۰ میلیون، ۱۵میلیون کسانی باشند از مردان و زنان که این ها با معارف قرآن آشنا باشند، ببینید این چقدر باارزش است. آموزش های قرآنی را، درس های قرآنی را، نصایح قرآنی را، انذارهای قرآنی را، بشارت های قرآنی را در ذهن داشته باشند، آن ها را مرور کنند، آن ها

را بر دل خودشان فرابخوانند؛ اصلاً یک ملت پولادینی به وجود می آید. خوشبختانه زمینه هایش فراهم

است. امروز هم عزم و اراده ی ملت ما عزم پولادینی است؛ امّا آن ساخت قرآنی جامعه، در آن صورت به دست خواهد آمد که ما امیدواریم ان شاءالله این پیش بیاید.»(۱)

ایشان در کتاب طرح کلی اشاره داشتند:

«امروز روزی است که به قرآن مراجعه باید بکنیم. شرط اوّلش این است که قرآن را بفهمیم. ...آن

کسانی که راه ها و شیوه ها و روش ها را برای زندگی مردم جعل می کنند و پیشنهاد می کنند، آیا یقین دارند به صحت این راه ها؟ یقین ندارند؛« وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ »، با تخمین، با گمان،با فرضیه و تئوری، مردم دنیا را، جامعه های بشری را می خواهند اداره کنند، با تئوری؛ امّا خدا با تئوری کسی را اداره نمی کند؛ با متن واقعیت، باعلم و دانش به معنای واقعی، انسان ها را به راه راست هدایت می کند.«إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَنْ يَضِلُّ عَنْ سَبِيلِهِ »(۲)؛ یقینا پروردگار توست داناتر به حال آن کسانی که گمراه می شوند از راه او، «إ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ » و او داناتر است به راه یافتگان و هدایت شدگان.»(۳)

سال ۱۳۷۰ نیز در دیدار با قاریان قرآن به اهمیت و لزوم توجّه به آن در جامعه اشاره کرده، فرمودند:

«...من می گویم که در جامعه، قرآن اصل است. امّت حزب الله باید یواش یواش با قرآن آشنا

بشوند؛ آن طوری که بتوانند مستقیم قرآن را از شماها گوش کنند و بفهمند. شما باید بتوانید در

۱- بیانات به تاریخ ۱۱/ ۵/ ۱۳۹۰

۲- سوره ی مبارک انعام آیه ی ۱۱۷و ۱۱۸.

۳- طرح کلی اندیشه ی اسلامی در قرآن ؛ جلسه یازدهم.

یک مجلس بالای منبر بروید، آیات قرآن را بخوانید و مردم با شنیدن این آیات اشک بریزند؛ ما این را می خواهیم.»(۱)

در سال ۱۳۸۸، در دیدار با بانوان قرآن پژوه اشاره داشتند که مسئولین نظام باید اهداف، خصوصیّات و عملکردشان بر اساس دین باشد و این همان عمل به قرآن است:

«با قرآن باید عجین شد؛ مفاهیم قرآنی مفاهیمی است برای زندگی ؛ فقط معلومات نیست. ...نظام

جمهوری اسلامی، نظام دین مدار، یکی از بزرگ ترین اقلام عمل به قرآن است که این را انقلاب

برای ما تأمین کرد. ...ایجاد یک نظام مبتنی بر دین که مسئولان این نظام، هویتشان، اهدافشان،

خصوصیّاتشان، عملکردشان، ارتباطشان با مردم، عملکردشان برای مردم بر اساس دین باشد —بر

اساس دستور دینی و دستور اسلامی باشد- این همان بزرگ ترین قلم از اقلام عمل به قرآن است؛

...بایستی کارهای اساسی را انجام داد، برای این که محتواها به معنای حقیقی کلمه قرآنی بشود؛

رفتار فردی ما، رفتار مدیریتی ما، رفتارهای سازمانی ما، رفتار ما در آموزش وپرورش - یعنی دستگاه

آموزش وپرورش ما شامل دانشگاه ها و پژوهشگاه ها و حوزه ها و همه جا - رفتار در درون خانواده ی ما، رفتارهای سیاسی ما، رفتار بین المللی ما، همه بر اساس اسلام باشد؛ این کی خواهد شد؟ آن وقتی که ما با مفاهیم قرآن، به درستی آشنا باشیم.»(۲)

آیت الله خامنه ای در مراسم اختتامیه مسابقات قرآن سال ۱۳۷۹ اشاره داشتند که مکاتب اجتماعی

دنیا پاسخ گوی نیازهای انسان ها نبوده و قرآن کریم راه صحیح را نشان می دهد:

۱- بیانات دردیدار باقاریان قرآن ، به تاریخ ۲۲/ ۱/ ۱۳۷۰.

۲- بیانات در دیدار جمعی از بانوان قرآن پژوه کشور به تاریخ ۲۸/ ۰۷/ ۱۳۸۸

«امروز مکتب های فلسفی و مکتب های معرفتی دنیا، در کار بشریت درمانده اند. باور کنید مکاتب

اجتماعی دنیا در کار انسان درمانده اند و راه پیدا نمی کنند. آن مارکسیسم بود که آن طور شکست

خورد و نابود شد. مکاتب غربی نیز همین طورند؛ درمانده اند. دلیل درماندگی شان این است که

در غرب علم هست، پول هست، قدرت نظامی هست؛ سعادت نیست؛ سکینه و طمأنینه نیست؛

آرامش معنوی نیست. پس آن نسخه، نسخه ی نا کامی است؛ نسخه ی شکست خورده ای است؛

اما قرآن و آیین اسلام، به انسان ه علم می دهد، هم رفاه می دهد ،هم عزت می دهد، هم سکینه می دهد: «هُوَ الَّذِی أَنْزَلَ السَّکِینَهَ فِی قُلُوبِ الْمُؤْمِنِینَ لِیَزْدَادُوا إِیمَانًا مَعَ إِیمَانِهِمْ »؛ «فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَکِینَتَهُ عَلَی رَسُولِهِ وَعَلَی الْمُؤْمِنِینَ وَأَلْزَمَهُمْ کَلِمَهَ التَّقْوَی» . علاوه بر لذّت دنیوی، رفاه مادّ ی و قدرت علمی ، سکینه و طمأنینه می دهد و آرامش

می بخشد و این در تاریخ تجربه شده است؛ امروز هم قابل تجربه شدن است. در ایران اسلامی ، ما یک قدم کوچکش را برداشتیم؛ آثارش را هم مشاهده کردیم؛ برکاتش را هم دیدیم و هرچه جلوتر برویم، بیش تر خواهد شد. امروز علاج امّت اسلامی این است ؛مقدمه و صراط مستقیمش همین قرآن کریم است »(۱)

ایشان در دیدار با قاریان قرآن سال ۸۸ نیز، علاج دردها و ضعف های دنیای اسلام را در آیات قرآن

دانسته، فرمودند:

«عزیزان من! بدانید که امروز دنیای اسلام محتاج قرآن است. در مضامین آیات سوره های

آل عمران، بقره، انبیاء و احزاب، مطالبی وجود دارد که امروز علاج دردها و ضعف های دنیای

۱- سخنرانی در مراسم اختتامیه ی مسابقات حفظ و قرائت قرآن کریم به تاریخ ۰۹/ ۰۸/ ۱۳۷۹

اسلام است و این هاست که ایمان انسان را عمیق و راسخ می کند؛ معرفت انسان را روشن و آگاهانه

می کند ؛ نیروی حیاتی انسان را به میدان می آورد از آن ها کار می کشد.آن وقت جامعه ای بااین خصوصیّات ، هم ترقی می کند، هم روحیه می گیرد.

وقتی جامعه ای روحیه اش قوی شد،دشمن نمی توانـدبه آن زور بگوید... نه دشمنان بیرونی و نه دشمنان درونی (تنبلی وبی عاری و بی کارگی).

این که در روایت دارد: «و رجل قرأ القرآن فوضع دواء القرآن علی داء قلبه » برای این است که قرآن را فقط برای این که اسم ورسم بیابند یا مشغولیتی برای خودشان درست کنند، نخوانند؛

بلکه قرآن را به جهت این که درمان های اصلی از آن است بخوانند. داروی قرآن را روی درد جان

و وجود و باطن خود بگذاریم و با قرآن این دردها را شفا دهیم. این کار، احتیاج دارد به این که فضا

قرآنی شود.»(۱)

وجود چنین دیدگاهی نسبت به قرآن کریم سبب شده است آیت الله خامنه ای پس از رهبری نیز،

در بسیاری از بیانات خود به آیات قرآن استناد کرده، نشان دهند مسیر انتخابی برای پیشرفت انقلاب

اسلامی، برگرفته از آیات قرآن کریم و روایات است. به صورت موردی نیز در تمام مباحث منظومه ی

فکری آیت الله خامنه ای، می توان تطبیق اندیشه ی ایشان با قرآن را دریافت که پرداختن به آن بسیار

مفصل بوده و از حوصله ی بحث، خارج است.

در ادامه ، خاطرات یکی از نزدیکان و دوستان ایشان را مرور می کنیم که با بیانی متفاوت، در تأیید

آنچه تابه حال گفتیم، است.

۱- بیانات در دیدار قاریان قرآن کریم به تاریخ ۰۶/ ۰۸/ ۱۳۸۲

حسن ختام مروری بر چند خاطره قرآنی به نقل از استاد سادات فاطمی

اشاره

استاد حاج سیّد مرتضی سادات فاطمی، خادم، حافظ و قاری بزرگ قرآن کریم هستند که تقریباً

همه ی ما در گوشه و کنار و از طرق مختلف صدای قرآن و اذان این استاد عظیم الشأن قرآن کریم را، چه

از رادیو و تلویزیون و چه از مناره های بلند مسجد مقدس گوهرشاد، شنیده ایم. ایشان به خاطرات خود با معظم له مختصرا اشاراتی داشتند که در ادامه به مرور آن ها می پردازیم؛چرا که حقیقتاً

هریک از آن ها حاوی نکات ظریف و دقیقی از عظمت علمی و معنوی رهبر معظّم انقلاب(حفظه الله) است.

آرزوی «انس جامعه با قرآن»

سادات فاطمی با اشاره به دغدغه ی قرآنی رهبر معظّم انقلاب مدظله می گوید:

من یک سخنرانی از رهبر معظّم انقلاب سراغ ندارم که در آن اشاره ای به قرآن نداشته نباشند،

ص: ۵۰

حتّی در جمع های غیر قرآنی ایشان مرتّب اشاره به قرآن دارند و حتّی زمانی به من فرمودند: «یکی از

آرزوهای من این است که مردم ما این قدر با قرآن انس بگیرند و قرآن را بفهمند که همان طور که مساجد را پر می کنند و یک منبری برایشان سخنرانی می کند، همان طور هم مساجد را پر کنند و یک قاری برایشان قرآن بخواند.»

وی با بیان این که حضرت آقا همیشه بر امر تلاوت قرآن تأ کید داشتند، ادامه داد: قبل از انقلاب

در مشهد جلسات قرآنی با حضور آیت الله خامنه ای برگزار می شد و به همین منظور مشهد به عنوان پایگاه قاریان قرآن معروف شده است. خود ایشان به بنده توصیه کردند که علاوه بر قرائت اساتیدی نظیر

«منشاوی»، «علی البناء» و «عبدالباسط» به تلاوت و تقلید از مصطفی اسماعیل هم بپردازم.

سادات فاطمی اضافه کرد: در جلسات تفسیر و سخنرانی رهبر معظّم انقلاب در مشهد نیز همیشه

تأ کید ایشان بر این بود که پس از بحث ها و سخنرانی ها تلاوت قرآن با صوت یک قاری برتر انجام شود و این نشان از اهمیّت دادن آیت الله خامنه ای به فعّالیّت های قرآنی است.

تخصص در همه فنون قرآنی

قبل از این که شحات انور به ایران بیاید، آقا در جمعی فرمودند که او موسیقیدان عظیمی است.

ایشان شحات را ندیده بودند؛ اما نوارهایش را گوش داده بودند. بعد از این که برای اولین بار به ایران آمد در مصاحبه اش گفته بود که من دو سال تخصصّی روی موسیقی و نغمات مطالعه کرده ام. آقا صرفاً از خواندنش به این مسئله پی برده بودند. این نشان می دهد که ایشان در همه ی فنون قرآنی متخصص و صاحب نظرند.

ص: ۵۱

شناخت بسیاری از قراء و داشتن نوارهایشان

رادیو قرآن به دستور حضرت آقا راه افتاد، مسئول رادیو قرآن روزی به من می گفت: «یک بار رفته بودم

خدمت آقا، ایشان به بنده فرمودند: «چرا نوارهای «کامل یوسف» را پخش نمی کنید؟!» برای من جای

تعجب بود که آقا کامل یوسف را از کجا می شناسند؟! من (استاد سادات فاطمی) به او گفتم: کجای کاری آقاجان؟! ایشان بسیاری از قرّاء را از قبل از انقلاب می شناختند و نوارهای آن ها را داشته اند.

من خودم قبل از انقلاب، جزء اولین افرادی بودم که به شیوه ی جدید و اصطلاحاً مصری می خواندم، ا گر ده نفر مصری بلد بودند یکی من بودم، امّا مصطفی اسماعیل را نمی شناختم! تا این که آقا یک روز به من گفتند: «حیف نیست شما مصطفی اسماعیل نمی خوانید؟!» نوارهایش را ایشان به من دادند و ازآنجا با او آشنا شدم. آقا واقعاً در همه ی مسائل خبره هستند.

دقت در قرائت و تذکر اشتباهات به قراء

در یک محفل قرآنی خدمت مقام معظّم رهبری بودیم، آقای سعیدیان قاری معروف آیاتی را

تلاوت کردند. رسم است که قاری بعد از تلاوت خدمت حضرت آقا می رود و با ایشان خوش وبش

می کند، آقای سعیدیان که رفتند خدمت آقا، ایشان فرمودند: «شما یک وقف «میم لازم» را عبور کردید!»

آقای سعیدیان بعد از جلسه به بنده گفتند: «به نظرم آقا اشتباه کردند، من خیلی مراقب بودم که در

قرائتم اشتباهی رخ ندهد». گفتم: «امکان ندارد آقا اشتباه کرده باشند، قرآن همراهتان هست؟» در قرآن جیبی شان آیات تلاوت شده را باز کردند، دیدیم که بله، حضرت آقا صحیح فرموده بودند؛ ایشان خیلی

دقیق قرائت آقای سعیدیان را بررسی کرده و اشتباهشان را متذکر شده بودند.

ص: ۵۲

منابع

کتاب «شرح اسم»، زندگی نامه آیت الله سیّدعلی خامنه ای؛ بهبودی، هدایت الله؛ مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی.

کتاب «از نیمه خرداد»، طرحی از اندیشه و رهبری حضرت آیت الله خامنه ای؛

غفاری، مصطفی؛ نهضت نرم افزاری، وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی.

کتاب «طرح کلی اندیشه ی اسلامی در قرآن»؛ انتشارات صهبا.

مقاله «نظام سازی در نگاه تفسیری آیت الله خامنه ای مد ظله »؛ عینی زاده، مؤدب؛

دوفصلنامه علمی پژوهشی «مطالعات قرآن و حدیث»، سال یازدهم، شماره اوّل، پاییز و زمستان ۱۳۹۶ ، پیاپی ۲۱ ، ص ۱۵۳-۱۷۵.

مقاله « بررسی روش و گرایش تفسیری مقام معظم رهبری »؛ علوی مهر، مروجی طبسی؛ پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، زمستان ۱۳۸۹ — شماره ۹ از ص .۴۵ تا ۹۲ .

پایان نامه «بررسی روش تفسیری آیت الله العظمی سیّدعلی خامنه ای »؛ خواجه، زهرا؛ دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی قم؛ هریور

. ۱۳۹۴

العربیه

اشاره

ص: ۵۴

المقدمه

يعكس التأمل فى حياه القائد امعظم (مدّ ظله العالى) مدى التفاعل والأنس الذى يعيشه سماحته مع القرآن الكريم منذ ريعان شبابه والى يومنا هذا حيث

يعيش العقد السابع من عمره المبارك وبأجمل صوره، يمكن معه القول بأنّ البعد القرآنى يمثل أحد أركان شخصيته (حفظه الله).

من هنا ارتأت لمنظمه الأوقاف والأمور الخيريه عشيه إقامه مسابقه القرآن الكر يم الدوليه بدورتها الخامسه والثلاثين، تقديم هذه الورقه تحت عنوان القائد القرآنى لا ـ لتسليط الأـضواء على الجانب القرآنى فى شخصيه مساحته طيله سبعه عقود من النشاط القرآنى فحسب، بل لبيان مدى التطابق بين

منظومته الفكريه وقيم ومفاهيم القرآن الكريم وانسجامها مع المبادئ والأسس

الأسلاميه بشكل واضح. أملًا فى الانتهال مهنا.

منظمه الأوقاف والأمور الخيريه

ص: ۵۵

أسره القائد والقرآن الكريم

إذا أردنا رصـد العلاقه بنى السـيد القائـد والقرآن الكريم، وتأثر منظومته الفكريه والقيميه بمفاهيم الكتاب المجيـد لابـد أولاً من الانطالق من ميحطه الأسرى؛ باعتبار أن مؤسسه الأسره هى القاعده الأساسيه

والركيزه الأولى لبناء الشخصيه وتحديد معالمها، وللدور المهم الذى تقوم به فى تشكيل معالم أفرادها.

ولد السيّد على الحسينىّ الخامنئىّ عام ۱۳۵۸ه- ق [۱۹۳۹م] فى مدينه مشهد المقدّسه فى عائله

عُلمائيّه مخترمه.

والده هو آيه الله الحاج السيّد جواد الخامنئى (۱۸۹۵/۱۲/۷ – ۱۹۸۶/۷/۵ م)، من مجتهدى وعلماء

عصره الموقرين الذين تخرجوا من حاضره النجف الأشرف التى شدّ الرحال اليها سنه ۱۳۴۵ ه- ق.

بعد فراغه من دراسه السطوح فى تبريز والهجره إلى مشهد المقدسه، متلمذا فى الفقه والأصول

على يد كبار أعلام المدرسه النجفيّه حيث حضر دروس كل من الميرزا محمد حسين النائينى، والسيّد

أبو الحسن الأصفهانى وال- آقا ضياء الدين العراقى، ونال درجه الأجتهاد من الأعلام الثلاثه المذكور ين.

والدته السيّده خديجه ميردامادى كرميه آيه الله السيّد هاشم نجف آبادى من علماء «مشهد»المعروفين وكان من المهتمين بالشأن القرآنى وكان له مجلس تفسير فى أحد أروقه مسجد كوهر شاد.

وضمت حلقه درسه الكثير من الطلاب والفضلا والشباب من عشّاق المعارف القرآنيه.

وكانت والـدته المكرمه السيّده خـديجه امرأه عفيفه شـر يفه عالمه متفقهه، زاهـده، متخلّقه بالأخلاق الألهيّه، وكانت على معرفه جيـده بآيات الـذكر الحكيم والأحاديث الشـر يفه والتاريخ وعلوم اللغه والأدب. وكانت رحمها الله تنقل ما تراكم لديها من إرث معرفى وعلوم تفسـير يه ومعارف تاريخيه اسـتقتها خلال قراءتها لكثير من المصادر من قبيل كتاب روضه الصفا، عن حياه الأنبياء والأـئمه المعصومين(عليهم السّـلام) ، على شـكل حكـا يات وقصـص تسـردها على أولادها الصـغار، وكانت تتلو القرآن بصوت رخيم، وقـد أشار السـيّد المرشد إلى هذه الحقيقه قائلا: «إن أوّل ترنيمه قرآنيه طرقت مسامعى كانت بصوت الوالده التى ما فتأت تتلو القرآن بصوت رخيم.... وكنا نجتمع حولها ونستمع ترانيمها العذبه التى تخترق شغاف القلب، ونصغى لترجمتها لآيات الذكر احكيم».

وأضاف: «كانت الوالده هى أوّل من فتح لى الآفاق على حياه كلّ من النبىّ موسى و إبراهيم وبعض

الأنبياء(عليهم السّلام) عندما كانت تتلو علينا كتاب الله، فقد كانت تقف عند حياه هؤلاء العظماء لتشرح لنا أبعادها».

هذه الاجواء المفعمه بتلاوه كتاب الله التى عاشـها والداها كانت هى النافذه التى أطل منها السـيّد على الخامنئى على عالم القرآن الكريم الرحب لينهل من حياضه و يرتع فى حـدائقه الغنّاء و ينمو فى فضائه الطلق، الأمر الذى جعله يعشق القرآن الكريم و يأنس بكلام الوحى حيث كان.

الدراسات القرآنيه

التحق السيّد الخامنئى بالكتاتيب وهو فى الرابعه من عمره. ومع بلوغه الخامسه من عمره التحق

بالمدرسه الابتدائيه، ولأنه كان يتمتع بصوت جميل و يجيد تلاوه كتاب الله اختير قارئاً لكتاب الله وقد

اشتهرت تلاواته على نطاق ضيق.

ص: ۵۷

ولتنميه قـدراته هو وأخوته على تلاوه كتاب الله طلب والده السيّد جواد من الحاج رمضان بنكدار تعليمهم أصول التلاوه وقواعد التجو يـد، تلاه فى المهمه الملا عباس الـذى كان يعـد حينها من أبرز القراء فى مـدينه مشـهد المقدسه فكانت حصـيله ذلك أن اجتاز السيّد قواعد التجويد كلها بنجاح.

وهناك وثيقه تسـجّل تصـد ى السـيّد القائـد لتدر يس قواعد التجويد وهو فى سن الثانيه عشـره من عمره، وكانت تلك المرحله بمثابه الانطلاقه الاولى لنشاطه القرآنى.(۱)

ومن الامور التى أسف عليها السيّد القائد أنه لم يشرع فى حفظ القرآن الكريم فى تلك الحلقبه

الزمنيه من عمره الشريف بالرغم من حفظه لبعض أجزاء المصحف المبارك فى سنى عمره اللاحقه،

كما أسف وبشدّه لعدم تمكّنه من حفظ المصحف الشر يف.

بـدأ السيّد الخامنئى دراسات العلوم الحوزويه ولـم يزل فى الصف الخامس الابتـدايئ، وبعـد الفراغ من مرحله الـدراسه الابتدائيه دخل عامل الدراسه الحوزويّه متدرجا فيه حتى حضر سنه ۱۳۳۴ ه‍- ش

[۱۱۹۵۵م] من حضور أبحاث الخارج فى الفقه لايه الله السيّد محمد هادى الميلانى، ثمّ شدّ الرحال

صوب النجف الاشرف لينهل من نمير أعلامها لفتره قصيره عاد بعدها للدراسه فى مدينه قم المقدسه

متلمذا على يدى كبار علمائها، وفى تلك الحقبه أولى اهتماما كبيراً بعالم التحقيق والمطالعه والتدر يس.

ومع حلول العام ۱۳۴۳ ه‍- ش [۱۹۶۴م] عاد إلى مشهد المقدسه لرعايه والده الذى كان يعانى من

مشكله فى البصر، فالتحق من جديد بحلقات درس السيّد الميلانى إلى سنه ۱۳۴۹ ه‍- ش [۱۹۷۰م].

يؤمن آيه الله الخامنئى (مدّ ظله العالى) بعدم كفايه حلقات القراءه ما لم تكن منطلقاً لتعزيز

۱- توجـد صوره للسـيد القائد كتب خلفها بخط يده: »العمر ۱۲ سـنه، الصف السادس الابتـدايئ... اليوم الجمعه بعد . الفراغ من تـدر يس قراءه القرآن الكريم وكـان القراء من طلاـب نفس المـدرسه التى أنتمى اليهـا. وكـان الحلضور أنا مع عـدد من طلاب الصف السادس الابتدايئ وسائر الحضور من تلاميذ الصفوف الاخرى.

المفاهيم القرآنيه فى الوسط الاجتماعى.(۱) ولطالما أ كد على التركيز على البعد المعرفى واخلوض فى غمار المعارف القرآنيه وتفعيل مفاهيمه وانزالها إلى الواقع الاجتماعى. وقد انجر به هذا الفهم وتأ كيده الدائم

على ضروره ارتباط الشباب بالجانب المفاهيمى للقرآن إلى انطلاقه فصل جديد فى حياته تمثل بالبعد

الثورى والسعى لتحقيق نظام يقوم على أسس قرآنيه.

۱- قال فى كلمه ألقاها بمناسبه أسبوع الوحده الاسلاميه فى طهران بتار يخ ۱۷ ربيع األول ۱۴۱۵ هجرى. بحضور . رؤساء السلطات الثلاث وعدد من مسؤولى الجمهور يه الاسلاميه، والضيوف المشاركين فى المؤتمر الدولى للوحده الإسلاميه: إذا كانت الحكومه تستند إلى الإسلام، فمعنى ذلك أن الإسلام يعمل به فيها. لكن حينما يكون الإسلام موجوداً فى المجتمع على شكل عقائد وأعمال فرديه من دون أن تكون هناك حكومه للدين، فإن القرآن والإسلام يصبحان مهجورين فى ذلك المجتمع. فما معين قول الله عزّوجلّ فى القرآن الكريم فى سوره الفرقان:«وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَـٰذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا »؟«اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا » لا يعنى أن المسلمين تخلوا عن القرآن و عن الإسلام وأبعدوهما عن حياتهم من الأساس ، فهذا ليس اتخاذ كما عبر القرآن الكريم:«اتَّخَذُوا هَـٰذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا » يعنى أن القرآن موجود بين ظهرانيهم لكنه مهجور وبعيد عن ساحه الحياه. فماذا يعنى هذا؟ إنّ هذا يعنى أن القرآن يُتلى من قبل أفراد المجتمع، و يحترم فى الظاهر، ولكن لا يُؤخذ بأحكامه وقوانينه. فبحجه فصل الدين عن السياسه سُلِب من القرآن الكريم حقه فى حكم المجتمع. فمعنى هجر القرآن يعنى أن يبقى للقرآن اسم ولكن لاتكون له أيه سلطه فى المجتمع. وعلى هذا فإن أيه بقعه من العالم الإسلامى لا تكون فيها الحكومه للقرآن تعتبر مصداقاً لشكوى النبى(صلّى الله عليه و آله وسلّم). و يرى سماحته أن إقامه نظام يستند ايل الاسس الدينيه تعنى تكرار تجربه النبى الأ كرم(صلّى الله عليه و آله وسلّم) عند هجرته الى المدينه المنوره، فما لم يكن هناك مجتمع اسلامى لا وجود للنظام الأسلامى، ومع عدم وجود مركزيه للسلطه يمكن أن يحمى جميع الأنشطه الاجتماعيه، فالعمل لا يضمن. فقبل جناح الثوره الاسلاميه كان هناك رجال يتحرقون ملا آلت اليه حاله الناس وكانوا يعظون و يظهرون النصح للناس وكان لوعظه اثر ما، لكنه غير مجدٍ بالكامل ولم يترجم الى الواقع العملى، لماذا؟ لأن النظام هو نظام الباطل؛ لأن توجه المجتمع كان يسير باتجاه مناهضه العداله والانصاف وضد املروءه ومعاديا الأخلاقيه. التوجيه مهم. ومبدأ التوجه بتشكيل النظام.

الجذور الثوريه والتفسيريه

الانطلاقه الثور يه واعتماد احلقات التفسير يه كأحد خطوط المواجهه

كان الإمام الخامنئى مدّ ظله من الروّاد الأوائل الذين التحقوا بحركه الإمام الخمينى عام ۱۳۴۱ ه- ش

[۱۹۶۲ م]، وتمثلت باكوره نشاطه السياسى بطبع ونشر بيانات الثوره وخطابات الإمام(قدسّ سرّه)، مما ساعد على تعزيز الوعى لديه بقيم الثوره وتجلى أبعاد الرؤيه السياسيه للإمام الخمينى عنده بشكل واضح.

وكان فى غايه الحرص على فهم كيفيّه تشكّل الوعى الثورى والرؤيه السياسيه للإمام الخمينى، ومعرفه العوامل والشخصيات التى تأثر بها الإمام الخمينى رحمه الله وغير ذلك من الاسئله التى أخذت حيزاً كبيراً من فكر السيّد الخامنئى.

وخلص إيل أنّه بصرف النظر عن التأثير الكبير الذى تركه كلّ من آيه الله السيّد حسن المدرس

وآيه الله الميرزا محمد على الشاه آبادى على فكر الإمام الخمينى، فإن مواهبه وذكاءه الحاد ووعيه

الأجتماعى وفهمه العميق للقضايا الاسلاميه هو ما أدى إلى بناء كيانه وتكامل شخصيته السياسيه

وجعله فى طليعه كبار الثوريين، فضلاً عن الشجاعه الفائقه التى تحلى بها الإمام والتى تمثل إرثاً

أسرياً اخذه عن آبائه العظام. لذا، هناك مجموعه من العوامل كالتدين والشجاعه والوعى السياسى

والإستلهام من الجانب السياسى لحياه كل من السيّد حسن المدرسى والشاه آبادى، ساعدت فى

انبثاق البعد الثورى الذى اتصف به الإمام الخمينى (رحمه الله). وكان السيّد الخامنئى يعى كل تلك

العوامل و يضعها تحت مظله ما يسمّى «بالحافز الد ينى».

مع اطلاله العام ۱۳۴۲ه- ش [۱۹۶۳ م]، دخلت ثوره الشعب الايرانى بقياده الإمام الخمينى(رحمه الله)

مرحله جديده، وعقيب قمع هذه الحركه من قبل النظام الشاهنشاهى، انتهجت مختلف التيارات

السياسيه والاجتماعيه سياسات مختلفه، وكان السيّد الخامئنى إلى جانب مؤازرته لسائر رجالات

الثوره، قد سار باتجاه تعزيز البعد الثورى لدى الجماهير متخذا من الحلقات التفسيريه منطلقا لحركته الثوريه هذه. كما حاول رسم خطه لخلق مجتمع مؤمن لا يرضخ للواقع المزرى الذى يعيشه العامل آنذاك، مجتمع قادر على وضع الحلول الناجعه لإداره التغيير، و يستند فى نهجه هذا على العوده إلى القرآن الكريم متبعاً مقوله «الدين بحده الا كثرى».

وقد تسببت ظروف ذلك الوقت فى مراقبه جميع أنشطه آيه الله الخامنئى وغيره من النشطاء من

قبل قوات الأمن (السافاك)، بحيث كان رجالها ومخبروها السريون يحضرون جميع خطاباته ومجالسه لمراقبه ما يتفوه به سماحته وتدوين كلامه ضمن تقارير سريّه يرفعونها إلى الجهات الأمنيه العليا؛ وقد

أشار سماحته إلى تلك القيود المفروضه من قبل السلطات والتضييق عيل حريه التعبير عن الرأى

والحديث مع الجماهير بحريه، وكيف كان يتعامل معها، بقوله:

«كنت لا أتردد فى قول ما أعتقدبأنّه يضر النظام و يؤذى السلطات بشدّه ولكن بلا أدنى تصر يح

ولو بإشاره طفيفه إلى الجهاز الحاكم. بل كنت اجتنب اعتماد أسلوب التلميح أو الكنايه المشيره للنظام الحاكم مطلقاً.»

ومع ذلك، ساهمت تقارير الوشاه والمخبرين فى اعتقال السيّد لأكثر من مرّه، فقد بلغت اعتقالات

السافاك له ست اعتقالات قبل انتصار الثوره، وحكم عليه بالإبعاد إلى مناطق نائيه من إيران.

حلقات التفسير قبل انتصار الثوره إلاسلاميه

اشاره

بلغت عدد الدورات التفسير يه التى أقامها السيّد حفظه الله حتى انتصار الثوره الاسلاميه تسع

دورات تفسيريه، نشير اليها تباعاً:

الحلقات التفسير يه يف «بايين خيابان»

وهذه هى أولى الدورات التفسير يه التى قام بها سماحته وذلک فى بدايات سنه ۱۳۴۳ ه- ش

۱۹۶۴ م تلبيه لطلب عدد من سكان حىّ «بايين خيابان» الذين دعوه لإلقاء محاضرات فى التفسير

فاستجاب لدعوتهم، فشرع بإلقائها بعد إطلاق سراحه من السجن الثانى طيله شهر رمضان من ذلک

العام، فى حشد من رجال الأعمال، والتجار فى مشهد، وعدد قليل من رجال الدين النشطين الذين

كانوا مهتمين يف الشؤون السياسيه، جعل محورها تفسير «سوره المائده» وعرفت تلک المحاضرات

حينها باسم «محاضرات بايين شهر».

جلسات التفسير إبّان المطارده والتخفى

كان لشغف السيّد بالمعارف والقيم القرآنيه الدور الفاعل فى دفعه لاستغلال أدنى الفرص مهما

قصرت لنشر معارف القرآن وترويج مفاهيمه حتى فى أحلک احالات وفى الظروف الصعبه التى كان

يعيشها رجال الثوره والاضطهاد الذى يتعرضون له، ففى عام ۱۳۴۵ ه- ش [۱۹۶۶ م]، قام بعقد مجموعه

من المحاضرات التفسير يه التى ألقاها على بعض المقربين منه عند فراره من أعين السلطات فى مدينه مشهد والاختفاء فى طهران وذلک فى ليالى شهر رمضان الكريم، وقد وصف سماحته تلک الحلقات

التفسيريه بقوله:

«کانت جلسات جیده ومفعمه بالحیو یه والنشاط وکان محور البحث فیها تفسیر سوره الکهف».

حلقات التفسیر فی مدرسه المیرزا جعفر

فی المره الثالثه التی تم اعتقاله فی شهر فرودین عام ۱۳۴۶ ه- ش [نیسان ۱۹۶۷ م]. وبعد إطلاق

سراحه قام بزیاره السجناء السیاسیین فی طهران، وقد حاول من خلال الاتصلات مع الثوار فی

مناطق مختلفه من البلاد، لتنظیم شؤون الثوار والثوره، وتدریب أجیال جدیده من المقاتلین والثوار

علی أساس الفکر الإسلامی، وخاصه بین طلاب الحوزه والطلاب الجامعین محاولا اعتماد مبادئ

النضال المستقاه من القرآن والحد یث، فی مقابل الفکر المارکسی واللیبرالی وغیرها من الاتجاهات

الفکریه، من أجل تعمیق الفکر والنضال الإسلامی فی إطار حرکه الإمام الخمینی. وعلی الرغم من

المواجهه مع نظام بهلوی، فقد حقق الکثیر من النجاحات فی هذا الإطار.(۱)

بعد إطلاق سراحه عقد مساحته السلسله الثالثه من الحلقات التفسیر یه سنه ۱۳۴۷ ه- ش

[۱۹۶۸ م] بطلب من رفیقیه فی الجهاد الکنابادیین وابناء منطقته وزملائه فی الدرس، ومرافقیه فی

السفر، فبعد أن اطلع کل من السیّد رضا کامیاب و محمد باقر فرزانه علی الأبعاد العلمیه والاجتماعیه

والسیاسیه لشخصیه السیّد الخامنئی، وأنه شخصیه علمیه مرموقه جدیر بالتتلمذ علی یدیه طلبا من سماحته وبإلحاح علی عقد دروس خارج الإطار المتعارف فی العرف الحوزوی من قبیل التفسیر

والکلام والأخلاق.

۱- موقع Khamenei.ir

ولمّا كان السيّد شديد الرغبه فی المعارف القرآنيه ويؤمن بأولويه تلك المعارف السماويه ، استجاب سماحته – بعد العوده إلى مدينه مشهد– للطلب معتمدا سوره المائده محوراً للتفسير أيضا فكانت حلقات الدرس تعقد فی كل خميس وجمعه من الأسبوع، ورويدا رويدا ازداد عدد الحضور حتى تمكنت الحلقه من استقطاب عدد من طلاب العلوم الدينيه ، بل حظيت باهتمام عدد من الشباب الجامعيين وعدد من رجال البازار[السوق]. وكانت انطلاقه تلك الحلقات التفسيريه أولا فی مسجد الصديقين فی سوق «سرشور»، ومع ازدياد عدد الحضور ثم الانتقال إلى مكتبه مدرسه ميرزا جعفر، وقد امتدت تلك الحلقات لفتره أطول من سابقاتها واستمرت لسنوات عديده، إلى أن منعت السلطات الأمنيه من انعقادها، ولسوء الحظ فقدت اشرطه تسجيل تلك الجلسات ولا توجد لدينا أدلى معلومات حول محتويات ما طرح خلالها.

مواصله سلسله حلقات تفسير مدرسه الميرزا جعفر

لعبت سلسله الاعتقالات المتواليه والمطارده المستمره التی عاشها سماحه الإمام السيد على الخامنئی طيله حياته الشريفه دورا بارزا فی الحد من نشاطه والتأثير على الأنشطه التعليميه والتربويه ، والبرامج الثقافيه التی يقوم بها سماحته، فبعد اعتقاله الخامس وازدياد نسبه المخبرين والراصدين التحركاته وأرتفاع منسوب التوتر وتضييق دائره الخناق، اقتضى الأمر من الثوار الحيطه فی الحركه والاحتراس فی السلوك والقول.

الا أن سماحه السيّد وبعد إطلاق سراحه الخامس شرع وبلا ادنى تأخير فی خريف سنه ۱۳۵۰ ه ش [۱۹۷۱م) بمواصله الحلقات التفسيريه فی« مدرسه الميرزا جعفر» فی مشهد (جامعه الرضوی

الفعليه)، وقد آثار وصول اخبار دروسه التفسيريه هذه إلى (السافاك) حفيظه السلطات الأمنيه التى سارعت إلى بث بعض عيونها ومخبريها لرصد تحركاته والإبلاغ عما يدور فى تلك الاجتماعات بشكل دائم. وفى هذه الجلسات ثم تفسير السور المباركه التاليه: المائده الأنفال ، براءه، وآيات من سوره يونس.

بدء الحلقات التفسير يه فى مسجد الأمام حسن (ع) فى مدينه مشهد

فى خريف عام ١٣٥١ ه ش [١٩٧٢م] ومع حلول شهر رمضان المبارك بزغ نور الحلقات التفسيريه فى مسجد الإمام الحسن (عليه السّلام)

فبعد أن استجاب سماحته وبإلحاح من قبل المؤمنين للتصدى لإمامه الجماعه فى المسجد المذكور، شرع رويدا رويدا بإلقاء الخطب والكلمات القصيره والتى حظيت بإقبال شديد من قبل المؤمنين، وكان سماحته يقوم بتدوين ترجمه الآيات وشرح الأحاديث والمعارف الدينيه على لوحه خاصه ثم وضعها فى المسجد، وقد حظيت الجلسات التفسيريه باستقبال منقطع النظير من قبل طيف الشباب خاصه حيث كانت باحه المسجد تغض بهم وكانوا يدونون ما تجود به قريحه السيد، وكانت الجلسات تعقد فى صبيحه أيام الجمعه من كل اسبوع واستمر العمل بها حتى سنه ١٣٥٢ ه.ش [١٩٧٣م]. وقد تمحور البحث التفسيرى حول خصوصيات الشخصيه اليهوديه. وفى ٩/ ٣/ ١٩٧٣م تعرض سماحته لتفسير الآيه ٦٢ من سوره البقره، وكان أسلوبه حفظه الله يقوم على تفسير الآيات من خلال سرد أمثله من واقعه المعاصر.

وكان رجال (السافاك) يتحيّنون الفرص عسى أن يعثروا على ذريعه تبرر لهم اعتقاله وإيداعه

السجن ! وكان خير مكان يمكن من خلاله رصد تحركه هو تلك الحلقات التفسيريه التى قد يبوح خلالها عن توجهاته السياسيه وموقفه من السلطات الحاكمه.

ومن ناحيه أخرى كان سماحته شديد الحرص على استمرار تلك الحلقات التفسيريه وكان برفض ما يؤدى إلى توقفها ولو من قبيل القاء شعار محبب إليه! وقد أشار سماحته إلى تلك الحقيقه فى إحدى حلقات التفسير قائلا:

«أطلب من الساده أن يسمحوا لنا بالقيام بعملنا ولا يقوموا بما من شأنه تعطيل العمل. فأنا اليوم اعتقد بأن الأولويه للتعرف على القرآن أكثر من أىّ شىء آخر، ولا زلت أشعر بهذه الضروره ، ومن هنا قلت للساده فى كل من حاضرتى مشهد و قم العلميتين علينا إيقاف الدروس المتعارفه لمدّه عشرين عاما! ولنحدث نهضه قرآنيه كبرى، وها أنا أفسر القرآن لمده ست سنوات وقد آمنت الحوزه العلميه إلى حد ما بصوابيه ما أدعو إليه. لذلك أرجوا الساده ألا يرددوا الشعارات ؛ لعدم جدوائيه ذلك اليوم »

وقد استمرت تلك الحلقات حيث وصل يوم ۱۸

/ ۵ / ۱۹۷۴ م إلى تفسير الآيات ۹۶ — ۹۸ وتلاها الحديث فى الحلقه اللاحقه عن الآيات ۹۹ — ۱۰۲ من سوره البقره ، وكان رجال السافاك يواصلون رفع التقارير والأخبار عما يدور أثنائها وتزويد السلطات الأمنيه بما يجرى فيها، الأمر الذى انتهى إلى عدم السماح له باستمرارها لمعارضتها مع مصحله النظام الشاهنشاهى. حيث استدعى سماحته فى الشهر السابع من عام ۱۹۷۴م من قبل السلطات الأمنيه التى أبلغته ضروره التوقف عن القاء المحاضرات التفسيريه والاكتفاء بإقامه صلاه الجماعه فى مسجد الإمام الحسن (عليه السّلام) أضافه إلى السماح له بشرح بعض الأحاديث ومواصله دروسه التى كان يلقيها على طلاب العلوم الدينيه الذين لم يتجاوز عددهم ۱۵ طالبا.

وقد خاطب سماحته المحاضرين فی الجلسه الأخیره، قائلا :

أعلن لکم عن توقف الحلقـات التفسـیریه ، ولکن اطلب منکم ألاـ تتفرقوا عن القرآن ... فـان مـا تعیشه من بؤس وتعاسه الیوم هو بسبب الابتعاد عن القرآن وجهلنا بمعارفه وعلومه. فهو البلسم الحجراجنا... إبحثوا عن روح القرآن وأهدافه ».

ولکن بتوقف سلسـله حلقات مسجد الإمام الحسن(علیه السّلام) لم تتوقف مساعی السیّد فی مجال الأبحاث والتحقیقیات القرآنیه حیث اتخذ قراره فی تلک الفتره یتدوین بحثین قرآنیین.(۱)

الحلقات التفسیر یه فی مسجد القبله

لم یستسـلم السیّد لضـغط السـلطات فکان یسـعی لاسـتغلال أدلی القرص لبعث الروح من جدیـد فی الحلقات التفسـیریه لإیمانه المطلق بعدم شـرعیه النظام القائم وسـعیه الجاد لإقامه نظام إسـلامی بنطلق فی مبادئه من القرآن الکریم؛ فبعد أن أصدر السافاک الحکم بإیقـاف حلقـات مسـجد الإمـام الحسن (علیه السّـلام) ، قرر سـماحته عقـد حلقـات تفسـیریه فی الأـصول والعقائـد یومی الخمیس والجمعه فی مسجد القبله، کان بحضرها قرابه المائه والخمسین من طلاب العلوم الدینیه، غیر أنها هی الأخری لم تستمر حیث تم إیقافها بعد فتره وجیزه وبتهدید من السلطات الأمنیه (السافاک)

اعاده الحلقات التفسیر یه فی مسجد الأمام الحسن(علیه السّلام)

مع إطلاله شهر رمضان سنه ۱۳۵۲ ه ش، قرر سماحته – ولغرض عدم إثاره رجال الأمن – التشاور

۱– تمت الاشاره الیها ضمن البحث عن الخلفیات البحثیه.

مع الاـخوه المؤمنين فى آليه مناسبه لإعاده البحث القرآنى فانتهى الأـمر بعد التشاور الى أن يقوم سماحته بعد صلاتى الظهر والعصر بعرض بعض الآيات وترجمتها بنفسه أو إيكال المهمّه إلى الشباب من رواد المسجد ليقوموا بتلاوه ترجمتها الفارسيه.

وهكذا أخذ السيّد بترجمه وشرح بعض الآيات من سوره آل عمران ، وفى اليوم العاشرتعرض للحديث عن الآيات (١٣٠ – ١٣٥) من سوره الأعراف، مؤكداً أن غرضه ليس تفسير الآيات وانما ترجمه الآيات التى تتحدث عن مفهوم الحق والباطل مركزاً على سنّه انتشار الحق وجمود الباطل، مشيراً إلى:

«أن الغلبه ستكون فى نهايه المطاف للحكم الالهى وأن الحركه التاريخيه تسير باتجاه حقيقه انتصار الحق على الباطل».

وأشار فى ختام حديثه الذى هو فى الحقيقه أقرب إلى الشرح والتفسير منه للترجمه إلى حديثين شريفين خلص منها إلى أن: «مثل المؤمن كالسنبله يحركها الريح فتقوم مره وتقع أخرى ».

وفى اليوم الحادى عشر من رمضان من نفس العام شرع بترجمه وتفسير الآيات ٢٠ – ٢٧ من سوره الانفال، وفى اليوم الثالث عشر منه تعرض للحديث عن ترجمه وشرح بعض آيات سوره الصف.

لم يرق ذلك لجهاز السافاك فقرر التضييق على سماحته حتى انتهى الأمر بالتوقف عن القاء تلك المحاضرات فى مسجد الإمام الحسن (عليه السّلام) يوم ١١ / ١١ م وكان الحديث حينها عن سوره العصر.

حلقات التفسير فى مسجد الكرامه

لم يمرّ على توقف نشاط السيّد الخامنئى فى مسجد الإمام الحسن (عليه السّلام) شهران حتى انتقل إلى مسجد الكرامه ليعيد نشاطه القرآنى هناك حيث يقوم فى كل ليله جمعه بعد تلاوه الآيات بترجمتها

وتفسيرها معتمدا نفس المنهج الفكرى والاسلوب التفسيرى ممزوجا ببعض النكات والإشارات والمواضيع الاجتماعيه.

ولكن حديثه القرآنى والروائى بلغ منعطفا حرجا جداً ما دعا الساقاك إلى إصدار أمرٍ بإيقاف تلك المجالس فكانت آخر حلقاته التفسيريه فى مسجد كرامه يوم ۲۸/ ۹ / ۱۹۷۳ م. وكان حصيله الحلقات التفسيريه التى القاها فى مسجد كرامه كتاب «گفتارى در باب صبر»[حديث فى باب الصبر]» صدر بعد عام ونصف من الفراغ من تلك الحلقات.

أشهر وأهم الجلسات التفسيريه

فى شهر رمضان من سنه ۱۳۵۳ ه ش [۱۹۷۴م] ألقى السيّد الخامنئى فى مسجد الإمام الحسن وبعد الفراغ من صلاتى الظهرين سلسله دروس تفسيريه مركزاً على البعد الحركى فى الاسلام، والإشاره إلى بعض التصورات الاجتماعيه الخاطئه ، ومتعرضا لبعض الموضوعات التى استقاها من آيات الذكر الحكم، من قبيل: الصراع بين الحكّام والأنبياء، والمواجهه بين الاسلام والظلم، والمساواه بين البشر وانعدام الفوارق القيميه بين الأغنياء والفقراء، وتصدّى الأغنياء والاشراف والرهبان والحكام لحركه الأنبياء، إضافه إلى محاربه الجهل والأميه.

وقد اعتبر رجال السافاك أن « السيّد الخامنئى يتحى منحى ثوريا وأنه بصدد بيان الأسس الثوريه فى القرآن الكريم وأنه يهدف إلى حث الجماهير على الصمود أمام الفوارق الطبقيه والاستغلال والظلم والقهر الذى يمارس بحقها».

فى يومى السابع والعشرين والثامن والعشرين من نفس الشهر شرع سماحه بالحديث عن

« ولايه الإمام المطلقه» مسلطا الأضواء على خصوصيات وليّ الله وشروط الولايه، طالبا فى الختام من الجماهير التأمل فى المعيار الذى من خلاله يتم تشخيش نائب الإمام المنتظران(عجل الله تعالى فرجه الشريف).

ولمّا كان الحديث واضح المعنى والدلاله فقد رفعت عيون الساقاك تقاريرها الى السلطات العليا مؤكدين أن السيّد يعنى بنائب الإمام الحجه (عليه السّلام) هو «السيّد الخمينى» .

ومن الملاحظ أن السيّد الخامنئى يعتقد جازماً بأن القرآن الكريم منهل فياض وسند الاسلام الأصيل الذى لا ريب فيه ، وأنه الوسيله المثلى لمعالجيه وحل عقده المواجهه مع الظالمين وإقامه نظام أجتماعى إنسانى متكامل المعالم، ومن هنا حاول تسليط الأضواء فى محاضراته الرمضانيه على أصول الدين الاسلامى الحنيف كالتوحيد والنبوه والولايه مفصلا الحديث ومستوعبا لأطراف الموضوع فى أكثر من محاضره ، وكان حفظه الله يقوم قبل البدء بالمحاضره اللاحقه باستنساخ خلاصه ما جاء فى سابقتها وتوزيعها على الحاضرين. وفى أوائل آبان عام ۱۳۵۳ ه. ش [نهايات الشهر العاشر الميلادى سنه ۱۹۷۴) قام بجمع تلك الخلاصات ونشرها تحت عنوان «الخطوط العريضه للفكر الإسلامى فى القرآن »

وأصل سماحته القاء المحاضرات التفسيريه حتى عام ۱۳۵۶ ه. ش (۱۹۷۷م) حيث اعتقلته سلطات الشاه وتم إبعاده إلى مدينه إيران شهر.

كان أنتصار الثوره الاسلاميه بمثابه الانطلاقه القويه فى تحويل إيران إلى قاعده محكمه لفكره حاكميه الدين، وكانت المرحله الأولى والمهمّه تتمثل فى إعاده تركيب الأمه القرآنيه والحضاره الاسلاميه الحديثه، ولا يتم ذلك التحول الحضارى الكبير إلّا من خلال العوده إلى القرآن الكريم وتحوّل الامّه إلى مجتمع قرآنى فى تفكيره وترتيب نظام حياته.

يعتقـد سـماحه آيه الله السـيد على خـامنئى - تبعـا للخـط الفكرى الـذى انتهجه الإمـام الخمينى(رحمه الله) وسائر رجال النهضـه الاسـلاميه الآخرين - جازمـا بأن «إقامه النظام الاسـلامى»، أى تحقيق جميع أركان ومكونات الـدين، لا يتم الا عن طريق سـياده القيم الدينيه على مختلف الجوانب التى تحكم المجتمع؛ لذلك، ينبغى تعزيز السلطه الدينيه، وإقامه عمليه الحكم استنادا إلى قيم الـدين وفى إطـار قواعـد الأصول السـماويه، وتحويل حركه المجتمع وشـكله إلى مجتمع ذى صـبغه اسـلاميه ، ولكن بشـرط أن يحظى ذلك بتأييد شعبى ودعم الجماهير له وإلا لن يتحقق شىء مما ذكر مع غياب إراده الشعب .

يبين تاريخ الفكر والحركه الإسـلاميه المعاصـره أنه ومن أجل تعزيز حاكميه الدين ونشر القيم القرآنيه فى المجتمع، ينبغى إحياء بعض المفاهيم التى أسىء فهمها أو تهميشها.

الحلقات التفسير يه بعد انتصار الثوره الاسلاميه

إبّان تصديه لرئاسه الجمهور يه

لم يمض على تصـديه لرئاسه الجمهوريه (ارديبهشت من عام ۱۳۶۱ ه ش (۱۹۸۲م) أقلّ من عام حتى شـرع سماحته بالعوده إلى الـدرس التفسـيرى وإلقـاء المحاضـرات القرآنيه الأسـبوعيه ، وكـان الحضور فى هـذه المره رجال الحرس الثورى المسؤولين عن حراسه مكتب رئاسه الجمهوريه! وفد القاها فى المكتب نفسه.

شرع سـماحه الإمـام الخـامنئى بتفسـير الجزء السـابع والعشـرين من القرآن الكريم، حيث كانت السـنوات الأولى لتشـكيل الـدوله الإسـلاميه فى إيران، وكانت الحاجه ماسّه وضـروريه لشـرح وتبيين قضايا الحكم الإسلامى وأصوله فى المجتمع. وقد عبّر آيه الله الخامنئى عن هدفه وحافزه لعقد هذه

الاجتماعات بقوله:

«العداله الاجتماعیه، والحکومه، والجهاد والمواجهه فی ساحات المعارک وما إلی ذلک من عشرات القضایا الرئیسیه بعد تشکیل الـدوله، تمثل أهم القضایا التی یتمّ التعامل معها بعد انتصار الثوره الاسـلامیه، ونشاهد المزید من الاشاره الیها فی الآیات المدنیه، وإن آیات الجزء السابع والعشرین وما یلیه من الأجزاء أغلبها آیات مدنیه الا الجزء الثلاثین الذی یغلب علیه الطابع المکی، مضافا إلی عدم تسلیط الأضواء بشکل وافی علی تلک السور والآیات» (۱)

عاد سـماحه آیه الله الخامنئی، الذی کان قبل انتصار الثوره أحد أعمده فکره إقامه الحکومه القرآنیه ، والذی عاش القرآن مفسراً لأجزائه وآیاته فی مدینه مشهد، الآن وبنفس الشغف الثوری وما یتوافق مع الحاجات المعاصره ومعالجه قضایا المجتمع الإسلامی قرآنیاً، ومن السـمات المهمه لهذه الدروس هو تکیفها مع اتجاهات وقضایا الواقع الراهن، مسـلطاً الأضواء علی التیارات التاریخیه فی صدر الاسلام مرورا بفتنه اللیبرالیین والمنافقین والمستکبرین و برؤیه قرآنیه تستقی أحکامها من آیات الذکر العزیز.

ویمکن القول بـأن هـذه المحاضـرات تمثـل جزءاً مهمـا آخرللأسـس النظریه لقائـد الثوره الإسـلامیه فی مختلف الأـمور والتوجه الاستراتیجی للنظام الإسلامی خلال سنوات تصدیه لولایه الفقیه وقیاده النظام.(۲)

ص: ۷۲

۱- ۷/ ۳/ ۱۹۸۲ کلمه القائد الأعلی أثناء تفسیره السوره المجادله.

۲- أطروحـه: « بررسـی روش تفسـیری آیـت الله العظمی سـید علی خـامنه ای = دراسـه المنهـج التفسیری لآـیه الله السیدعلی الخامنئی"، للطالبه الخواجه زهراء: جامعه العلوم والعراق القرآنیه: قم، شهریور ۱۳۹۴ ش [۲۰۱۵م).

مرحله التصدی للقیاده

لم یتوقف سماحته عن الاعتناء بالشأن القرآنی بعد تسنمه لمنصب القیاده حیث واصل عقد الجلسات التفسیریه فی کل من حسینیه الإمام الخمینی (رحمه الله عیه) وبینه شارحاً ومفسراً لسوره البقره . لم نملک الکثیر من تفاصیل تلک الجلسات باستثناء بعض ما نشر منها فی موقع « Khamenei. ir » وقد تمّ تحویل نصها الکامل إلی اثنتی عشره حلقه مدونه من تلک الحلقات التفسیریه ، یستفاد منها أن الحلقه الثامنه منها أقیمت بتاریخ [۱۶/ ۱۰/ ۱۹۹۱ م]

، وقد انتهت تلک السلسله عند الجلسه الثامنه والعشرین وبتاریخ [۲۷/ ۵/ ۱۹۹۲م].

ص: ۷۳

منهجه التفسیری

لکل مفسر منهجه الخاص ورؤیته التفسیریه التی تنسجم مع شخصیته العلمیه والأهداف التی یروم الوصول الیها من وراء العملیه التفسیریه، ولم یکن السیّد الخامنئی مستثنی عن هذه القاعده ، فالرجل صاحب منهج تفسیری «أجتهادی» أو «جامع». ونعنی بالمنهج الاجتهادی ذلک المنهج القائم علی استنباط وفهم المعارف وأحکام القرآن اعتماداً علی مجموعه من المصادر فضلا عن مؤهلات المفسّر العلمیه؛ لذلک، یجب علی المفسّر الذی یختار هذه الطریقه التفسیر القرآن، أن یستفید من جمیع المناهج التفسیریه الأخری لتحقیق غرضه. فضلًا عن المنهج، هناک أیضًا عدد من الاتجاهات التفسیریّه ویعتبر اتجاه آیه الله الخامنئی التفسیری من قبیل الاتجاه «السیاسی الاجتماعی»، وهذا الاتجاه التفسیری یولی أهمیه خاصه للبعد الاجتماعی القرآنی ویرصد قضایا الإنسان من الزاویه الاجتماعیه ، مرکزاً علی البعد الارشادی و بیان رساله القرآن ، مع عدم الفصل بین سعاده الفرد وسعاده المجتمع، من ناحیه أخری، یعتقد مفسروا هذا الاتجاه بأنه وفی ضوء التطورات الجدیده وظهور المشاکل الاجتماعیه ، یعدّ الرجوع إلی القرآن الکریم من أفضل السبل وأنجع الطرق لمعالجه المشاکل» (۱)

۱- مقاله تحت عنوان: «بررسی روش و گرایش تفسیری مقام معظم رهبری= المنهج والاتجاه التفسیری للسیدالخامتی»: علوی مهر، مروجی طبسی؛ پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، شتاء ۱۳۸۹ – ش۹، ص ۴۵ -۹۲.

وتشـهد الساحه العلميه اليوم ميلا تفسيرياً جديداً لدى الباحثين والمحققين القرآنيين يمكن وصفه بالميل «الحضارى»، يحاول من خلاله المفسّر طرح رؤيه حضاريه من خلال رصد المبانى والأسس الحضاريه المستقاه من القرآن الكريم، وعرض نمط حضارى قرآنى وربطه بمجال العمل فى بناء الحضاره القرآنيه ، وتظهر دراسه آراء وتوجهات السيّد القائد التفسيريه أنّه يمثل نموذجا رائعا فى هذا الاتجاه التفسـيرى، وتهدف هذه الرؤيه التفسيريه إلى تقديم تصميم مناسب فى مجال الهندسه الثقافيه للنهضه وتتوفر على نظره خـاصّه للتفســير التـاريخى للقرآن الكريـم. والشاهـد على هـذا الادعـاء ، مفهـوم بنـاء النظـام المتبلـور فى أفكـاره وجهـوده التفسـيريه، وكذلك اهتمامه بالبعد الحضارى الإسـلامى الحديث و «نمط الحياه» كروح للحضاره الإسـلاميه وسمّه خاصه تميزها عن الحضارات والمدنيات البشريه الحديثه للعالم الغربى.

ص: ۷۵

الخلفيه البحثيه التأليفيه

اشاره

بعد أداء سماحه الإمام السيد على الخامنئى القسم الدستورى فى شهر مهر سنه ۱۳۶۰ (أكتوبر ۱۹۸۱م)، أجرت مؤسسه الإذاعه والتلفزيون فى الجمهوريه الإسلاميه الإيرانيه لقاء مع سماحته و بحمل اللقاء جمله قضايا يمكن أن نستشف منها ما يلى: التعرّف على الأفكار القيمه من قبيل «لزوم أن تنجلى الهويه الإسلاميه فى الأبعاد الاجتماعيه والسياسيه للحياه » ، وكذا نظريه حاكميه الإسلام على المجتمع الإسلامى» و «عدم الخضوع مقابل الحكومات اللادينيه ». وقد طرحت هذه الأفكار رويدا رويدا فى المحافل الواعيه دينيا وكذا فى المحافل الحوزويه، فرغم أن هذا الخطاب كان خطاب الأقليه إلّا أن هكذا خطاب أمتاز بقوه وصلابه كبيره استطاعت استقطاب السيد على الخامنئى المطالب الحوزوى الذى يعيش هاجس الأمه ويؤمن بالفكر الحر.

لقد غمر هذا الفكر السيد على الى درجه تحول فيها «الدفاع عن الهويه القرآنيه للإسلام، إلى قاعده توجه جميع نشاطاته تطبيقيّا، وتأليفيّا، وترويجياً» ففضلا عن جلسات التفسير التى كان يقيمها كانت هناك نشاطات أخرى فى مجال القرآن والتفسير، تمثلت فى التأليف والترجمه. ومن الكتب التى

أقدم سماحته على تأليفها كتاب « بحثان قرآنيان»(۱)، وكتاب «حديث فی باب الصبر»(۲) و» مشروع الفكر الإسلامی فی القرآن الكريم»(۳)، كما كان لسماحته تراث أخر فی مجال التفسير ومنه «ترجمه كتاب تفسير فی ظلال القرآن الكريم تأليف السيد قطب). كما صدر عن سماحته ثلاثه كتب أخرى هی: «إطلاله على المبانی والمناهج والقواعد التفسيريه »(۴)، «تفسير سوره المجادله» و «تفسير سوره براءه» وقد تمّ إعدادها من خلال الجلسات التی كان سماحته بحاضر خلالها وطبعت من قبل «انتشارات انقلاب إسلامی» وسنتناول فيما يلی الحديث عن هذه المؤلفات والتراجم:

تأليف كتاب «بحثان قرآنيان»

تأليف كتاب «بحثان قرآنيان»(۵)

توقفت جلسات التفسير التی كان الامام الخامنئی يحاضر خلالها فی مسجد الامام الحسن (عليه السّلام)، لكن تعطيلها لم يمنع جهود سماحته التحقيقيه فی مجال القرآن الكريم. ففی الأشهر الأولى من سنه ۱۳۵۲ ه ش (ربيع سنه ۱۹۷۳) عزم سماحته على تأليف كتاب «بحثان قرآنيان»، كان الأول تدوين قاموس قرآنی فيما كان الثانی إعداد كتاب كشف الآيات باللغه الفارسيه ، وهو كتاب يتيح للناطقين باللغه الفارسيه الاستعانه به بسهوله لاكتشاف المفرده التی يرومون الوصول اليها دون الحاجه إلى تحمّل مشقه التعرف على الجذر العربی.

۱- دو پژوهش قرآنی

۲- گفتاری درباب صبر

۳- طرح كلّی انديشه ی اسلامی در قرآن

۴- مروری بر مبانی ، روش قواعد تفسيری

۵- دو پژوهش قرآنی

عمل سماحه السيد مع مجموعه من الباحثين بشكل جماعى على هذا المشروع واستمر العمل فيه إلى شهر مهر سنه ۱۳۵۳ [خريف ۱۹۷۴]، إذ فوجئوا بأن الدكتور محمود راميار كان يعمل على نفس المشروعين ، بل وطبع كتاب كشف الآيات. هنالك اضطروا إلى إيقاف المشروع.

كتاب «حديث فى باب الصبر»

كتاب «حديث فى باب الصبر» (۱)

فى سنه ۱۳۵۲ كان نتاج سماحه آيه الله السيد الخامنئى من دروس تفسيره وخطاباته فى مسجد الكرامه (مشهد) كتاب « حديث فى باب الصبر، وقد صدر هذا الكتاب بعد عام ونصف من حضور سماحته فى هذا المسجد، فقد مثل الكتاب خلاصه ونبذه من محاضراته التى تحدث فيها عن الصبر.

كتاب مشر وع الفكر الأسلامى فى القرآن الكريم كتاب مشر وع الفكر الأسلامى فى القرآن الكريم ۲

كتاب مشروع الفكر الإسلامى فى القرآن الكريم(۲)

دأب سماحه الإمام الخامنئى على تدوين مقتطفات من البحث الذى كان يودّ الحديث عنه قام يعمد الى استنساخه وتوزيعه على الحضور فى مسجد الإمام الحسن (عليه السّلام) بدايه كل جلسه تفسير يروم إلقائها.

وفى بدايه شهر آبان سنه ۱۳۵۲ ه ش[شتاء سنه ۱۹۷۴م) جمع سماحته المقتطفات التى أشرنا إليها، وعمل على تصحيحها وإضافه مقدمه لها لتكون كتابا تحت عنوان مشروع الفكر الإسلامى فى القرآن.

۱- گفتاری درباب صبر

۲- طرح كلّى انديشه ى اسلامى در قرآن وقد ترجم الكتاب إلى العربيه الدكتور محمد على آذرشب.

وفی مقدمه الکتاب تحدث عن ثلاث خصوصیات مهمه فی المباحث الإسلامیه تمثل الخطّ الفکری لسماحه الإمام الخامنئی وتتلخّص فیما یلی:

الأول - الخروج من الإطار الذهنی المحض، والتوجه إلی المنظومه الإسلامیه باعتبارها مدرسه أجتماعیه بتعیّن فیها المسیر العملی للأفراد، وخاصه فی حیاتهم الاجتماعیه، والتأکید فی الدراسات النظریه علی مشروع الإسلام الحیاه البشر وعلی أهداف الإنسان والمجتمع فی الحیاه، والطریق الذی یحقق هذه الأهداف.

الثانی - دراسه المسائل الفکریه فی الإسلام بصوره مترابطه وبشکل أجزاء من منظومه واحده ، أی أن کل عنصر فیها هو جزء من هذا الترکیب، وغصن من هذه الدوحه، ولبنه فی هذا البناء الشامخ، و لا ینفصل بعضها عن بعض، لکن یتبلور المشروع الکامل الشامل للدین، باعتباره مدرسه فکریه کامله خالیه من أی إبهام، وذات أبعاد متناسبه مع حیاه الإنسان بمختلف جوانبها.

الثالث - هی أن فهم الإسلام ومبادئه لابد أن یستند إلی النصوص الأساس فی الدین ومبادئه الا أن ینطلق هذا الفهم من الأذواق والآراء الشخصیه أو من الخلفیات الفکریه والذهنیه لهذا وذاک ، کی نطمئن إلی أن نتیجه دراستنا «إسلامیه» حقّا، لا شیئاً آخر، ولا شک أن القرآن الکریم یحقق هذا الهدف باعتباره أکمل حقیقه وأهمها: «لا یأتیه الباطل من بین یدیه ولا من خلفه»، وهو «تبیانا لکل شیءٍ»، وطبعا فی إطار تدبر عمیق أمرنا به القرآن .

ولأن سماحته کان یتمتع بهکذا رؤیه بالنسبه للمعارف الإسلامیه فی جلساته التفسیریه فقد طرح خلالها أهم الأسس الفکریه لإیجاد نظام إسلامی. وکان یبیّن الإسلام وفکره من خلال ما یستوحیه من الآیات القرآنیه، وکان سماحه الإمام الخامنئی یعمد إلی تعمیق أسس الفکر المواجه والداعی

ص: ٧٩

إلى إسقاط الحكومات الطاغوتيّه بشكل يبعث فى نفس الحضور الوصول إلى النتيجه الضروريه والطبيعيه التى تؤمن بأن الحكومه التى ينبغى أن تقوم فى البلد ينبغى أن تكون على أساس الإسلام والمعارف الدينيه.

لقد كانت إحدى أهدافه الأساسيه من التفسير هى نقل أسس الثوره الإسلاميه إلى المجتمع.

يفتتح كتاب مشروع الفكر الإسلامى فى القرآن الكريم بحثه موضوع الإيمان فى القرآن الكريم ، ذلك لأن القرآن كان قد وعد المؤمنين الذين آمنوا وعملوا الصالحات الخلافه الإلهيه وبسط السلطه على جميع المعموره وتشكيل مجتمع إسلامى مثالى. لقد تمركز البحث على التوحيد لأن هذه الرؤيه تمثل

الأساس والقاعده الرصينه لجميع الرؤى والبرامج والأفكار العلميه التى تصنع الحياه (الأيدلوجيه) فى الإسلام.

وفى الختام تكون هناك ملاقحه وتلائم بين الإمامه والولايه من جانب والتوحيد من جانب آخر، إذ يرى أن مفهوم الولايه ناظر به «الارتباط بين الأمه الإسلاميه مع مركز واحد، ذلك لأن الرؤيه الحديثه التى جائت مع رساله النبى لا يمكنها أن تصنع حياه متقوّمه على التعاليم الدينيه للمجتمع إلا ـ إذا تحققت أولا ـ من خلال فكرونفس وعمل مجتمع منظم. هذا من جانب ومن جانب آخر فإن اهتمام سماحه قائد الثوره الإسلاميه (مدّظله العالى) بتربيه نخب خالصه للثوره يمثل الهدف الفرعى لسلسله جلسات التفسير التى كان يعمد القيام بها.

ترجمه كتاب تفسير فى ظلال القرآن

انتهج مؤلف «تفسير فى ظلال القرآن» كمنهج رئيسى لمؤلفه التقسيم الموضوعى للآيات ليكون

لكل مجموعه وحده موضوعيه وهدفا معينا، وقد سعى المفسر الى تفسير الآيات وفق ذوق أدبى خاص دون خوض فى الجزئيات.

ترجم سماحه الإمام الخامنئى المجلدين الأول والثانى من تفسير فى ظلال القران الذى يقع فى ٨ مجلدات (إلى الآيه ١٨٢ من سوره البقره) وكان سماحته قد ترجم هذا المقدار من التفسير فى السنوات التى سبقت أنتصار الثوره الإسلاميه .(١) وكان من المقرر أن يطبع هذا التفسير بعد أن ترفق إليه تراجم المجلدات الأخرى، وكان من المقرر أن يطبع هذا التفسير بعد أن ترفق إليه تراجم المجلدات الأخرى ، التى كان من المقرر أن تتم من قبل الساده الدكتور [الشهيد] محمد مفتح والشيخ حجتى كرمانى ، لكن هذا لم يتحقق لبعض الأسباب. ولم تجدد طباعه هذا المقدار من الكتاب منذ سنه ١٣٦٢ ه ش [١٩٨٣م]، ومن خصائص هذا الأثره تمازج المباحث العقائديه مع المباحث الاجتماعيه والسياسيه . والملاحظ أن سماحه آيه الله الخامنئى كان يورد إشكالاته ونقوده على المؤلف أينما وجد إشكالا فى طرحه وكان يبين خلال الترجمه الإشكالات التى وقع فيها المؤلف. وكان يشير الى بعض نقاط الخلل فى طرحه وعدم تخصصه فى بعض المجالات، وكان يشير الى الرأى المخالف الذى تتبناه مدرسه أهل البيت (عليهم السّلام) فى مقابل ما يطرحه المؤلف من آراء توافق مذهبه. لكن سماحه السيد كان يوافقه فى الخطوط العامه العقائديه والفقهيه والسياسيه والاجتماعيه والثقافيه .

إن جميع الكتب التى تم التعرض لها فيما مضى هى مؤلفات سماحه آيه الله الخامنئى التى طبعت فى تلك الأيام (قبل انتصار الثوره الإسلاميه.

١- يحتمل أن أن تكون ترجمه هذا الكتاب فى سنه ١٣٥٤٣٥٤ ه ش [١٩٧٥]

ومواصله لهذا البحث سنقوم بالتعريف بالكتب التى صدرت عن سماحه الإمام الخامنئى الله بعد تسنمه القياده حيث تم جمعها من أشرطه التسجيل المتوفره لديه وتم طبعها ونشرها.

إعاده تصحيح وصياغه كتاب «مشر وع الفكر الإلسلامى فى القر آن الكر يم»

طبع كتاب مشروع الفكر الإسلامى فى القرآن الكريم أول مره سنه ١٣٩٢ ه ش (٢٠٠٣ م) من قبل انتشارات صهبا قد جمعت ماده الكتاب من خلال تحويل ماده الأشرطه الصوتيه إلى الورق ومن ثم طباعتها. وقد تم اصلاح القليل من مادتها، كما تم توحيد وتصحيح النصّ ليقدّم الى القارئ الكريم (بذكر

أن حجم التغييرات التى أجريت على الكتاب كانت جزئيه ولم يتغير شىء من محتواه العلمى)، ويختلف الكتاب الجديد عن الكتاب السابق بحجمه الذى تضاعف لعده أضعاف، وقد أعيد طبعه عده مرات.

يذكر أنه ورغم مرور أربعين سنه على فتره القاء نصوصه، إلا أنّ الطلب لازال مستمرا على اقتناء الكتاب

كتاب «إطلاله على امبانى والمناهج والقواعد التفسير يه» فى سوره التوبه

خلال فتره ما قبل انتصار الثوره الإسلاميه بحث سماحه الإمام الخامنئى (مدّ ظله العالى) فى تفسير السور المباركه التاليه: المائده، الأنفال، التوبه، وبعض آيات سوره يونس. وقد صدر كتاب تفسيره لسوره التوبه ، طالعت لجنه البحوثّ نصّ الكتاب وتم استخراج المناهج والقواعد التفسيريه التى اعتمدها سماحته وصدرت طبعه النسخه الأولى من تصحيح هذا الكتاب (١٢٠ صفحه)

كتاب تفسير سوره المجادله

يتناول هذا الكتاب النص المصحح لجلسات تفسير سوره المجادله . وقد ألقيت هذه المحاضرات

ص: ٨٢

التی کـانت النواه لمـاده الکتـاب إیـان رئـاسه سـماحه الإمام الخامنئی للجمهوریه الإسـلامیه ، حین ألقاها علی أعشاء حمایته من الحرس الثوری وأعضاء مکتب رئاسه الجمهوریه خلال سـبعه جلسات بـدأها یوم ۷ / ۵ / ۱۳۸۵م وأنتهی منها یوم ۲/ ۷/ ۱۳۸۲ م وقد تناول فی تلک الجلسات البحث فی جمیع آیات هذه السوره والسور التی تلتها. وأشار سـماحته إلی سـبب اختیار هذه السور والسور التی تلتها بما یلی:

« إن سـبب اختیـار هـذه السور والسور التی تلتهـا هی کون السور التی وردت فی الجزء السـابع والعشـرین والثـامن والعشـرین فی الغالب سور مـدنیه. والسور المـدنیه ، سور نزلت علی النبی الأکرم (صـلّی الله علیه و آله وسـلّم) فی طیبه وتناولت عاده تشـکیل الحکومه الإسـلامیه ! حیث یشـبه الوضع مـا نعیشه حالیـا، وهـذه البحوث تعتبر أمور ضـروریه لتـدبیر شؤون المجتمع الإسـلامی ، وتختلف هـذه البحوث مع فـتره النضـال الشـعبی الهـادف الی تشـکیل الحکومه الإسـلامیه ، وهی وقـائع تشاهـدونها فی مجتمعنا بالذات.

إنکم تلاحظون مسائل لم تکن مطروحه قبل شـباط من سنه ۱۹۷۹م، فلقـد کانت لدیکم مسائل آنذاک وهی لیست مطروحه فی یومنا هـذا. فعلی سبیل المثال هناک واقع المنافقین والنفاق، وکـذا واقع العـداله الاجتماعیه، وحقیقه الحکم، والجهاد فی جبهات الحرب والعشرات من هذه الوقائع .

إن هذه الأمور هی ما نجد لها مصادیق فی الآیات المدنیه التی تطرقت لمثل هذه الأحداث »

کتاب تفسیر سوره البراءه

«إذا ما أردنا أن یستقیم مجتمع طبقاً لمعطیات الأسس الثوریه ولیستمر قائما إلی یوم القیامه ، فإن

علينـا أن نحيى فيه شـعيره الأـمر بالمعروف والنهى عن المنكر، أى نعتبر جميع الناس مسؤولين عن بث الروح الثوريه فى المجتمع ولنخـاطبهم بـالقول: أيهـا المسـلمون !، أيهـا المؤمنون!، إن عليكم مسؤوليه المحـافظه على تعـاليم الإسـلام الحيّه جزئيه كانت أم شامله . إنكم جميعا مسؤولون »

والكتاب أعلاه الـذى يمثل واحـدا من سلسـله التفاسـير التى اقتبست من محاضـرات سـماحه الإمام الخامنئى التى ألقاها سـماحته بدايه سنه ۱۳۵۱ ه ش [نهـايه آذار ۱۹۷۲م) على مسامع الطلاب واسـتمرت إلى شهر بهمن سنه ۱۳۵۲ ه ش (شباط ۱۹۷۴م). وقد طبع وصدر فى نيسان من سنه ۲۰۱۸ م.

ص: ۸۴

خلفيته التنفيذيه فى المجال القرآنى

اشاره

تعدّ جلسات التفسير التى مرّ ذكرها إحدى أهم النشاطات وأكثرها تأثيرا لسماحه آيه الله السيد الخامنئى قبل الثوره الإسلاميه ، وقد استمرت هذه الخصله عند سماحه الإمام السيد الخامنئى (مدّ ظله العالى) بعد انتصار الثوره الاسلاميه حيث واصل سماحته إقامه هذه الجلسات التفسيريه، فضلا عن جمله نشاطات ذات صبغه قرآنيه من قبيل: تأسيس إذاعه القرآن الكريم، وتشييد المجلس الأعلى للقرآن الكريم، وإنشاء مراكز طباعه ونشر القرآن الكريم، والعلاقات العامه، وإهداء المصاحف إلى عوائل الشهداء، ولقاءاته المستمره بنشطاء المؤسسات ذات الصبغه القرآنيه .

تأسيس إذاعه القرآن الكريم

أعلنت صحيفه «جمهورى اسلامى» بتاريخ ١٣

/ ٢ / ١٩٨۴ م عن تأسيس إذاعه القرآن الكريم ، وكان عنوان الخبر تصريح الرئيس الجمهوريه الإسلاميه سماحه آيه الله السيد على الخامنئى:

«إن من بركات عشره الفجر علينا فى هذا العام انطلاق إذاعه القرآن الكريم» واستمرارا لتغطيتها الخبر أعلاه وفى لقاء جمعها مع مدير إذاعه القرآن الكريم حول تأسيس مثل

هذه الإذاعه قال مدير إذاعه القرآن الكريم :

«لقد اقترح سماحه حجه الإسلام الخامنئی علینا تأسیس هذه الإذاعه »

لذلک وفی سنه ۱۳۶۲ هش (۱۹۸۴ م] تم إضافه إذاعه القرآن الکریم إلی بقیه إذاعات الجمهوریه الإسلامیه، بعد اقتراح ودعم من قبل سماحه آیه الله السید الخامنئی. حیث بدأت هذه الإذاعه بثها أیام انتصار الثوره الإسلامیه وبتلاوه مبارکه من سوره الحمد والآیات ۱ – ۲۱ من سوره البقره بصوت سماحه آیه الله السید علی الخامنئی. وتدل هذه الدقه فی الرأی من قبل سماحته علی وعیه المنفتح ورؤیته الاستراتیجیه فی توسعه وتطویر الأسس القرآنیه فی المجتمع الإسلامی، وکما اعتقد سماحه

قبل انتصار الثوره الإسلامیه بأن القرآن الکریم یمثل محورا للنضال ضد الطاغوت، فقد کان بری بعد انتصار الثوره الإسلامیه أن تطوّر وازدهار البلد یکمن فی تحویل المجتمع إلی مجتمع قرآنی . وبناء علی

هذا تم تأسیس اذاعه قرآنیه یکون باستطاعه عامه أبناء الشعب الإیرانی وفی جمیع أنحاء الجمهوریه الاسلامیه الاستماع إلیها. وتعدّ هذه الخطوه مهمه جدا لترویج الثقافه القرآنیه فی المجتمع.

وفی لقاء جمعه مع مدیر وموظفی إذاعه القرآن الکریم رأی سماحته وجود ضروره بالغه للاهتمام بالقرآن قائلا:

...لیست إذاعه القرآن برنامجا قرآنیه محضه! علیکم أن تعلموا ذلک، فهناک فرق بین برنامج إذاعی وبین إذاعه القرآن الکریم، فینبغی أن نمیز بین هاتین المفردتین. ولا ینبغی أن نخطئ فی تعاملنا مع هذین الواقعین. فلو کانت القضیه واحده لکان من الطبیعی الاکتفاء بسماع تلاوه قرآنیه تبث لربع ساعه أو عشره دقائق من قبل القنوات الأخری صباح کل یوم. لا شک لیس الهدف هذا؟

«هنـاک حاجه کبیره فی جمیع الأقسام لـدخول الغمار القرآنی، ولقـد ناقشت منـذ زمن قـدیم مع بعض الأصـدقاء إیجاد مؤسسـه قرآنیه، أو لجنه، أو منظمه للشأن القرآنی. الیوم حلّ الوقت الذی ینبغی علی الأخوه العمل علی تأسـیس مثل هذه المؤسـسه فنحن بحـاجه إلیهـا. وقـد تکون هنـاک حـاجه لعشـرات الأعمـال فیمـا یخص الشـأن القرآنی. فعلی الحکومه أن تتحمـل جزأ من هـذا المشـروع، وجزء منه یتحمله العلماء، وهکـذا عامه أبناء الأمه وقراءها وأساتـذتهاء أمثالکم أنتم، ولعل من أهم الجهود التی ینبغی أن تقع علی عـاتق هـذه المؤسـسه العمل علی منهجه الأعمال وتجمیع ما یحقق آلیاتها ومواجهه حاله نسـیانها والغفله عنها، فهـذه الأمور بحاجه إلی

جهاز مرکزی یتبنی هذا الأمر، ومن الطبیعی أن تکون إذاعه القرآن الکریم إحدی أهم الأعمال التی ینبغی أن یؤسس لها .»(۱)

تأسیس المجلس الأعلی للقرآن الکریم

لقـد عملت قنوات الإذاعه والتلفزیون وخبرائهـا علی اختیـار التلاوات القرآنیه الـتی تسـبق الأذان ، أو تلاوه الأذان بالـذات أو النغمـات الـدینیه التی تبثها قنوات الإذاعه والتلفزیون الی سـنه ۱۳۷۰ ه ش (۱۹۹۱م). وقـد ساهم هـذا الموضوع فی بث تلاوات بمستوی ضـعیف لا تتلائم مع شأن النظام الإسـلامی خصوصا مع عدم تدخّل المختصـین فی الشأن القرآنی فی هکذا اختیارات. لـذلک وبعـد وصول تقاریر تشـیر الی الوضع المربک فی إداره هـذه القضـیه أصـدر سـماحته حکما فی ۵/ ۱۰/ ۱۹۹۱ م حکما بتأسیس مجلس أعلی للإشراف علی التلاوات والنغمات الدینیه أطلق علیه «المجلس الأعلی للقرآن الکریم » .

۱- لقاء مع مدیر وموظفی إذاعه القرآن الکریم ۱۳/ ۲/ ۱۹۸۴ م

وقد حدد سماحته بعض ما يروم إليه فى حكم التأسيس وذلك من خلال جمله أمور:

«... مع ملاحظه الأهميه البالغه التى يمتاز بها القرآن المجيد، وكذا الدور الحيوى الذى يلعبه فى المجتمع الإسلامى، ونظرا للزوم بثّ تلاوات ونغمات الهيه تمتاز بصحه التجويد وجماليه الأداء من قبل مؤسسه الإذاعه والتلفزيون فى الجمهوريه الإسلاميه. فقد تم التأسيس لهيئه تتحمل جمله مهام منها تقنين منهجى، وإشراف وهدايه، ورفع المستوى البرامج الخاصه بتلاوه القرآن والأذان، والمناجاه والأدعيه والتواشيح .»

إنشاء مرا كز طباعه ونشر القرآن الكر يم فى الجمهور يه الأسلاميه الأيرانيه

كان من جمله متطلبات إيران الإسلاميه بعد الثوره العمل على إيجاد آليات مناسبه لإصدار وطباعه مصحف يمتاز بعلائم صحيحه ، وذلك لترويج الثقافه القرآنيه، فكان أوّل السبل لهذا التوجه وترويج الثقافه القرآنيه نشره وترويجه فى المجتمع. ففى زمن الطاغوت (أيام الشاه) كانت المصاحف المطبوعه فى مدينه بومباى الهنديه والتى يطمئن لصحتها، هى الرائجه على صعيد مدارس تعليم القرآن التقليديه (المكاتيب) فى المدن الإيرانيه كمدينه مشهد ، وقد تحدث سماحه الإمام السيد على الخامنئى فى كتاب «شرح الاسم» فى إشاره إلى تلك الفتره بما يلى: يمكننا الادعاء أن المصاحف الهنديه تعتبر من أصحّ المصاحف، فالمصاحف المصريه والهنديه صحيحتى الضبط، لكن المصاحف الإيرانيه كانت تحتوى أغلاط كثيره آنذاك.

وفى سنه ۱۳۷۰ه ش [۱۹۹۱م] أشار سماحته وفى لقاء جمعه مع أعضاء مؤسسه دار القرآن الكريم إلى أهميه موضوع رسم المصحف. غير أن الموضوع لم يباشر فيه حتى سنه ۱۳۷۳ ه ش

ص: ۸۸

(۱۹۹۴م) حیث ثم تأسیس هیئه أمناء مشروع «إعداد مصحف الجمهوریه الإسلامیه الإیرانیه » التحقیق مایلی :

۱- طباعه ونشر مصحف مختص بنظام الجمهوریه الإسلامیه یمتاز بالصحه الکامله، ویتمتع

بخصائص ممتازه.

۲- تدوین مبانی الرسم الصحیح وتدوین قرآن الإمام . ۳- تقدیم النموذج المعدّ لتدوینه أو طباعه مصاحف مستقبلیه، وتجنّب الأخطاء فی المصاحف المتعارفه.

۴- استمرار الدراسات والتحقیقات فی مجال الخط ورسمه وعلم القراءه وکتابه القرآن .

۵- طبع و نشر القرآن الکریم بشکل مباشر وغیر مباشر.

۶- الإشراف الکامل علی طباعه القرآن الکریم.

وقد عمل هذا المرکز من سنه ۱۳۷۶ ه. ش [۱۹۹۷م) إلی سنه ۱۳۹۴ ه ش [۲۰۱۵م) وبمساعده ۷۱ ناشرا علی طبع ۲۵ ملیون مصحف. کما عمد المرکز الی طباعه کتاب نهج البلاغه، والصحیفه السجادیه ومفاتیح الجنان .

العلاقات الشعبیه

تعتبر المراسلات الشعبیه إحدی المواضیع التی مثلت هاجسا قرآنیا لسماحه آیه الله السید علی الخامنئی. وکان سماحته یجیب علی الکثیر من رسائل المواطنین، ومن جمله ما أجابهم علیه ما یلی:

« آنسوا أنفسکم مع العباده، ومع القرآن الکریم. »

«سررت للخبر السار الذی سمعته منکم أیها الطالب الجامعی العزیز، وأنت تحدث قلبک وذهنک بحفظ القرآن،»

«أدرکوا قدر حفظکم للقرآن»

«إجهدوا فی حفظ القرآن الکریم »

«واستأنسوا بالقرآن الکریم وتأملوا وتدبّروا فیه»

« عظموا نعمه الأنس بالقرآن»

اهداء المصحف الشر یف إلی عوائل الشهداء

من جمله النشاطات التی أهتم بها سماحته أثناء فتره رئاسته للجمهوریه واستمرت بعد تسلمه

المنصب القیاده إهداء المصحف الشریف الی عوائل الشهداء. وکان یدوّن بخط یده فی ذیل المصحف. ویقول:

«لقد دأبت انا العبد منذ سبع عشره سنه علی تدوین هذه الکتابه وإرسالها إلی أسر الشهداء ، وکنت أدون إسمی إلی جانب اسم الشهید وأناجی ربی: [ربا‌ء]«المجالسه مؤثره »(۱)

وکانت غالبیه المدونات التی یکتبها سماحته مرفقه بدعاء أو إرشاد ومن جملتها یمکن الإشاره الی عبارات من قبیل:

«وفقکم الله للأنس بالقرآن، إن شاء الله »

«استأنسوا بالقرآن العزیز وتدبّروا فیه»؟ (۲)

۱- ۱۹/ ۳/ ۱۹۹۹م

۲- من تهمیشه قرآنیه لسماحته قدمها الی أین الشهید صیاد شیرازی.

«أملى أن يسعدكم الله تحت ظلال القرآن، وأن تستقيموا فى طريق المثل القرآنيه».(۱)

اللقاء مع الشرائح القرآنيه

لاحظنا خلال السنوات التى تلت انتصار الثوره الإسلاميه المباركه نماذج أخرى من اهتمام سماحه الإمام الخامنتى بالقرآن الكريم وسنتناول فيما يلى بعض هذه الاهتمامات:

المسابقات الدوليه للقرآن الكريم

إن من أكثر النشاطات القرآنيه قيمه هى إقامه المسابقات الدوليه للقرآن الكريم بعد انتصار الثوره الإسلاميه وعلى أرض الجمهوريه الإسلاميه الإيرانيه، وهى المسابقات التى انطلقت فى أول دوره لها رو سنه ۱۴۰۲ هجرى قمرى ولا زالت تقام بمشاركه عشرات القراء والحفّاظ من جميع أنحاء العالم الإسلامى فى طهران وتشرف على إقامتها منظمه الأوقاف والأمور الخيريه الإيرانيه .

وقد مثلت خطابات سماحه آيه الله العظمى السيد على الخامنئى مدّ ظله منذ أول مسابقه أقيمت وإلى يومنا هذا سواء التى كان فيها رئيسا للجمهوريه أو فى زمن قيادته إحدى أفضل تحف هذا الحدث الكبير، كما ونالت أهميه كبيره لما فيها من توجيه للمجتمع الإسلامى نحو أهميه الأنس مع القرآن، وتبيين علاقه الثوره الإسلاميه فى إيران والقرآن الكريم، وتوعيه الأمه فيما يخص أبتعادها عن القرآن وضروره عوده الحكومات والشعوب إليه. ولعل الأهم من هذا هو إمكانيه أن تكون هذه الخطابات والإرشادات نافذه لتعميق وتعميم ثقافه القرآن الكريم الغنيه فى زماننا الحالى أوفى المستقبل.

۱- تهميشه على القرآن الذى أهداه آرميتا رضائى نجاد بمناسبه بلوغها السن الشرعى.

محافل الأنس مع القرآن الكريم

هناك جلسه أخرى يجتمع فيها سماحه آيه الله السيد الخامنئى مع شريحه القرآنيين، ويطلق عليها محفل الأنس مع القرآن، ويمثل لقائه هـذا أول لقاء يجمعه فى شـهر رمضان المبارك عاده مع محفل الأنس مع القرآن الكريم، وقـد تحدث سـماحته فى واحده من هذه المحافل قائلا: «نشكر الله الذى منحنا عمرا ووفقنا لنبدأ شهر رمضان المبارك بلقاء مع هذا المحفل النورانى... (۱)

وقـد دأب سـماحه آيه الله السـيد الخامنئى على حضور متواصل فى هـذه المحافل التى تسـتمر لعـده ساعات، يسـتمع خلالها إلى التلاوات التى تلقى ثم يختم حضوره وأهتمامه بهذا المحفل من خلال و كلمه قرآنيه بتحف بها الحضور.

ص: ۹۲

۱- ۳۰/ ۷/ ۲۰۱۴

مكانه القرآن الكريم فى فكر الأمام السيد على الخامنئى

اشاره

لقد كان همّ سماحه آيه الله العظمى السيد على الخامنئى إقامه حكومه صالحه فى المجتمعات الإنسانيه يتم التأسيس لها وتكوين قوامها عبر الاستنباط من القرآن الكريم وتفسيره .

«الخطوه الأولى هى حفظ القرآن الكريم. ينبغى أن نبقى الحفظ أولاً لذلك ينبغى على حافظ القرآن الكريم أن يتلو القرآن الكريم باستمرار، وإلاّ زالت عنه ملكه الحفظ، وفى مرحله أخرى ينبغى أن يودى الحفظ به الى التدبّر فى القرآن الكريم، وهو امر واقع، فالحفظ يساعد على التدبر حقّا. فما دامكم تكررون تلاوه القرآن، لأنكم من حفظته وتقرأونه ، ستسنح لكم الفرصه بالتدبر والتعمق فى آياته»

طبعا من الضرورى جدا الأنس بالتفاسير التى تبين مراد الآيه، فحين يمتزج الحفظ وهذا الأنس بالتفاسير مع التدبّر، سيحدث ما نرجوه لمجتمعنا: الانفتاح على القرآن. تصوروا كم هى قيمه الحاله التى نجد خلالها فى بلدنا عشره ملايين، أو خمسه عشر مليون شخصاً، رجالاً ونساءً من استرشدوا بمعارف القرآن الكريم وتعرفوا عليه، فأودعوا فى أذهانهم دروس القرآن ونصائحه و إنذاره وبشاراته ، وكرروها، وتاجوا بها قلوبهم، فهكذا أمه ستكون لا شكّ أمه صُلبه. ولحسن الحظ فإن أرضيه هذا الأمر جاهزه، فعزم وإراده أمتنا عزم صُلب اليوم. لكن الإعداد القرآن للمجتمع هذا لا يتحقق الا بهذا

ص: ٩٣

الشکل ونحن نأمل أن يحدث هذا بمشيئه الله .(۱)

وقد أشار سماحته فی کتاب «طرح کلّی» إلی هذا قائلا

« اليوم هو اليوم الذی ينبغی أن نعود فيه الی القرآن الکريم. وشرط العوده الأول أن نفهم القرآن الکريم ... فهل تيقّن أولئک الذين أسسوا طرقا ومناهج ومسالک للناس وأقترحوها لهم ! إن هذه الطرق کانت طرقا صحيحه؟ ... إنهم غير متيقنين بذلک« وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ » ، إنهم يريدون إداره العالم، والمجتمعات البشريه من خلال نظريات تخمينيه ، وظنيه وتصورات وفرضيّات، لکن الله تعالی لا يدير حياه أحدٍ بنظريات، بل حسب حقيقه وواقع، ووفق علم بمعناه الواقعی، إنه يرشد الناس إلی الطريق القويم «إِنَّ رَبَّکَ هُوَ أَعْلَمُ مَنْ يَضِلُّ عَنْ سَبِيلِهِ »،(۲) « وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ »(۳)

وفی سنه ۱۳۷۰ه ش [(۱۹۹۱م) وفی لقاء جمع سماحته مع قرّاء القرآن الکريم أشار إلی ضروره وأهميه الاهتمام بالقرآن فی المجتمع قائلًا:

«...أعتقد أن القرآن أصل فی المجتمع، علی أمه حزب الله أن تتعرف شيئاً فشيئاً علی القرآن ، وذلک حين تستمع اليکم الناس بشکل مباشر حين ترتقون المنبر وتتلون آيات الله بحيث تنهمر دموع الناس حين استماعهم لتلاوتکم، هذا ما آمله متکم .»(۴)

۱- ۲/ ۸/ ۲۰۱۱

۲- سوره الأنعام، الآيه ۱۱۷ - ۱۱۸.

۳- الأطروحه العامه للفکر الإسلامی فی القرآن، الجلسه الحاديه عشره

۴- فی لقاء جمعه مع القراء ۱۱ / ۴/ ۱۹۹۱م

وفی سنه ۱۳۸۸ ه ش (۲۰۰۹ م)، وفی لقاء جمعه مع السیدات الباحثات القرآنیات أشار إلی ضروره أن تکون خصائص وسلوک مسؤولی النظام متوافقه مع الدین وهو تجسید للعمل بالقرآن:

لا ـ ینبغی أن ننصهر فی القرآن الکریم. فالمفاهیم القرآنیه لیست مجرد معلومات بل هی مفاهیم من أجل الحیاه ... إن نظام الجمهوریه الإسلامیه نظام قائم وفق محوریه الدین، وإن من أهم نماذجه العمل بالقرآن الکریم، أمر أمنته لنا ثورتنا. فإیجاد نظام یستند إلی الدین تکون أهداف المسؤولین فیه وخصوصیاتهم وأدائهم وارتباطهم مع الناس وأدائهم للناس منقومه علی الدین– أی وفق أسس دینیه وأسس إسلامیّه – إن هذا یمثل أکبر نموذج من نماذج العمل بالقرآن، ... ینبغی أن تؤدی الأعمال الأساسیه ، وذلک لتتحول المحتویات قرآنیه بما للکلمه من معنی، سلوکنا الفردی سلوکنا الإداری، سلوکنا المؤسساتی ، سلوکنا فی التربیه والتعلیم– أی مؤسسه التربیه والتعلیم التی تتضمن الجامعات ومراکز البحوث، والحوزات [العلمیه] وجمیع الکیانات –وهکذا سلوکنا فی داخل أسرنا، وسلوکنا السیاسی، وسلوکنا الدولی، ینبغی أن یکون قائماً علی أساس الإسلام. لکن متی سیتحقق کل هذا؟ سیتحقق حین نتعرف بشکل صحیح علی مفاهیم القرآن الکریم »(۱)

وأشار سماحه آیه الله الخامنئی إلی المدارس الاجتماعیه وأنها لا یمکن أن تلبی احتیاجات البشریه، وأن القرآن الکریم هو الذی یدل علی الطریق القویم وذلک فی مراسم اختتام المسابقات القرآنیه سنه ۱۳۷۹ ه ش (۲۰۰۰م) قائلا:

«لقد عجزت المدارس الفلسفیه والمعرفیه العالمیه عن ادراک واقع البشریه ! صدقونی، فالمدارس

۱– من حدیث له فی مجموعه من السیدات الباحثات فی الشأن القرآنی، ۲۰ / ۱۰/ ۲۰۰۹م

الاجتماعیه فی عالمنا المعاصر عاجزه عن أن تـدرک واقع الإنسان أو أن تجد طریقا لخلاصه . فالمارکسیه تلک انکسرت ثم انهارت، فیما تلاقی المدارس الغربیه المشکله نفسها. ولعل سبب عجزهم هو فقدان السعاده رغم کل ما توفر لهم من علم ومال وقوه عسکریه ، إنهم یفتقدون إلی الهناء المعنوی، لقد کانت نسختهم نسخه بائسه ، إنها نسخه منکسره، لکن القرآن والدین الإسلامی یمنح الإنسان العلم والرفاه والعزه والسکینه، لکن القرآن والدین الاسلامی یمنح الإنسان العلم والرفاه والعزه ، ««هُوَ الَّذِی أَنْزَلَ السَّکِینَهَ فِی قُلُوبِ الْمُؤْمِنِینَ لِیَزْدَادُوا إِیمَانًا مَعَ إِیمَانِهِمْ»؛ «« فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَکِینَتَهُ عَلَی رَسُولِهِ وَعَلَی الْمُؤْمِنِینَ وَأَلْزَمَهُمْ کَلِمَهَ التَّقْوَی » ففضلا عن اللذه الدنیویه ، والرفاه المادی والقدره العلمیه یمنحهم السکینه والطمأنینه. وقد جرب هذا تاریخیا والیوم یمکن تجربته ، ففی إیران تحرکنا خطوه قصیره فی هذا الإطار، وقد شاهدنا آثارها و برکاتها، فکلما نسیرالی الأمام ستزداد هذه الخطوه ! إن السبیل إلی علاج الأمه الاسلامیه تکمن فی هذا الواقع، فمقدمه وطریق تحقق هذا یکمن فی القرآن الکریم »(۱)

واعتبر سماحته فی لقاء مع قرّآء القرآن الکریم سنه ۱۳۸۸ هش [۲۰۰۹ م) أن علاج ما تشکوا منه الأمه الإسلامیه من وهن وضعف هو آیات القرآن الکریم:

أعزائی ! اعلموا أن العالم الاسلامی بحاجه إلی القرآن الکریم. حیث نجد أن بلسم ما تشکوا منه الأمه الإسلامیه من وهن وضعف یتأتی من خلال مضامین آیات من سوره آل عمران والبقره والأنبیاء والأحزاب. فهذه الأمور هی من تعمّق وترسخ إیمان الإنسان وتضیء معرفته وتجعلها

۱- الکلمه الختامیه لمسابقات حفظ وتلاوه القرآن الکریم ۲۹ / ۲۰۰۰م

معرفه واعیه، إنها تأخذ بقوی الإنسان الحیویه نحو المیدان وتستثمرها بشکل فاعل. وفی مثل هذا الواقع یتطور مجتمع یمتاز بمثل هذه الخصائص ویزداد صلابه، وإذا ما قویت روح مجتمع فلن یکون باستطاعه عدو أن یفرض علیه إرادته أو یقهره... ولا فرق فی هذا بین العدو الخارجی والعدو الداخلی (کالکسل والهوان والعجز) فقد ورد فی روایه : «و رجل قرأ القرآن فوضع دواء القرآن علی داء قلبه ، وذلک لأنه تلی القرآن لا لیبلغ مکانه ما أو لیحصل علی عمل ما، بل یقرأه لیجد فیه الشفاء الأصیل لجمیع أمراضه.

النتهل من القران الکریم فنجعله دواءً لسقم نفوسنا ووجودنا وبواطننا، ولنشفی بالقرآن أوجاعنا تلک. إن هذا بحاجه إلی أن یکون الواقع واقعا قرآنیا.(۱)

ساهمت هکذا رؤیه حول القرآن الکریم فی أن یستند سماحه آیه الله الخامنئی بعد قیادنه وفی کثیر من کلماته وخطاباته إلی آیات القرآن الکریم، لیظهر أن المسیره المختاره لتطویر الثوره الإسلامیه یستند إلی القرآن الکریم والروایات. کما نجد تطبیقا للقضیه المذکوره فی باقی مباحث منظومه الإمام الخامنئی الفکریه ، حیث یمکن أن نستنتج تطبیقا لأفکار سماحته مع القرآن الکریم. ولعل الخوض فیه یحتاج تفصیلا کبیرا وهو ما لا یتحمله موضوعنا هذا.

وفیما یلی نورد مذاکرات لأحد أصدقاء سماحه القائد والمقربین منه والتی تحدث فیها ببیان مختلف تأییداً لما ذکرنا.

۱- من من کلمه له بحضور قراء القرآن الکره ۲۲ / ۱۰ / ۲۰۰۳

حسن الختام مرور على بعض الخواطر القرآنيه

اشاره

يعدّ الأستاذ الحاج السيّد مرتضى سادات فاطمى، خادم، وحافظ و قارئ من كبار القراء، ولا شك أن الأغلب الأعم منا قد سمع صوته يصدح بتلاوه القرآن الكريم، أو الأذان من خلال منابر مختلفه

من قبيل الاذاعه والتلفزيون أو المذياع أو مناره المسجد المقدس المعروف ب «كوهرشاد»، وقد تحدث فى بعض مذكراته التى عاشها مع سماحه القائد والتى سنتحدث عنها فيما يأتى، والخواطر تمثل واقعا ملفتاً ودقيقا يمثل نموذجا للعظمه العلميه والمعنويه التى يمتاز بها سماحه القائد المعظم حفظه الله.

أمنيه «أنس المجتمع مع القرآن»

وفى إشاره إلى الاستشعارات القرآنيه التى تراود سماحه الإمام الخامنئى (مدّ ظله العالى) بقول السيد سادات فاطمى : لم أعهد خطايا واحدا لسماحه قائد الثوره الإسلاميه لم يشر فيه إلى القرآن الكريم ، فحتى حين يخطب فى فئات غير قرانيه لا يدع كلامه خاليا من الإشارات القرآنيه. وقد أخبرنى يوما قائلا: أمنيتى أن تبلغ حاله الأنس بالقرآن الكريم وفهمه بين أبناء شعبنا بحيث تغص المساجد

ص: ٩٨

بالمنصتين إلى القرآن الكريم كما تغضّ بالحضور حين يرتقى المنبر خطيب.

وفى إشاره إلى حثّ سماحه السيد القائد على تلاوه القرآن الكريم أضاف السيد سادات فاطمى: لقد كنا نقيم جلسات قرآنيه فى مدينه مشهد بحضور سماحه آيه الله السيد الخامنئى، ولهذا كان يطلق على مشهد عنوان قاعده قراء القرآن، وقد أوصانى سماحته أن أتلو مقلداً القارئ الأستاذ مصطفى اسماعيل فضلا عن تقليد تلاوه أساتذه من قبيل «المنشاوى» و «على البناء» و «عبد الباسط ».

وكان سماحته يؤكد دائما على ضروره أن يتلو قارئ مميز ومشهور القرآن الكريم بعد جلساته التفسيريه وخطاباته، وهذا بحدّ ذاته دليل على مدى الأهميه التى يوليها سماحه آيه الله الخامنئى للنشاطات القرآنيه .

التخصص فى جميع الفنون القرآنيه

قبل مجى الأستاذ شحات أنور إلى إيران كان سماحه السيد قد تحدث فى جمع قائلا: إن الشحات موسيقار كبير، هذا بالرغم من أن سماحته لم يلتقى الشحات فيما قبل، لكنه كان يستمع لمقاطع من تلاواته تم تسجيلها على أشرطه التسجيل. وحين زار الشحات إيران لأول مره تحدث فى لقاء مع الإعلاميين عن سنتين من الدراسه التخصصيه للموسيقى والأنغام. فيما علم السيد الخامنئى هذا من سماع محض لتلاوته، وهذا يدل على تخصص وخيرويّه سماحه الإمام الخامنئى فى جميع الفنون القرآنيه .

معرفته بالكثير من القراء واقتناء أشرطه تسجيل لتلاواتهم

لقد بدأت إذاعه القرآن الكريم بثها بأمر من سماحه القائد، وقد أخبرنى مسؤول إذاعه القرآن

الكريم قائلا: لقد ذهبنا يوما عند سماحه السيد [الخامنئى] فسألنى قائلا لماذا لا تبثون تسجيلات ل «كامل يوسف»؟! وكان عجيبا بالنسبه لى معرفه السيد بكامل يوسف! فقلت له: وأين أنت من معرفته بهذا؟ إن سماحته يعرف الكثير من القرّاء قبل انتصار الثوره الإسلاميه وكان يقتنى تسجيلاتهم.

لقد كنت من أوائل من قرأ بالطريقه الجديده أو المعروفه بالطريقه المصريه فلو كان هناك عشره فى إيران يجيدون الطريقه المصريه كنت أنا أحدهم، لكنى لم أكن أعرف القارئ مصطفى إسماعيل؟ حتى التقيت يوما سماحه السيد فقال لى: من المؤسف أنّك لا تقرأ بطريقه مصطفى اسماعيل؟ ثم قدم فى مجموعه من تسجيلاته ، ومن هنا تعرفت على الاستاذ مصطفى إسماعيل. وللتاريخ أقول: إن سماحه السيد خبير فى جميع المسائل.

الدقه فى القراءه وتذكير بأخطاء بعض القرآء

كنا يوما فى محفل قرآنى بحضور سماحه القائد المفدى، وكان السيد سعيديان وهو قارئ معروف يتلو آيات من الذكر الحكيم، وكان من المتعارف بيننا أن القارئ ما أن يتم تلاوته حتى يذهب فى خدمه سماحه السيد القائد ويكون بينهم تبادل للكلام. وحين ذهب السيد سعيديان عند سماحته خاطبه قائلا: لقد تجاوزت وقفا لازما (ميم لازم)! وحين ختمت الجلسه قال لى السيد سعيديان: « أتصور أن سماحه السيد قد أخطأ، لأنى كنت حذرا جدا كى لا أقع فى الخطأ، فأجبته «ليس من الممكن أن يقع السيد فى الخطأ! فهل معك مصحف؟ » فأخرج مصحفاً صغيرا كان يحمله معه ورجع الى الآيات التى كان يتلوها فوجدنا أن الإشكال الذى أورده سماحته كان إشكالا صحيحاً. نعم، لقد دقق السيد الخامنئى بشكل ملفت فى قراءه السيد سعيديان ومن ثم ذكرّه بخطئه.

ص: ۱۰۰

المصادر :

کتاب «شرح أسم»، ترجمه حیاه آیه الله السیّد علی الخامنئی؛ بهبودی، هدایت الله ؟ [إصدار] مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی.

کتاب از نیمه خرداد (من منتصف خرداد)، طرحی از اندیشه و رهبری حضرت آیت الله خامنه ی [نموذج من فکر وقیاده سماحه آیه الله السید الخامنئی] ؛ غفّاری، مصطفی؛ [إصدار]نهضت نرم افزاری ، التابعه ل انتشارات انقلاب اسلامی.

کتاب طرح کلّی اندیشه اسلامی در قرآن (مشروع الفکر الإسلامی فی القرآن)؛ انتشارات صهباء.

مقاله نظام سازی در نگاه تفسیری آیت الله خامنه ای مدّظله [صناعه الأنظمه من منظار تفسیری لآیه الله الخامنئی] ؛ تألیف عینی زاده، مؤدب؛ دوفصلنامه علمی پژوهشی [فصلینیه العلمیه والبحثیه] مطالعات قرآن و حدیث، السیه الحادیه عشره ، العدد الأوّل، خریف وشتاء سنه ۱۳۹۶ ه ش ، پیاپی ۲۱، ص ۱۵۳ - ۱۷۵ .

مقاله بررسی روش و گرایش تفسیری مقام معظّم رهبری [بحث فی منهجیه ورأی سماحه القائد فی مجال التفسیر]؛ علوی مهر، مروجی طبسی؛ پژوهشنامه (مرکز بحوث العلوم و معارف القرآن الکریم، شتاء سنه ۱۳۸۹ – العدد۹ و من ص ۴۵ والی ۹۲ رساله جامعیه تحت عنوان « بررسی روش تفسیری آیت الله العظمی سید علی خامنه ای [المنهجیه التفسیریه لسماحه آیه الله العظمی السید علی الخامنتی]؛ خواجه، زهراء جامعه علوم و معارف القرآن الکریم ، جامعه العلوم قرآنیه قم؛ شهریور ۱۳۹۴

References

Books

Sharh Ism – A Biography of Sayyid Ali Khamenei, Behbudi, Hidayatallah, Muassesah Mutali’at wa Pajuhish ha Siyasi.

Az Nime Khordad – Tarhi az Andishe wa Rahbari Hazrat Ayatollah Sayyid Ali Khamenei, Ghaffari, Musthapha, Nahzat Naram Afzari affliated to Inqilab Islami Publica- tions.

Tarh Kulli Andishe ye Islami dar Qur’an, Sahba Publica- tions.

Articles

Nizamsazi dar Nighah Tafsiri Ayatollah Khamenei, Ayni- Zadeh, Muaddab, Bi-annual academic journal “Mutali’at Qur’an and Hadith”, year ١١, vol. ١, Autumn/Winter ٢٠١٧, pgs. ١٥٣-١٧٥.

Barrasi Ravish wa Girayish Tafsiri Maqam Mu’azam Rahbari, Alawi-Mehr, Murawwaji Tabasi, Research Journal Ulum wa Ma’rif Qur’an Karim, Winter ٢٠٠٩, vol. ٩, pgs. ۴۵-٩٢.

Dissertations

Barrasi Ravish Tafsiri Ayatollah al-Uzma Sayyid Ali Khamenei, Khawajah, Zehra, Danishghah Ulum wa Ma’rif Qur’an Karim, Danis

.him. Sayyid Khamenei is truly well-informed in most issues

Concentration on the Recital and Correcting the Mistakes of the Reciter

I was present with Ayatollah Khamenei during one Qur’an recital circle when Mr. Saidiyan, a well-known reciter, recited a couple of

verses. So when Mr. Saidiyan went to see Sayyid, as it is custom- ary that after the ,recitation the reciter greets him, he said to him

You missed a particular pause in your recitation!” After the circle, Mr. Saidiyan told” me, “I think the Sayyid may have made a mis- ۶۵ take, I was very thorough in my recitation and find it very hard to believe that I made a mistake.” I said to him, “It is not possible for

the Sayyid to make a mistake, do you have a Holy Qur’an on you?” He brought out his pocket Holy Qur’an and opened it on the recited

verses; we saw that Sayyid Khamenei was correct and that he had analyzed the recitation of Mr. Saidiyan very accurately and pointed

.out his mistake



After arriving in Iran for the first time, Shahat said in an interview that he had studied melody and music specifically for two years. Just from listening to him Sayyid Khamenei was able to understand this issue. This indicates that he has proficiency .and expertise in all of the Qur'anic skills

Being familiar with most of the Reciters and having their Re- cordings

Radio Qur'an was established by Ayatollah Khamenei and man- ۶۴ ager of the station one day said to me, 'Once when I went to visit

Sayyid and he said to me, "Why do you not broadcast the record- ings of Kamal Yusuf?" This caught me by surprise as I wondered

from where he heard about Kamal Yusuf?' I i.e. Saadat Fatimi said to him, "Don't be surprised my dear friend! Even before the victory

of the Islamic revolution he was familiar with many of the Qur'an reciters and owned their recitation recordings."' 'I was one of the first people before the revolution who -would re

cite in the new, Egyptian way. If only ten people knew the Egyptian method, I was one of them. However, I was not aware of Musthapha Ismael. Until one day Sayyid said to me, "Is it not unfortunate that you do not read like Musthapha Ismael?" He then gave me the au- dios of this reciter and it was from then that I became familiar with

interested in the Holy Qur'an, he would make numerous references. He even once said to me, "One of my wishes is that our people get

so attached to the Holy Qur'an and understand it so well that they fill the masjids in order to listen to the recitation of a Qur'an reciter

the same they fill it when an orator delivers a speech for them."' In explaining how -Sayyid Khamenei always emphasized the na

ture of recitation said, 'Before the victory of the Islamic Revolution, Qur'an recital circles were held in Mashhad in his presence and it

was because of this that Mashhad became known as the capital of Qur'an reciters. He -advised me that in addition to using the recita

tions of teachers such as Minshawi, Ali al-Banai and Abdul Basit, the recitation of ۶۳ ,Musthapha Ismael should also be used and followed.' Saadat Fatimi then added

In his speeches and commentary classes in Mashhad, the Su- preme Leader would' always have a good Qur'an reciter recite before his classes and speeches. This shows '.the importance that he gave to Qur'anic activities

Expertise in all Qur'anic Fields

Before Shahat Anwar arrived in Iran, Sayyid Khamenei said in a gathering that he was a remarkable musician, even though he had never met him and only knew of him from .his audio recordings



A Good Ending: Quoting a few Qur'anic Accounts as narrated by Saadat Fatimi

Point

Hajj Sayyid Murtadha Saadat Fatimi, the great teacher, servant,۶۲ memorizer and renowned reciter of the Holy Qur'an is someone

whose Azan and Qur'an recitation in one way or another has reached the ears of nearly everyone; be it via the radio or television, or the minarets of the Ghoharshad Masjid. What follows are brief accounts of his with Sayyid Khamenei, as every one of them contain subtle

and precise points which enhance the spiritual and intellectual posi- tion of the .Supreme Leader

The Wish for the Society's Affinity with the Holy Qur'an

While indicating the Qur'anic zeal of Sayyid Khamenei, Saadat Fatimi recalls, 'I do not -know of any speech in which he failed to re

fer to the Holy Qur'an, even when speaking to people who were not



Quranic Leader order to find the proper solution from it. Place the ointment of

the Holy Qur’an upon the ailments of your soul, existence and being and by it cure yourselves. This notion requires that the environment becomes a Qur’anic one.’(١)
The existence of this outlook concerning the Holy Qur’an in the

thought of Ayatollah Khamenei resulted in him referring to the vers- es of the Holy Qur’an in many of his statements after becoming the

Supreme Leader. This is a clear sign that the path chosen by him to progress the Islamic revolution is one identified by the Holy Qur’an

and Prophetic tradition. ۶١ Instances can also be found where his entire thought process can

be conformed to that of the Holy Qur’an; however, that is a very de- tailed discussion that is beyond the scope of the present discussion. In the next section, accounts of one of his close associates and friends are narrated. They aim to serve as a confirmation of what

.has been mentioned previously

١- ٢٣/١٠/٢٠٠٣, statement in a meeting with Qur’an reciters

we move forward the more we will acquire. Today the cure for the Islamic nations is this; the start and straight path is the

Holy Qur’an.’(١) In a meeting with reciters of the Holy Qur’an in ٢٠٠٣, he again

stressed on the Holy Qur’an being the solution for the hardships and weaknesses of the Muslim World and said, ’My dears! Know that today the Islamic World is in need of the

Holy Qur’an. The verses of Surah Ale al-Imran, Surah Baqa- rah, Surah Anbiyah and Surah Ahzab contain solutions to the problems that are currently being faced in the Muslim world

and it is this that makes the belief of an individual firm and strong; enlightens his ۶۰ knowledge and foresight; brings his life

force into the arena and uses it. It is at that time that the so- ciety, with the above characteristics, moves forward and also

gains motivation. When the will of the society becomes strong, no enemy can force themselves on it; not external ones or in-

ternal ones such as lethargy, laziness and idleness. We have in a tradition that the one who recites the Holy Qur’an places the

cure of the Holy Qur’an upon the ailment of his heart, for it is in this way that we do not only recite the Holy Qur’an in order to achieve fame or to pass the time, but rather to read it in

---

١- speech at the closing ceremony of the International Qur’an Com- petition ,٣٠/١٠/٢٠٠٠

Today philosophical and intellectual schools of thought of the world have stagnated' , in dealing with humanity. Believe me that the social theories of this world are null when it

comes to dealing with man and will never find solutions. Was it not Marxism that was defeated and destroyed? The western

theories will meet the same end. The reason for their stagna- tion is that even though in the West they have information, money and a powerful system, they do not have ,prosperity

tranquility and peace of mind and heart. So their prescrip- tion is an invalid prescription; a damaged one. However, the ۵۹

Qur'an and the religion of Islam gives people knowledge, sustenance, honor and tranquility. "It is He who sends down tranquility into the hearts of the faithful that they -may en

hance their faith;'(۱)'"Allah sent down his tranquility upon His

Prophet and upon the faithful and made them abide by the word of Godwariness.'(۲) In addition to the pleasures of this world, physical wealth and power of knowledge, Islam also provides tranquility and peace that has been experienced dur- ing the course of history. It can also be experienced now. In the Islamic Republic of Iran we -have taken a small step to

wards this; its effects and bounties can be seen and the more

---

۱- ۴۸:۴

۲- ۴۸:۲۶

of this revolution. Creating a system which is based on reli- gion and in which the identity, goals, characteristics, actions and interactions - with the people – of the officials are based

on religion is one of the greatest anifestations of acting on the Holy Qur’an. We should engage in Qur’anic construction and we should carry out the main tasks in this framework so

that our build up will be Qur’anic in the real sense of the word and so that our individual, managerial, organizational, political

and international behavior and our behavior in the educational system - including universities, research centers, Islamic sem- ٥٨

inaries and all other educational centers - and inside the fam- ily will be based on Islam. When will this be achieved? It will

be achieved when we become familiar with Qur’anic concepts in a correct way. This is something that can be achieved with

this great Qur’anic movement - whether launched by women or men. This is the direction which Qur’anic research should

move towards.’(١) During the closing ceremony of the International Qur’an Competi- tion in ٢٠٠٠, Sayyid Khamenei stressed that the social theories of

the World were not the solution for people’s needs and that rather it is the Holy Qur’an which shows the correct path,



ص: ١١١

١- ٢٠/١٠/٢٠٠٩

(who stray from His way, “and, ”He knows best those who are guided.’ (۱). (۲

In ۱۹۹۱, in a meeting with Qur’an reciters, he stressed upon the need for the society to ,give importance to the Holy Qur’an, he said

I am of the opinion that the Holy Qur’an must be the core of societies. A divine‘ community must eventually become con- versant in the Holy Qur’an in such a way that when they hear

the recitation of it from you they understand it immediately. You must be able to climb atop the pulpit in a gathering and people must shed tears when you recite the verses of the Holy

Qur’an; this is what we want.’(۳) ۵۷

In a meeting with female Qur’an researchers in ۲۰۰۹, he indi- cated that the officials of -the system must make their goals, char

acteristics and decisions based on religion, which the very essence of acting of the Holy Qur’an, ‘The society must become molded with the Holy Qur’an, its concepts are not merely information but are concepts for daily

life. The system of the Islamic Republic is a religious system of which one of its -greatest pillars is the practical implementa

tion of the Holy Qur’an, which has ensured the safeguarding

۱- ۶:۱۱۷

۲- Tarh Kulli Andishe ye Islami, Lecture Eleven

۳- ۱۱/۰۴/۱۹۹۱, in a meeting with Qur’an reciters

this is what is wanted and expected from our societies; it is then that the ”Blossoming of the Holy Qur’an” occurs. Imag- ine if in our country we had ۱۰ million, ۱۵ million people, men

and women, who were competent in the knowledge of the Holy Qur’an, how great that would be! They will always have the teachings and advices of the Holy Qur’an -constantly fol

lowing through their hearts and minds; this will create a firm nation. Fortunately, the potential for this exists. Today the will and resolution of our nation is for this strength and it is in this

way that that Qur’anic society will come into existence and we ۵۶ hope, God-willing, that this is the case.’ (۱) He then mentions in the book Tarh Kulli: ‘It is essential that today we refer to the Holy Qur’an. The first

condition of this, however, is that we must understand it. Do we have certainty that those ways, means and methods that have produced and recommended for the lives of people are

the correct ones? We do not, ”and they do nothing but sur- mise.” They wish to manage the livelihood of the people and the society with estimates, theories and hypotheses. However, Allah (swt) manages the affairs without anyone’s theory; he guides people to the right course with a divine text, with true

and real knowledge, ”Indeed your Lord knows best those



۱- ۲۰۱۱/۰۸/۰۲

Point

Ayatollah Khamenei was always focused on the establishment of Islamic societies whose complete structure was founded on the

teachings of the Holy Qur’an. ۵۵

The first step is to protect the Holy Qur’an; firstly the Holy Qur’an must be protected,‘ therefore a protector of the Holy

Qur’an must be one who recites it continuously, otherwise this

protection of it will be lost. Secondly, this protection of it must lead one to pondering upon the Holy Qur’an, as in reality this

is the case. In that manner that you repeatedly recite and repeat from memory the verses of the Holy Qur’an grants you an opportunity to think and concentrate on it.’ ‘However, an attachment to the relevant commentaries that

have been written on a particular verse is also very necessary. When the Holy Qur’an is protected and an attachment is also

,gained with its commentaries, in addition to concentration

We thank Allah (swt) for giving us the opportunity and privi- lege to begin the Month‘ of Ramadhan of this year with this blessed Qur’an circle.’(۱) Ayatollah Khamenei was ,present in this gathering for a few hours

listening to the recitations of the Holy Qur’an and then at the end he delivered a speech on the topic of the Holy Qur’an and in this way

it shows the importance he gives to these gatherings and circles. ۵۴

۱- Statement at the Qur’an Circle ۲۹/۰۶/۲۰۱۴

since ۱۹۸۱ and is hosted by the Awqaf and Welfare Organization of Iran in Tehran. It is attended by many reciters and memorizers of

.the Holy Qur’an from all around the World

From its very onset this competition, Sayyid Khamenei, be it in the capacity as president or even as the Supreme Leader, has made

use of this great opportunity to deliver statements in order to at- tract the society towards the importance of gaining affinity with the Holy Qur’an and to elaborate on the link between the Holy Qur’an and the Islamic Revolution. He has brought to the fore the distance of the Islamic world from the Holy Qur’an and the necessity of Mus-

۵۳

lim nations and communities to return to the teachings of this divine book as well as giving advice to Qur’anic institutes. Of more importance is that this guidance can, now and in the fu- ture, be very influential in opening up ways to expand and establish

.the rich culture of the Holy Qur’an

Quran Circles

The second meeting of Sayyid Khamenei with the Qur’anic So- ciety was this very Qur’an circle which followed on from the first

one which was always held during the Month of Ramadhan. At the beginning of one of these circles, he made reference to the follow-

,ing point

I say to Allah (swt), "What beautiful company." (1) Usually his note was accompanied with a supplication or some

:advice, below are a couple of examples

May Allah (swt) bless you with affinity towards the Holy Qur'an' 'Gain an attachment' (to the Holy Qur'an and ponder upon it'(2

It is hoped that within the rays of the Holy Qur'an, you will'

(find success and may you remain firm upon its ideals.'(3

Visitation of Qur'anic Institutes

Throughout the years following the victory of the Islamic revolu- tion, other facets ٥٢ :of his attention to the Holy Qur'an have come to the fore of which are as follows

International Qur'an Competitions

One of the most praiseworthy Qur'anic activities that occurs in the Islamic Republic of Iran is the organizing and holding of an

international Qur'an competition. This competition has been held

---

۱- ۱۷/۰۵/۱۹۹۹

۲- The note written in the Holy Qur'an given to the child of Martyr Sayyad Shirazi

۳- The note written in the Holy Qur'an gifted to Armita Rida Nejad at her coming of age ceremony

.Nahj al-Balagha, Sahifah al-Sajjadiyyah and Mafatih al-Jinan

Public Relations

The correspondence of the people is another instance where the zeal of Sayyid Khamenei can be seen. In replying to letters, some of the advices that he has given :are as follows

Acquaint yourself with acts of worship and the Holy Qur'an.' 'My dear students! Your' memorization of the Holy Qur'an has

made me very happy.' 'Know the true value of memorizing the Holy Qur'an.' ۵۱ 'Put effort into memorizing the Holy Qur'an.' 'Acquaint yourself with the Holy Qur'an and '.ponder upon it

'.Count the affinity with the Holy Qur'an as a great blessing'

Gifting Qur'ans to the Families of the Martyrs

One of the activities of Sayyid Khamenei during his presidency was gifting copies of the Qur'ans to the families of the martyrs. This activity continued even after him becoming the Supreme Leader. At the end of the gifted Qur'ans, he would write a ,note saying

I have been writing in Qur'ans like this for nearly seventeen years and taking them to' the homes of the martyrs. With the hope of writing my name next to the name of the martyr and

tended to until ۱۹۹۳, by order of Sayyid Khamenei, a board of trust- ees for the project of acquiring a Qur’an for the Islamic Republic of

:Iran was formed with the following goals

In ۱۹۹۱, in a meeting with members of the Dar al-Qur’an Karim Organization, he mentioned the importance of having a correct

script for the Holy Qur’an. However, this subject remained unat- tended to until ۱۹۹۳, -by order of Sayyid Khamenei, a board of trust

ees for the project of acquiring a Qur’an for the Islamic Republic of Iran was formed with the following goals: ۱. The printing and publishing of a Qur’an specifically for the Islamic ۵۰ Republic of Iran that in addition to its correctness should also possess defining qualities ۲. Compiling the fundamentals for a correct script ۳. Presenting a prototype to be followed in future publications of the

Holy Qur’an and to prevent the existent common mistakes from occurring

Constantly reading and researching in the fields of script, script technique, science .۴ of recitation and writing of the Holy Qur’an

Directly and indirectly publishing and distributing the Holy Qur’an ۶. Completely .۵ overseeing all publications of the Holy Qur’an

This institute, from ۱۹۹۷ up until ۲۰۱۵, in partnership with ۷۱ publishers, has printed .over ۲۵ million copies of the Holy Qur’an

Furthermore, this institute is also responsible for the printing of

of Iran Broadcasting Corp., it was decided that a council be formed to take responsibility for the policy-making, overseeing, guidance

and advancement of programs related to the Holy Qur’an, Azan, supplications and .religious melodies

Establishing the Center for the Publication and Distribution of the Holy Qur’an of the Islamic Republic of Iran

One of the pressing needs of the Islamic Republic after the victory of the Islamic revolution and in order to expand the culture of the Holy Qur’an was to create a means for the publication of Qur’ans ۴۹ with correct script and diacritics. The first step in promoting the

culture of the Qur’an was to publish and make it available. During the era of the oppressive regime, Qur’ans from Mumbai were used

in the public schools, due to the certainty in their correctness. In his biography titled Sharh Ism, Sayyid Khamenei says the following

regarding that era, ‘It can be said that the Qur’ans which came from India were one of the most correct. Qur’ans from India and Egypt

were correct. In contrast, the Qur’ans that were published in Iran were very ’.erroneous

In ۱۹۹۱, in a meeting with members of the Dar al-Qur’an Karim Organization, he mentioned the importance of having a correct script for the Holy Qur’an. However, -this subject remained unat

the responsibility of the reciters, teachers and the likes of you. The coming together of them all, their planning, becoming negligent of

one of them etc. is all the work of a central structure of which, in my opinion, Radio (Qur'an is one of these important activities that must be established.'(١)

Forming the Supreme Council of the Holy Qur'an

Until ١٩٩١, the recitations of the Azan and other religious re- cordings which were broadcasted were chosen by the personnel of

the relevant broadcasting station. This led to weak and unworthy recitations being ۴٨ broadcasted at times by the personnel, this was

due to the lack of experience and knowledge about this subject.. After receiving reports on the then unorganized conditions, Sayyid

Khamenei issued an order on the ٨th of October ١٩٩١ for the for- mation of a council to oversee to recitations and recordings. This

council was given the name, 'The Supreme Council for the Holy Qur'an' (Shura A'li Qur'an). Some of the reasons why he formed

this council are as follows, 'By paying attention to the importance of the Holy Qur'an, the positive effect it has on the Islamic society and

then with the necessity to broadcast correct and enjoyable Qur'anic recitations and other religious recordings from the Islamic Republic

---

١- (Meeting with officials from Radio Qur'an (٣١/٠١/١٩٨٥

of a Qur’anic radio station which could be accessed by the general public throughout the country was a great step towards promoting

.Qur’anic culture amongst the society

When he met the manager and workers of this station, he stressed upon the importance of focusing on the Holy Qur’an and said, ‘You

must know that the Radio Qur’an is not merely a Qur’an program, but a Qur’an Radio. There is a difference between a program on the

radio and Qur’anic radio. You must accept the difference between the two and you must not make the mistake of thinking that they

are one and the same; even though it is good for it to be a Qur’an ۴۷ program, it is good for a person to listen to the Qur’an for ten min-

utes in the morning or to play the Qur’an for fifteen minutes, how- ever, this is not what is intended.’ ‘In order to work with the Holy Qur’an, a special effort is needed

from us in all areas and I have spoken to some of my colleagues a while back in this regard, that at least let us establish one Qur’anic

institute, a committee or an organization in the country that will focus on the teachings of the Holy Qur’an that, God-willing, if the

brothers put in the effort in order that this can be set in motion. We need this, maybe we need tens of activities related to the Holy

Qur’an that must be done. Some of these are the responsibility of the government, some are the responsibility of the scholars; some

are the responsibility of the individuals of this nation; some are

The Islamic Republic Newspaper reported that the founding of Ra- dio Qur’an was done on the ۱۳th of February ۱۹۸۴. The headline of

the report was a statement from the president of the time, Sayyid Khamenei which read, ‘One of the blessings of this Ten days of Fajr

was the beginning of the Radio Qur’an broadcast.’ The report then continues, by mentioning a part of an interview

that was conducted with the manager of Radio Qur’an about its founding, ‘The idea to create such a radio station was recommend- ۴۶ ed to us by Sayyid Khamenei.’ As a result, in ۱۹۸۴, with the recommendation and support of Ayatollah Khamenei, Radio Qur’an was added to the broadcast list of the Islamic Republic of Iran Broadcaster. This station’s opening co-

incided with the Days of Fajr and began with the recitation of Surah Hamd and verses ۱-۲۱ of Surah Baqarah by Ayatollah Khamenei.

This careful attention to detail of the Leader showed his fore- sight is expanding the foundations of the Holy Qur’an in the Islamic

society. During the days of resistance he made the Holy Qur’an the axis of his resistance against the tyrannical system; after the

victory of the Islamic revolution he also saw the advancement of society and progress of the country, and the more Qur’an orien-

tated the individuals of society became. So naturally, the founding

Accomplishments in the Field of the Holy Qur'an

Point

One of the most important and effective activity that Sayyid Khamenei performed before the victory of the Islamic Revolution

.were these very commentary gatherings and sessions as mentioned ۴۵ above

After the victory of the Islamic revolution, Ayatollah Khamenei still maintained his previous motivation and in addition to continu- ing his commentary classes and sessions, he accomplished the fol- lowing with regards to the Holy Qur'an: Founding ,of Radio Qur'an

forming the Supreme Council of the Qur'an, establishing the Cen- ter for the Publication and Distribution of the Holy Qur'an, Public

Relations , gifting Holy Qur'ans to the families of the martyrs and regular visitations to Qur'anic institutes. Below is a brief synopsis of

.these activities

a government and it is in the Madani Surahs that these issues are discussed more ‘.frequently

Tafsir Surah ye Bara’at

If we want this society that is based on the revolutionary prin- ciples and which‘ follows the revolutionary path to remain until the

Day of Judgment, we must enliven the action of enjoining good and forbidding evil within it; meaning that every individual within the

society is responsible for its protection and we say, “O Muslims! O ۴۴ Believers! It is -you who must keep the general and specific teach

ings of Islam alive! You are all responsible for it.’” This book is the newest work of the Inqilab Islami Publishers. It contains the commentary of Sayyid Khamenei which he delivered to

seminary students from mid-۱۹۷۲ until about February ۱۹۷۳; it was published in April .۲۰۱۸

ص: ۱۲۵

This book is the edited version of his classes on Surah Mujadalah. These classes were -held during his time as president and were de

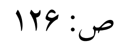
livered to the officials and workers of the presidency. They were delivered in seven sittings from the ۷th of May until the ۲nd of

June ۱۹۸۲. In these sessions all twenty-two verses of this Surah were discussed and commentated on. In explaining why he chose

this Surah and the one's that followed, he said, 'The reason for me choosing this specific place is because the Surahs that appear in the

۲۸th and ۲۹th part of the Holy Qur'an are usually Madani Surahs ۴۳ i.e. they are those Surahs which were revealed to the Holy Prophet (sawa) in Madina and concern the establishment of an Islamic gov- ernment, like our current predicament. The types of issues and cir- cumstances that are relevant to a society after the formation of an Islamic government are very different to those that related to them during the era of resistance and before its formation; just as you are seeing currently within our own society. Today you are witnessing a matter that before February ۱۹۷۹ was non-existent; not mentioned. In those days you had issues that today are not relevant to you. For example, the issues of hypocrisy

and hypocrites, social justice, government, Jihad and tens of other issues like this that only become relevant after the establishment of



Revised Edition of Tarh Kulli Andishe ye Islami dar Qur'an

This book was published for the first time by Sahba Publications in ۲۰۱۲. The contents are the transcripts of the audio recordings

of those classes that after being reviewed, codified and edited was made available to the public. It must be noted that this book, in comparison to the one that was published before the victory of the Islamic revolution is more complete and has far greater contents. This book has been repub- lished on numerous occasions and even though these speeches

.were given nearly forty years ago, they are still sought after by many readers ۴۲

Maruri bar Mabani, Ravish va Qawaid Tafsiri dar Tafsir Surah Tawbah

During the period before the victory of the Islamic revolution, Sayyid Khamenei commentated and discussed Surah Maidah, Surah Infal, Surah Tawbah and parts of Surah Yunus. From amongst these lessons, it was the commentary on Surah Tawbah -that was pub

lished. The contents of this book was researched and analyzed by a group of scholars, who extracted from it the methodology and prin- ciples of commentary that Sayyid Khamenei used and was printed

.in another book consisting of around ۱۲۰ pages

ص: ۱۲۷

volume book i.e. until verse ۱۸۲ of Surah Baqarah. This translation was translated sometime before the victory of the Islamic revolu- tion and it was supposed to be published together with the other

translated volumes of this commentary that was completed by Dr. Muhammad Mufattih and Hujjati Kermani, but this was not feasible

due to some reasons. This translation was not republished after ۱۹۸۴. One of the -merits of this work was the overlapping of theolog

ical discussions with those of a socio-political nature. In this trans- lation, wherever he saw it necessary, Ayatollah Khamenei would

comment and critique the author and would show the differences in ۴۱ the jurisprudential and theological standpoints of the Shia with that of the author's school of thought. However, he was in agreement on its general standpoints on theology, jurisprudence, politics, society

-and culture. The books that have been introduced above are some mere ex

.amples that Sayyid Khamenei managed to publish during that pe- riod

In the next section, books of his that were compiled by differ- ent organizations by using the audio recordings of his classes and

.published after he became the Supreme Leader will be introduced

worldview which is the foundation and key principle in all plans, projects, practical thought and ideology of Islam. In the final segment of the book, the issue of Imamate and Divine

Authority (Wilayah) is attached to the principle of Tawhid. He views the concept of Wilayah as being the attached to the Islamic Nation

with one unified law; as it is only possible for that new worldview, as brought by the Holy Prophet (sawa), to base the lifestyle of the

community on religious teachings when initially, it was previously present and realized in the thoughts, habits and actions of a formed

group. ۴۰ Nevertheless, it can also be assumed that the holding of these

.classes was to develop a pure revolutionary force as a secondary objective

Translation of Tafsir fi Zilal

The main method that the author used in this book was to divide the topics of the verses so that in this way he was able to place

them under a single topic heading and give them a specific objec- tive. The author then made efforts to commentate on the verses

with a specific grammatical view and explain the general philosophy of the verse without going into their specifics. Sayyid Khamenei translated the first two volumes of this eight

behind,(۱) ‘We have sent down the Book to you as a clarification of all things.’(۲) However, it has also commanded us to ponder deeply upon its teachings. Therefore, it -is because of the existence of such an attitude to

wards Islam and its teachings that allowed Sayyid Khamenei to present core values for the establishment of an Islamic system in

his commentary lessons. He would extract and explain Islam and Islamic thought from the verses of the Holy Qur’an and expound

on the fundamental principles of revolutionary thought and abol- ishment of tyrannical systems. He presented these ideas during

his commentary classes in such a manner that the audience them- selves, ۳۹ naturally, reached the conclusion that it was necessary to

establish a system based upon Islam and its teaching within the country; as one of his main goals for these classes was to transfer

the principles of Islamic revolution to the people and society. This book begins with the chapter of ‘Belief (Iman) in the Holy Qur’an,’ as the Holy Qur’an promises the establishment of divine

law and the dominance of its governance over the world; the for- mation of an ideal Islamic society, to those believers who perform

.worthy actions based on belief and iman

The contents are centered on Tawhid or monotheism, as it is this

---

۱- ۴۱:۴۲

۲- ۱۶:۸۹

other social school of thought; they focus upon practical respon- sibilities and -specifically social interactions. So all theoretical dis

cussions which are presented in this school of thought, be they intended to order man's life or to provide a goal for it or to provide

.a method of achieving that goal, must be analyzed, critiqued and researched

The issues concerning Islamic ideals must be looked at as being a part of a larger .۲ unified corpus. So every element that is seen to

be a part of religion and a pillar of this firm structure must be in conformity and related to the other elements and not something ۳۸

that is alien to it; it is in this way that Islamic issues need to be researched so that a -complete and all-encompassing understand

ing of the principles and fundamentals of religion can be acquired in the form of a comprehensive ideology, that is germane to all

.dimensions of human life

In proving and understanding the principles of Islam, the origi- nal sources must be .۳ the point of reference - rather than the

likes and opinions or mental constructs of any person. -until re- search and investigation becomes truly Islamic, without parts of

research taken and used. In order to fulfill this objective, the Holy Qur'an is the most perfect and complete source that we can

rely upon. 'Falsehood cannot approach it, from before it nor from

when by chance they realized that Dr. Mahmoud Ramyaar was also busy compiling both the above mentioned projects and had already published a Farsi Index of the -Holy Qur'an and therefore it was be

.cause of this that their work was brought to a halt

Guftari Dar Bab Sabr

In ۱۹۷۴, his speeches and talks on the commentary of the Holy Qur'an that were delivered at the Karamat Masjid were published

as a book titled, 'Guftari dar Bab Sabr.' This book was then abridged and revised eighteen months after the last talk in the masjid and ۳۷ was published with the title "'Sabr

Tarh Kulli Andushe ye Islami Dar Qur'an

Before every commentary session at the Imam Hasan (as) Mas- jid, Sayyid Khamenei would give those present a summary of his

discussion. At the beginning of November ۱۹۷۴, these summaries were collected, edited, given an introduction and published as a book

titled, 'Tarh Kulli Andishe ye Islami dar Qur'an.' In the introduction to the book, three important points regarding Islamic discussions

are mentioned. These points also indicate the line of thought taken by Sayyid .Khamenei

Islamic ideals are not merely intellectual concepts, but like any .۱

sessions and lectures, was the authoring and translating of books focused on this subject. ‘Doh Pajuhish ye Qurani,’ Guftari dar Bab

Sabr’ and ‘Tarh Kulli Andishe ye Islami dar Qur’an,’ are an example of his writings. Another one of these efforts included the transla- tion of the book Tafsir fi Zilal al-Quran of Sayyid Qutb from Arabic to Farsi. Recently, three other books namely, ,‘Maruri bar Mabani

Rawish wa Qawaid Tafsiri,’ ‘Tafsir Surah ye Mujadalah’ and ‘Tafsir Surah ye Bara’at’ have been scripted from the audios pertaining to

these particular sessions and have been published by Inqilab Islami Publications. What follows is a synopsis of the above titles. ۳۶

Doh Pajuhesh ye Qur’ani

The canceling of the commentary sessions at the Imam Hasan (as) Masjid did not demotivate nor dissuade Sayyid Khamenei from

pursuing research on the Holy Qur’an, and it was in this regard that at the beginning -of ۱۹۷۳ he made the decision to write two re

searches on the Holy Qur’an. One of these researches was to com- pile a lexicon on the Holy Qur’an and the second was to write a Farsi

index on the verses of the Holy Qur’an in order for Farsi speaking individuals to find particular verses in the Holy Qur’an easily without

having to know the root Arabic words. The Verse Index was being compiled by a ,group of people and continued until October ۱۹۷۴

After his inauguration ceremony in October ۱۹۸۱, Sayyid Khame- nei had an interview with the Iranian Broadcasting Corporation from

which the following can be understood from it, 'Having an under- ۳۵ standing of noteworthy thoughts such as the necessity to manifest

a Muslim identity in the socio-political sphere'; 'the ideals of Islamic governance over the Muslim society' and 'the non-surrender in the

face of non-religious government.' These thoughts slowly found their way into the settings of the seminary students and religious

folk, even though they were very few. However, they were so pro- found that any motivated and free-thinking seminarian would be- come engrossed with Sayyid Ali .Khamenei

This thought and ideal encapsulated his very essence to such an extent that it directed his entire academic and research activities

.into defending the Qur'anic Identity of Islam

Another of his Qur'anic activities, in addition to his commentary

and lifestyle being the heart of it, coupled with its superior quali- ties over the current modern western civilization, are proofs to this

(claim. (۱

ص: ۱۳۵

۱- Nizamsazi dar Nighah Tafsiri Ayatollah Khamenei, Ayni-Zadeh, Muaddab, Bi-annual academic journal "Mutali'at Qur'an and Hadith", year ۱۱, vol. ۱, Autumn/Winter ۲۰۱۷, .pgs. ۱۵۳-۱۷۵

is not separated from the success of the society i.e. the success of the individual is dependent on the success of the society and vice

versa. Furthermore, those who follow this type of commentary trend believe that the best solution to the changes and problems that oc-

cur in a society is referring to the exegeses of the Holy Qur'an. (۱) Today a broader type of outlook has caught the attention of re- searchers in connection with the commentary of the Holy Qur'an, which is known as a civilizational outlook. In this commentary out-

look, the commentator pays attention to the fields of creating a ۳۳ civilization by searching for the principles and teachings of the Holy

Qur'an in this regard and presents examples of a Qur'anic civiliza- tion together with ways of how to practically bring it about. By examining the opinions and views of Sayyid Khamenei, it

becomes clear that he is a perfect example of this type of outlook. This outlook aims to present an acceptable blueprint in the field of

cultural engineering in order to create advancement; this outlook pays careful attention to the historical exegesis of the Holy Qur'an. The concept of systemization that exists in his thought and com-

mentary; his attention to the subject of a new Islamic civilization

---

۱ - Barrasi Ravish wa Girayish Tafsiri Maqam Mu'azam Rahbari, Alawi-Mehr, Mu-rawwaji Tabasi, Research Journal Ulum wa Ma'rif Qur'an Karim, Winter ۲۰۰۹, vol. ۹, pgs. ۴۵-۹۲.

His Methodology of Commentary

Point

Every commentator of the Holy Qur'an indulges in its commen- tary based upon a personal approach. The approach and method of

Sayyid Khamenei is a deductive (Ijtihadi) or comprehensive man- ner. An ijtihadi ٣٢ approach to the commentary of the Holy Qur'an is

the extraction and understanding of Qur'anic principles and laws by making use of original sources and having the ability to do so ad-

equately. Therefore, if a commentator of the Holy Qur'an wishes to choose this method of commentary, he must, technically, have the

ability to use all other methods of commentary in order to achieve the required conclusion. In addition to methodology, there also exist

different types of outlooks in the commentary of the Holy Qur'an. The commentary outlook of Sayyid Khamenei is socio-political. This

type of outlook that delves into the social ideals of the Holy Qur'an requires a special type of attention as it views matters such as hu-

mankind, guidance and presents the message of the Holy Qur'an from a social viewpoint. In this outlook the success of the individual

It can be said that these classes identified other important ele- ments of the Leader's political thought in the directing of the Islam-

ic system in differing arenas during his era of being the Supreme Leader.(۱)

The Era after becoming the Supreme Leader

After becoming the Supreme Leader of the Islamic Republic of Iran, Sayyid Khamenei held commentary classes at the Husayni-

yyah of Imam Khomeini (ra) and at his administration offices. Dur- ing these sessions Surah Baqarah was commentated on. A large ۳۱ portion of these sessions contents are not available and that which is, approximately twelve sessions, have been published and can be found at the website Khamenei.ir. It can be understood from these published statements of the Leader that the eighth session of this

series was held on the ۱۲th of October ۱۹۹۱ and the last one that was published was held on the ۲۷th of May ۱۹۹۲.

۱- Barrasi Ravish Tafsiri Ayatollah al-Uzma Sayyid Ali Khamenei, Khawajah, Zeh- ra, Danishghah Ulum wa Ma'rif Qur'an Karim, Danishkhadeh Ulum Qur'ani, Qum, September ۲۰۱۵

The issues of social justice, government, Jihad and many oth- er issues like these' become the focus after the establishment of a government. So as these issues are mostly discussed

within the Madani verses of the Holy Qur'an, the verses of this th part (۲۸) until the ۳۰ part are mainly Madani, whereas the verses in the ۳۰th part are mainly Makki; we also noticed that this section of the Holy Qur'an was one of those places that was rarely commentated on.'(۱) Before the victory of the Islamic revolution, Sayyid Khamenei was one of those in the forefront in trying to establish a Qur'anic gov- ۳۰ ernment and expounded on all segments of it from the Holy Qur'an

to his students in Mashhad. Now with that revolutionary fervor and needs of the time, he would commentate on matters relevant to the

Islamic society after the establishment of an Islamic government. One of the most important features of these classes was the con- forming of it with contemporary issues and problems of the society. He would analyze and extract trends from the Holy Qur'an dealing

with the early history of Islam, as well as the sedition of the liberals, hypocrites and ,the arrogant individuals of the world; in addition

concepts such as imperialism, oppression, sedition, hypocrisy and infiltration .consumed a great portion of these classes

---

Statement made on the ۷th of May ۱۹۸۲ during his commentary class on Surah - ۱ Mujadalah

wards these ideals; however, this is not possible or desirable unless achieved by the society itself. Nevertheless, contemporary history of Islamic thought and resis- tance have shown that when religion intends to rule and the system of society aims to become Qur’anic, reviving some of the concepts results in them being extremely .misunderstood or at times it is nec- essary to leave them on the peripheries

Commentary Gatherings after the Victory of

Commentary Gatherings after the Victory of

the Islamic Revolution ۲۹ During the Period of his Presidency Even after the victory of the Islamic revolution and during the period of his presidency, Sayyid Khamenei, just as he did prior to the victory of the revolution, began to hold lessons on the commen- tary of the Holy Qur’an. In March ۱۹۸۲, which was less than a year since he had taken office, he began holding weekly classes at the Presidential Administration Building, especially for the guards of the administration. These classes started from the ۲۸th part of the Holy Qur’an and as they took place during the early days of the Islamic government in Iran, it was necessary to present discussions based around Is- lamic governance to the people. In describing his reasons and moti- vations for holding ,these classes, Sayyid Khamenei says



would explain each of these subjects over a number of sessions. Before his talks, -Sayyid Khamenei would always print and distrib

ute the summary of his speech to those who were in attendance. At the beginning of November ۱۹۷۴, these summaries were collected, edited, had an introduction written for them and printed as a book

’.titled, ‘Tarh Kulli Andishe ye Islami dar Qur’an

These sessions continued until ۱۹۷۷and ended when Sayyid Khamenei was arrested and exiled to Iran Shahr. The victory of the Islamic Revolution changed Iran into a firm

base for the ideals of a religious government. This victory was also ۲۸ the first and most important step in creating a Qur’anic society and a new Islamic civilization. The realization of this new Islamic civili- zation would also not be possible unless the thought and lifestyles

of the Muslims became one with the Qur’an in a systematic way and moved from mere slogans to actions. In reality, Sayyid Khamenei is the extension of the thought and

ideals of Imam Khomeini (ra) and other contemporary revivalists of Islamic thought who believed that it is not possible to establish

Islam in its entirety except through the governance and rule of reli- gious values over all aspects of societal life. Therefore, it is essential that religion must have authority; the governmental process must be based on and be within the framework of religious legislation

-and the movement of the society must, in form and action, be to

barriers placed in the way of the Prophets by the wealthy, social elite, clergy and -rulers and the stances against illiteracy and igno

rance were just some of the topics that were mentioned in these gatherings using the verses of the Holy Qur’an. The SAVAK reporter’s interpretation of these speeches was the

following, ‘Ayatollah Khamenei is describing fundamental revolu- tionary Qur’anic concepts and in an elusive way is motivating and

’.encouraging people to stand against social elitism, exploitation and political stifling

On the ۲۶th and ۲۷th of Ramadhan, he gave a speech on the ۲۷ complete authority of the Imam and introduced to the audience the

concept of the divine representative of Allah (swt) with all its condi- tions and requested from them to think and make a measured and

calculated decision on who the representative of the Twelfth Imam (as) is. This speech of his was so clear that the SAVAK reporter

wrote at the end of his report, “Who is meant by the representative of the Twelfth Imam (as) in this era is Khomeini.” Ayatollah Khamenei had an ingrained belief that the Qur’an was

the complete and perfect source of Islam in which there is no doubt and was also the guide towards resistance against oppression and

solution to man’s social endeavors. Because of this, during the Month of Ramadhan he would present speeches on fundamentals

such as belief, monotheism, prophet-hood and divine authority; he

Qur’an, he would translate and commentate on it. This commentary followed the same pattern of him explaining the verses of the Holy

Qur’an by using contemporary matters and social issues. However, his activities in -this masjid must have caught the atten

tion of SAVAK, as they decided to bring these discussions to a close. His final talk at the Karamat Masjid was on the ۲۶th of February

The notes and talks of Sayyid Khamenei from these commen- tary sessions were .۱۹۷۴ "collected in a book titled “Guftari dar Bab Sabr

Speeches on Patience).This book was then abridged and revised ۲۶ eighteen months) after the last talk in the masjid and was published

.(with the title “Sabr” (Patience

The most Well Known and Important Commentary Gathering

In September ۱۹۷۴, which coincided with the Month of Rama- dan, Sayyid Khamenei would deliver talks on the Holy Qur’an in the

Imam Hasan (as) Masjid during the afternoons. In these talks he would mention revolutionizing concepts and remove the blinds from

the corruption that was found in society to those who were present. The confrontation of the Prophets with the rulers; the opposition of

Islam with oppression and tyranny; the equality of people and that wealth and poverty is not a legitimate criterion of superiority; the

and spoke about the ‘advancement and coming to the fore of truth’ and the ‘eventual stagnation and destruction of falsehood’. He said in this regard, “Throughout the course of history, the divine rule has always

”.found a way to become dominant and gain victory over cor- rupt rule

At the end of his talks, which were more explanatory than just translation, he would -narrate two traditions from which the follow

ing general rule can be extracted: ‘A believer in the face of stormy circumstances must be like a firm branch.’ ۲۵

On the eleventh of Ramadhan (۹th of October), he translated and commentated on verses ۲۰ -۲۷ of Surah Infal, whereas on the thir- teenth of Ramadhan he decided to discuss verses from Surah Saff. These talks lead to SAVAK releasing an official order centered on

gathering evidence against him in order to prosecute; so his last talk occurred on the ۱۱th of November and was dedicated to the

.commentary of Surah Asr

Commentary Sessions at the Karamat Masjid

After less than two months, Sayyid Khamenei transferred his ac- tivity headquarters -from the Imam Hasan (as) Masjid to the Kara

mat Masjid. On Thursday nights, after the recitation of the Holy

and in his thought it was essential to establish an Islamic system of governance. An example of this is that when his classes at the

Imam Hasan (as) Masjid were canceled, he began holding commen- tary classes in the Qibla Masjid on Thursday and Fridays in which he discussed the fundamentals of belief. These lessons were attended by over ۱۵۰ seminary students; however, after ,threats from SAVAK

.these gatherings were also eventually canceled in June ۱۹۷۳

Re-initiating the Lessons at the Imam Hasan (as) Masjid

In the Month of Ramadhan of the same year, after seeking ad- vice and with the ۲۴ intention of not creating suspicion within SAVAK, Sayyid Khamenei decided that after performing the Midday Prayer in the Imam Hasan (as) Masjid, he would recite verses from the Holy Quran and then translate them. He also at times would allow the youth who were present an opportunity to translate the selected

verses into Farsi is they wished. During these gatherings he would translate and commentate on verses from Surah Al-Imran; however on the ۱۰th of Ramadhan he commentated on verses ۱۳۰-۱۳۵ from Surah A'raf. He protected

himself by saying that the goal of the sessions was to only translate the verses of the Holy Qur'an and was not a commentary; it was

in this way that he re-iterated the concepts of truth and falsehood

prayers and content himself with explaining Prophetic sayings after the prayer in the Imam Hasan (as) Masjid. He was also allowed to

.continue his seminary classes that he had containing some fifteen students

During his final session, he said to those who were present, ‘In this week, our ,discussions will come to an end. However

you should not separate from the Holy Qur’an…all our strug- gles today are because -we do not possess sufficient knowl

edge of the Holy Qur’an. The Holy Qur’an is the cure of all our ailments. Look at the Qur’an in a detailed and in-depth man- ۲۳

ner so that you can know its goal and final purpose.’ The cancellation of his sessions on the commentary of the Holy Qur’an at the Imam Hasan (as) Masjid did not however stop him from continuing his research into the Holy Qur’an and during the -first months of ۱۹۷۴ he made it his mission to author two research

(es about the Holy Qur’an.(۱

Commentary Gatherings at the Qibla Masjid

Sayyid Khamenei was never stagnant. Whenever a gathering would be canceled, he would merely organize another one, as he

viewed the system of governance to be illegitimate from its roots

---

.These will be discussed in a later section dealing with his writings -۱

Mashhad that let us stop our current program for a period of twenty years and all at once focus solely on the Holy Qur'an. I have been giving lessons on the commentary of the Holy Qur'an for nearly six years and in this way the seminaries have been slightly persuaded towards my beliefs. So I humbly request from the management that they do not just merely

give slogans, as they are not beneficial or practical.' The lessons continued in a systematic way with each session

dealing with a verse from Surah Baqarah. In each session a set of verses would be translated into Farsi for the audience and then

commentated on. The commentary of verses ۹۶ and ۹۸ were spe- cifically ۲۲ commentated on, on the ۱۸th of March ۱۹۷۳ and the next session focused on verses ۹۹ .to ۱۰۲ of the above mentioned Surah

During this time, the reports of these sessions were sent to SAVAK by spies, who portrayed themselves as being religious, and were

present in these sessions. After these reports were received by the SAVAK branch of Mashhad, one of the officials posted there saw

no benefit in these gatherings for the system and ordered them to be canceled. These sessions continued until they reached the

,th ۱۰۹ verse. Sayyid Khamenei was then ordered to present himself to SAVAK

which he did in July of that year and accepted their request to can- cel his commentary classes and to only perform the congregational

They would sit with their gaze fixed upon sheets of paper on which they would take -notes from the Qur’anic lessons of Sayyid Khame

nei. The commentary classes at the Imam Hasan (as) Masjid were scheduled to be -held once a week on Friday mornings. This sched

ule continued until ۱۹۷۳. The commentary began on the topic of ‘the characteristics of the Jews,’ on approximately the ۹th of March

with the ۶۲nd verse from Surah Baqarah. The methodology of Sayyid Khamenei ۱۹۷۳ during these sessions was to comment on the

verses of the Holy Qur’an using examples from contemporary times. It was during this time that SAVAK sought an excuse to arrest ۲۱

and prosecute him, so in order to find one; they closely followed his commentary classes and would note down and record anything that

exhibited his political views. However, Sayyid Khamenei was extremely opposed to anything

which would cause these gatherings to be unnecessarily canceled or postponed, even if that reason was a salutation gathering for his

:leader Imam Khomeini (ra). It is reported that he said in one of his sessions

I sincerely request from the management to allow me to continue my activities and‘ not cause them to be delayed or postponed. I believe that the most important element that is required in the current environment is the understanding of the Holy Qur’an. I have also told the seminaries of Qum and

these classes, SAVAK officials ordered that he must always be ac- companied by one or two of their personnel, who would report back

to them about his speeches and activities. In these sessions Surah Maidah, Surah Infal, Surah Bara’at and verses from Surah Yunus

.were discussed and commentated on

(The Imam Hasan (as) Masjid (Mashhad

In the autumn of ۱۹۷۲, in the Month of Ramadhan, the lessons on ۲۰ the commentary of the Holy Qur’an became a reality in the Imam Hasan (as) Masjid. It was after great insistence that Ayatollah Khamenei accepted the recommendation of becoming the congregational prayer leader (imam) at the Imam Hasan (as) Masjid. Gradually his short talks started to become very popular. A blackboard was even brought

into the masjid in order for him to begin teaching and explaining the concepts of religion. People from all walks of life and social strata would participate in his commentary classes. However, it was the youth who were the most attracted to these classes, as they would fill the outside of the masjid with their bicycles and motorcycles, whilst being inside

.listening to the extent that they outnumbered the older generation



and partake in these commentary gatherings. These gatherings were firstly held in Masjid Sadiqiha, which was located in the Sar

Shur Bazaar; however, because of the vast number of participants that these gatherings attracted, it had to be moved to the School

of Mirza Ja'far. This series of lessons, unlike the previous one, was not short lived and went on for a longer period of time. They were

eventually brought to a close by members of the security forces and unfortunately also the recordings of those gatherings have been

lost and so the contents and material of those gatherings are not known. ١٩

The School of Mirza Ja'far Commentary Continued

The constant arrests severely disrupted his social and academ- ic programs; after the fifth arrest he became certain that from

amongst his associates there were some who were hired to spy on him and report about his activities to SAVAK. Hence, it was in this

way that the restrictions on him became even tighter, which forced him to pay closer attention towards his speech and actions. After being released for the fifth time in the autumn of ١٩٧١, he immediately resumed his commentary classes in the School of Mirza Ja'far, Mashhad, which has now become the Razavi University.

However, in April of the following year, after becoming aware of

ism and Liberalism and as a result illustrated the depths of Islamic Thought and guided the resistance within the framework that was

set up by Imam Khomeini (ra) and in spite of the opposition faced from the Pahlavi regime, he managed to achieve great successes

with his endeavors. After being released from prison for the third time, his second

commentary series took shape in ۱۹۶۸ at the request of two of his companions who were both from Gunabad and happened to have a

.lot in common in addition to history together

They were Sayyid Rida Kamyab and Muhammad Baqir Farzaneh. ۱۸

During their travels with Sayyid Khamenei, even though very short, they became acquainted with his knowledge and social-political thought and found him a person worthy of learning from. They both

approached Sayyid Khamenei and insisted that he began a general class, other than the usual classes, on topics such as commentary

.of the Holy Qur'an, theology or ethics

As he had a special fondness to the commentary of the Holy Qur'an, on his return to Mashhad he began giving commentary on

.Surah Ma'idah, just as he did in ۱۹۶۴

These classes would take place on a Thursday and Friday and as time went on they became more and more popular. It reached a

stage that pupils, university students and even some businessmen would join the large number of seminary students who would attend

sistance - lead to every opportunity which presented itself being used to commentate on the Holy Qur'an. When Sayyid Khamenei

fled to Tehran from Mashhad in ۱۹۶۵, he lived in such a way that would make him unrecognizable. However, a few of his associates arranged a program in order for him to deliver nightly lessons on the commentary of the Holy Qur'an. These lessons occurred in the

:Month of Ramadhan. Sayyid Khamenei describes these sessions as follows

These were lively and great sessions, in them I commentated on Surah Kahf for my" audience." ۱۷

The Masjid Sadiqiha and School of Mirza Ja'far Commentary Classes

When Sayyid Khamenei was freed after being arrested for the third time in ۱۹۶۷, he took it upon himself to visit the political pris-

oners who were being held in Tehran. Through his links with revo- lutionaries in different cities, he tried to shape the resistance and

activists, and to train a new generation of revolutionaries, espe- cially from amongst the seminary and university students, which

was based upon Islamic thought. He also made great efforts to try and extract the fundamentals of resistance from the Qur'an and

-Prophetic traditions as a counter to the materialistic ideals of Marx

Gathering on the Commentary of the Holy Qur’an before the Victory of the Islamic Revolution

Ayatollah Khamenei held a total of nine series on the commen- tary of the Holy Qur’an .before the victory of the Islamic Revolution

.What follows is a chronological explanation of those gatherings

The First Commentary Series at Payin Khayaban

Ayatollah Sayyid Ali Khamenei began his lessons on the com- ۱۶ mentary of the Holy Qur’an in the year ۱۹۶۴ at the request of some

of the residents of Payin Khayaban, which he accepted under cer- tain conditions. Accordingly, after being released from prison for the second time, he presented his lessons on the commentary on Surah Ma’idah during an entire Month of Ramadhan in the presence

of Mashhad’s traders and businessmen. These gatherings were also attended by a small group of scholars who had an interest in politi-

cal issues and would become more famously known as the “Payin Khayaban ”.Gatherings

Commentary Whilst Being Pursued

The pressing need to spread and propagate the teachings of the Holy Qur’an - even during the most difficult conditions of the re-

these constant changes. It was this idea that was strengthened on the basis of returning to the Holy Qur'an and resulted in what was

known as the "Peak of Piety". These activities of Sayyid Khamenei and those of the other activ- ists were all being monitored by the SAVAK and as a result of the prevailing conditions of that time; all of his speeches and gather- ings were attended by members of SAVAK who would then make a report concerning that particular speech. It was because of this that Sayyid Khamenei in explaining the restrictions he had in presenting

his material to his audience has said: ۱۵

Material that I thought would be detrimental to the regime and system would be" presented without making any reference to the

".actual system. Also the system was never insinuated or hinted at in anyway

In this manner, because of the all the spying and snitching, Sayyid Khamenei was detained on numerous occasions. Before the victory

of the Islamic Revolution, he was arrested no less than six times by SAVAK and placed .in prison; he was also eventually exiled



on the political thought of the Imam, factors such as the Imam’s wisdom and -foresight regarding social issues and his deep under

standing of Islamic teachings placed him at the forefront of a great and unprecedented revolution. In addition to this, the bravery of the Imam, which he inherited as a family trait was also very significant in this historic movement. The collective of the Imam’s religious- ness, piety, bravery, political insight and inspiration from the politi- cal thoughts of Ayatollahs Mudarris and Shah Abadi were all visible within his movement and it was in this regard that Sayyid Khamenei

saw that all of these factors were gathered together under a banner ۱۴ known as “Religious Motivation”. When the revolution, under the leadership of Imam Khomeini, -en

tered a new stage in the ۱۹۶۳ and after the attempted quashing of it by the despotic regime, different socio-political movements chose to take diverse paths. As being part of the revolutionaries, Sayyid Khamenei, as well as joining in the activities of the other revolution- aries, also decided to take it upon himself to lay the foundations of the society’s ideology and thought, and it was with this in mind that one of his most effective revolutionary activities was the holding of

gatherings dealing with the commentary of the Holy Qur’an. He made great efforts to try and propose a means of living a pi- ous life in the modern world that would not surrender to the ever changing times. He sought to present ways to counter and manage

Exegetical Resistance Activities

The beginning of resistance and choosing commentary gather– ings as one form of it

When the resistance movements began in ۱۹۶۲, Ayatollah Khame- nei was one of ۱۳ -the first people to align themselves with Imam Kho

meini (ra) and one of his first activities was the reproduction and propagation of the Imam's statements. It was during this period

that the political dimensions of Imam's personality began to reveal themselves to Ayatollah Khamenei. With this association with the Imam, many questions arose for

example: how was this political insight of Imam Khomeini formed and applied? Who was it that influenced this political thought of the

Imam? And other such questions to occupy his mind. After pondering on the above questions, he reached the conclu- sion that other than the immense influence that Ayatollah Sayyid

Hasan Muddarris and Ayatollah Mirza Muhammad Shah Abadi had

During his Qur’anic activities he would always stress on Qur’anic awareness being a -prerequisite in order to gain an affinity and at

tachment with it. He would also emphasize the necessity of ponder- ing on the Holy Qur’an and making efforts to establish the teachings

of the Holy Qur’an in society. This yearning of his to make the youth acquainted and attached to the Holy Qur’an led to a new chapter in

his activities i.e. “Resistance,” in order to cement and form a gov- ernment based on Qur’anic principles. What follows is a synopsis of his exegetical and research activi- ties. ۱۲

-□ and therefore nothing is guaranteed. Before the victory of the Islamic Revolu

tion there were very few well-wishers, they would advise the people while their hearts grieved. Their actions and advices were not ineffective, for every advice affects the heart, but is failed to turn into action. Why? Because the system was an incorrect system, because the direction of the society was towards injustice, inequity, cowardice and immorality. Direction is very impor- tant. The source of any direction ’.begins with the establishment of a system

er that these classes be a preliminary in order for people to become

(aware of the concepts of the Holy Qur'an. (١

ص: ۱۵۸

۱- ۲۶/۰۸/۱۹۹۴ - In a speech given in the presence of government officials and guests of the Islamic Unity Conference, Sayyid Ali Khamenei said, 'If a govern- ment is based upon the foundations of Islam, it would mean that Islam has been applied in a practical manner; however, if Islam only means to have belief and only concerns itself with the actions of the individual within the society and the rule of religion is not established; in such a society Islam and the Qur'an are abandoned. A referent of this appears in the Holy Qur'an. In Surah Furqan the following verse appears, "And the Apostle will say, "'O my Lord! Indeed my people have consigned this Qur'an to oblivion."'" It is the ۱۱ Holy Prophet (sawa) who is saying this to Allah (swt), but what does consign- ment to oblivion mean? For surely it does not mean that the Holy Qur'an, its name and the name of the Muslims would be completely erased. This is not what this consignment means! Rather consigning this Qur'an into oblivion or that it is abandoned means that the Quran exists but is abandoned; it is with us but consigned to oblivion. It means that the Qur'an is recited in a society and has outward respect and reverence; however its ordainments are not fol- lowed and with the excuse of separating politics from religion, government is negated from the Qur'an. If Islam and the Qur'an were not meant to rule and lead, then what was the purpose of the Holy Prophet's (sawa) struggle? From his viewpoint, the creation and establishment of a system based on religion is that very action that the Holy Prophet (sawa) did when he migrated from Makkah to Madina. Till there is no society, there is no system as there is no central authority which can overview the activities of the society

One of his biggest regrets is that he did not partake in the memo- rization of the Holy Qur’an during his youth; even though in his

later years he was able to memorize parts of the Holy Qur’an, but because he does not see himself as being a memorizer (hafiz) of

.the Holy Qur’an it has led to becoming one of his great disappoint- ments

Sayyid Ali Khamenei began his seminary studies while he was in Grade five. After completing primary school he then entered the

seminary full-time and was present in the advanced jurisprudential classes of .Ayatollah Sayyid Muhammad Hadi Milani in the year ۱۹۵۶

He then spent some time in the seminaries of Najaf and Qum and benefitted ۱۰ greatly from the teachers present there. However, while

he was in Qum, he spent most of his time reading, researching and teaching. In ۱۹۶۵, because of an eye ailment that had affected his

father, it was necessary for him to return to Mashhad from Qum in order to assist his father and it was because of this that he once

again found himself present in the classes of Sayyid Milani. He con- tinued attending these classes until ۱۹۷۱. With regards to Qur’an classes, Sayyid Khamenei believes that

merely holding classesto teach recitation is not sufficient, but rath- ￼ class of which I was the teacher and reciter. The students were from the same school as me, some were from Grade ۶, whereas the others were from lower

’.grades

Qur'anic Education

Sayyid Khamenei began nursery at the age of four and at the age of five he entered into primary school. Sayyid Khamenei possessed

a good recitation and soon became the school's Qur'an reciter and as a result his recitation found fame even if it was within small vi- ٩

cinity. His father, in order to make his sons more familiar with the Holy Qur'an and to learn the rules of Tajwid, requested Hajj Ramadan

Bankdar to teach them. After learning from Hajj Bankdar, Sayyid Ali continued his studies under Mullah Abbas, who was the most renowned teacher of Qur'an recitation in Mashhad at the time, and learned the rules of Tajwid from him.

At the age of twelve, Sayyid Ali Khamenei himself began teaching classes on the recitation of the Holy Qur'an and it was from this time

that his progressive Qur'anic activities began.(١)

١- A picture exists on which Sayyid Khamenei wrote on the back of it, '١٢ years old, Grade ۶, Friday after the completion of the Qur'an recitation

the names of the Prophets it was her habit was to give an explanation.' 'In this way I ,(also heard the stories of Prophet Musa (as

Prophet Ibrahim (as) and other Prophets for the first time from my mother; as when she recited verses that contained the names of the Prophets it was her habit was to give an

explanation.' Hence, it was because of having such parents that Sayyid Ali Khamenei from a very young age became acquainted with the Holy Qur'an and was nurtured within its teachings. Therefore, it is this ۸

very point that created in him a strong affinity and attachment to- wards the Divine .Revelation



His mother was Khadija Mirdamadi (b. ۱۹۱۴ – d. ۱۹۸۹). She wasthe daughter of -Ayatollah Sayyid Hashim Najaf Abadi. After his mar

riage to Bibi Sakina, he went to the city of Mashhad and it was in this city that he partook in guiding the people, explaining the Holy

Qur'an and authoring books. During one of his summers in Mash- had, he held discourses on the exegesis of the Holy Qur'an, based

upon the exegesis Majma al-Bayan in the Ghoharshad Masjid which was well .attended by students and non-students alike

Khadija Mirdamadi was a pious, religious and devout lady who was also very knowledgeable with regards to the Holy Qur'an, Pro- ۷

phetic traditions (hadith), history and literature. Her knowledge, by reading exegeses of the Holy Qur'an and history books such as

Rawdah al-Saffah, reached such a level that she was able to narrate the stories of the Prophets, Imams and Qur'anic personalities to

her children in an attractive and story-like way. Her recitation of the Holy Qur'an was exceptional. Sayyid Khamenei in this regard says, 'The first beautiful recitation of the ,Holy Qur'an that I heard came from my mother. We would gather and sit around her

while she recited the Holy Qur'an in a very sweet and melodi- ous manner and would '.then also translate the verses for us

In this way I also heard the stories of Prophet Musa (as), Prophet Ibrahim (as) and' other Prophets for the first time from my mother; as when she recited verses that contained

A Qur’anic Household

If we wish to understand and examine how Sayyid Khamenei gained an affinity with
-the Holy Qur’an and its impact and posi

tion concerning his thought, it is necessary for us to firstly become ۶ more aware of
his family, as it is the family structure which plays

the greatest role in the upbringing of a person and the forming and materializing of his personality. Ayatollah Sayyid Ali Khamenei was born on the ۱۶th of July ۱۹۳۹ into a religious family in the holy city of Mashhad. His father Sayyid Jawad Khamenei (d. ۱۹۸۶) was from amongst the scholars and ju- rists of his time. After completing his intermediary in Tabriz, Sayyid Jawad benefitted from many great scholars in the city of Mashhad. He then migrated to Najaf, Iraq in ۱۳۴۵/۱۹۲۶ and was active in the areas of
jurisprudence and its principles. He attended and benefited

greatly from the classes of Mirza Muhammad Husayn Na’ini, Sayyid Abu al-Hasan
Isfahani and Agha Zia al-Din Iraqi; he also gained

.permission of ijtihad from the three mentioned scholars

introduction

By paying close attention to the lifestyle of the Leader of the Islamic Republic of Iran, Sayyid Ali Khamenei, it is clear that the Holy Qur'an

has great influence in all aspects of his life. This influence is so significant that it can be said that the most critical and important

.dimension of his personality is that 'Qur'anic dimension' that he possesses

Therefore, it was with the intention of becoming further ac- quainted with the dimensions of his Qur'anic personality that

the Department of Cultural and Social Affairs of the Awqaf and Welfare Organization have organized the ۳۵th Interna- tional Qur'an Competition. This present booklet which you

have in your hands titled "A Qur'anic Leader," aims to present information about the Leader's Qur'anic activities over the past seven decades; in addition, it also tries to clarify for us the con- formity of his thought with the Qur'an and fundamental Islamic .principles

We hope that this humble effort is of benefit to all Awqaf and Welfare Organization

ص: ۱۶۴

English

Contents

ص: ۱۶۶

,In the Name of Allah

the All-beneficent, the All-merciful

ص: ۱۶۸

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹